پیام فدایی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

سال اول شماره ۷ | بهمن ۶۵ | بهاء ۵۰ ریال | در ۴۲ صفحه

گرامی باد سالگرد قیام بهمن و قیام شکوهمند

مقاله

پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت دو روز بزرگ تاریخی

۱۹ بهمن سال ۴۹ (سرآغاز مبارزه مسلحانه)

و ۲۲ بهمن ۵۷ (قیام شکوهمند خلق)

در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ با حمله به پاسگاه سیاهکل، چریکهای فدائی خلق برعلیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه اعلان جنگ دادند. مبارزه مسلحانه پیشاهنگان مسلح سیاهکل که باعث شکست بن بست مبارزاتی آن سالهای سیاه گردید، در تداوم خود بوسیله یارانشان، از یکسو راه انقلاب را به توده‌ها نشان داد و از سوی دیگر چریکهای فدائی خلق را در قلب توده‌ها جای داد؛ و در نتیجه پیام آن رزمندگان مسلح در فریاد "ایران را سراسر سیاهکل میکنیم" توده‌های میلیونی در قیام بهمن بپا خاستند.

۱۹ بهمن سالروز آغاز مبارزه مسلحانه و ۲۱ و ۲۲ بهمن سالروز قیام شکوهمند خلقهای ایران به اعتبار نقش عظیمشان در مبارزه خلقهای ما و در واقعه بزرگ تاریخ میهنمان

بقیه در صفحه ۲

"اعتراف به وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم برای توجیه یورش جدید به توده‌ها"

مدتی است که دوباره سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بیاد وابسته بودن اقتصاد ایران به نظام امپریالیستی افتاده‌اند و در هر کنفرانس و جلسه‌ای بر این امر تاکید مینمایند؛ اینکه چه عوامل و انگیزه‌هائی مزدوران امپریالیسم را وادار نموده تا علیرغم هیاهوهای ضد امپریالیستی خود طی ۷ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی به این امر اعتراف نمایند، بدون شک باید مورد توجه قرار گیرد.

چرا رژیمی که به ادعاء گوناگون شعارهای انقلابی و ضد امپریالیست را به چوبه‌های دار میآویزد و فریبکارانه خود را "ضد امپریالیست" جلوه میدهد، در تبلیغات خود به وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیستها اذعان میکند؟ این امر را همانا بایستی از آن ترفندهای موذیانه‌ای دانست که از شارلاتانهائی چون بهزاد نبوی‌ها ساخته است!

بقیه در صفحه ۱۱

گزارشی از پادگان عجب شیر

عجب شیر شهر بسیار کوچکی است که در استان آذربایجان شرقی واقع شده و یکی از مراکز مهم سرکوبگر رژیم در آن مستقر میباشد که رژیم جمهوری اسلامی از آن بعنوان پادگان آموزشی نیز استفاده نموده و میکند.

در دوران شاه مزدور نیز، شهر عجب شیر از همین موقعیت ویژه

بقیه در صفحه ۱۹

در صفحات دیگر

- اخبار صفحه ۳۱
- گفته‌ها و نکته‌ها صفحه ۲۷
- گزیده‌هائی از رادیو صدای چریکها صفحه ۲۱
- روزشمار بهمن ماه صفحه ۴۱
- سازشکاران و مضحکه تسخیر سفارت امریکا صفحه ۴۲
- کنترل و هدایت جنگ ایران و عراق در دست کیست؟ صفحه ۲۱
- جمهوری اسلامی محور دسیسه‌های امپریالیستی در لبنان صفحه ۱۷
- شهدای بهمن ماه چریکهای فدائی خلق ایران
- زندگینامه رفیق شهید قاسم سیادتی از اعضای کادر مرکزی سازمان صفحه ۲۶
- گزارش بندان سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان صفحه ۴۲

زنده باد مبارزهٔ مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

از صفحه ۱

پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت دو روز بزرگ تاریخی ۱۹ بهمن سال ۴۹ (سرآغاز مبارزه مسلحانه)و ۲۱ بهمن ۵۷ (قیام شکوهمند خلق)

میباشند ، وما هرساله بمناسبت این روزهای بزرگ سعی کرده‌ایم با تکیه برتئوری انقلابی راهنمای پیشاهنگان سیاهکل و تجربیات خونین توده‌های میلیونی درقیام بهمن به بررسی شرایطی که درآن قرارداریم پرداخته و مسائل پرجسته‌شرایط کنونی را با طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده مان در میان گذاشته و باردیگر وظایف مبارزاتی خود را طرح و بررسی نمائیم .

رزمندگان سیاهکل کمونیستهای راستینی بودند و بروشنی میدانستند که لنین اندیشمند کبیر کارگران گفته است :" مسئله اساسی هرانقلاب موضوع قدرت حاکمه درکشور است . بدون توضیح این مسئله نمیتوان از هیچگونه شرکت آگاهانه درانقلاب و بطریق اولی از رهبری برآن صحبت کرد "[درباره قدرت دوگانه] درنتیجه قبل از هرچیز به تحلیل شرایط اقتصادی ـ اجتماعی جامعه و درنتیجه تعیین ماهیت "قدرت حاکمه " پرداخته تا برآن اساس، ضمن "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" کشورمان،راه انقلاب ایران را دریابند .

ودرست همین برخورد علمی با واقعیات جامعه به سازمان ما توانائی تدوین تئوری انقلاب ایران را داد ؛ تا درپرتو آن حرکت مبارزاتی و قهرمانانه رفقای سیاهکل ، نه حرکتی خودبخودی وکور بلکه " شرکت آگاهانه درانقلاب" و در جهت "رهبری برآن " باشد وتوانائی تغییر انقلابی درجامعه را داشته و امکان رهبری پرولتاریا برانقلاب را تامین نماید . تئوری راهنمای انقلابیون سیاهکل ، تئوری مبارزه مسلحانه ، یعنی تنها شکل خلاق انطباق مارکسیسم لنینیسم با شرایط انقلابی ایران بود .

درآن مقطع تاریخی ازآنجاکه تحلیل مسئله "انقلاب سفید" وحلقه اساسی آن "اصلاحات ارضی " سال ۱۳۴۱ به یکی از مهمترین مسائل جنبش کمونیستی تبدیل گردیده بود، تئوری مبارزه مسلحانه با تحلیل علمی این "اصلاحات" ماهیت امپریالیستی آن را نشان داده و علیرغم ادعاهای اپورتونیستی و سردرگمی روشنفکران، عدم تغییر درماهیت قدرت حاکمه را اثبات نمود. وبراین اساس استراتژی و تاکتیک پرولتاریا در انقلاب ایران را معین کرد .

رهبر کبیرمان رفیق مسعود احمدزاده دررابطه با هدف "انقلاب سفید" شاهانه درکتاب "مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک" نوشت :" هدف با مطلاح "انقلاب سفید" عبارت بود از بسط نفوذ امپریالیسم درخصوص روستا "(صفحه ۴۶) ودررابطه با ماهیت قدرت سیاسی دولت بعد از اصلاحات ارضی توضیح داد :" آیا باید نتیجه گرفت که نابودی فئودالیسم صرفا یک دروغ است ؟ یا باید گفت که فئودالیسم تکیه‌گاه عمده رژیم نبود؟ اگرفئودالیسم تکیه گاه عمده رژیم نبود ، پس قدرت سیاسی دولت انعکاس کدام قدرت اقتصادی ، و در جهت پیشبرد منافع کدام قدرت بطور عمده کار میکرد ؟ حقیقت را بخواهیم این قدرت امپریالیسم جهانی است . پایه‌های تسلط سیاسی فئودالیسم با انقلاب مشروطه سست شد وباکودتای رضاخان ، فئودالیسم قدرت سیاسی خود را اساساً به امپریالیسم تفویض کرد . منافع اقتصادی فئودالها را تنها قدرت مرکزی حمایت شده و هدایت شده ازجانب امپریالیسم میتوانست حفظ کند"[صفحه ۴۶و ۴۷]

و درتوضیح پروسه رشد سلطه امپریالیسم درکشورمان رفیق مسعود میگوید :"بدین ترتیب ما از یکطرف با یک روبنای سیاسی بورژوازی با قطع نفوذوقدرت فئودالهای محل مواجهیم، و از طرف دیگر شاهد ادامه استثمار فئودالی میباشیم واینک هنوز رشد سرمایه‌داری آغاز نشده ، ما شاهد قدرت انحصارات سرمایه‌داری میباشیم، شیوه تولید فئودالی عوض میشود ، بدون آنکه درحاکمیت سیاسی هیچگونه تغییری ایجاد شود . فئودالیسم از میان میرود بدون اینکه به دهقانان فرصت داده شود لحظه‌ای احساس آزادی کنند ، فئودالیسم از میان میرود درحالیکه بورژوازی ملی سهم بیش از پیش سرکوب میشود . در حقیقت ، با استقرار سلطه امپریالیستی ، تمام تضادهای درونی جامعه ما تحت‌الشعاع یک تضاد قرارگرفت تضادی که درمقیاس جهانی گسترش دارد ، تضاد خلق و امپریالیسم. درنیم قرن اخیر ، میهن ما شاهد گسترش این تضاد ، سلطه روزافزون امپریالیسم بوده است . هرگونه تحولی میبایست این تضاد را حل کند "[صفحه ۵۶ و ۵۷]

بنابراین چریکهای فدائی خلق با تشخیص درست تضاد اصلی جامعه و پاسخ علمی به ماهیت قدرت حاکمه و اثبات این نکته که شاه جز سگ زنجیری دردست امپریالیستها نبوده ونیست ، دشمن اصلی خلقهای ایران را به آنها نشان داده وحرکت آگاهانه خود درجنگلهای سیاهکل را آغاز نمودند.واین دشمن مردم را آماج ضربات مرگبار خود قرار دادند. چریکها براساس این تئوری و عمل به آن ضمن شکستن بن بست مبارزاتی جامعه نقشی به قدرت تاریخی توده‌ها زده و راه انقلاب را با جانفشانی های خود به طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده نشان دادند، و آنان را به این راه فراخواندند .

اگر امپریالیستها و نظام سرمایه داری وابسته به آنها ، با تکیه برتمامی امکانات تبلیغی خود، تبلیغات جهنمی ای را براه انداخته بودند تا توده‌ها را فریب داده و سیاست شاه را "مستقل وملی" جلوه دهند وبه این وسیله واقعیت مزدوری شاه را کتمان نمایند ، درهمانحال اپورتونیستهای رنگارنگ نیز به‌انحاء گوناگون برعلیه تئوری انقلابی پرولتاریا سم پاشی نموده وبا "تمسخر"اصطلاح "سگ زنجیری" دراین تئوری ، وتحریف تحلیلها وایده‌های چریکها ، درواقعیت زرادخانه پرولتاریا را خالی ساخته وبرندگی سلاح راهنمایش را ازاو میگرفتند و به این وسیله او را درمقابل دشمنان طبقاتی اش آسیب پذیر میساختند .

اگر چریکها باکلیه مدا مطلاح "سگ زنجیری" واقعیت هیئت حاکمه

←

پیام چریکهای فدائی خلق ایران به...

را عریان میساختند و نشان میدادند که این هیئت حاکمه براساس برنامه و نقشه‌ای عمل میکند که خطوط کلی آن توسط امپریالیستها طرح ریزی گردیده، و درهمان حال این هیئت حاکمه تحت کنترل و هدایت امپریالیسم میباشد، اپورتونیستها میکوشیدند برای شاه نقش مستقل از امپریالیستها قائل شده و به این وسیله ادعا نمایند که شاه توانائی قدرت "مانور" در بین امپریالیستها را داراست. تا پیکان مبارزه را به‌جای نبرد برعلیه امپریالیسم و سگ های زنجیریش مرفا درجهت مبارزه با "دیکتاتوری فردی شاه" سوق داده و دامنه آن را محدود سازند.

اگر این سالها، سالهای مبارزه خونین چریکها با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه بود، درعین حال سالهای تلاشهای مذبوحانه اپورتونیستها و درازگوئی هایشان برعلیه آنها نیز بود. اپورتونیستهائی که ناتوان از درک واقعیات عینی، باسم پاشی برعلیه تئوری انقلابی پرولتاریا به وظیفه تاریخی خود که همانا اتلاف انرژی انقلابی توده‌هاست مشغول بودند.

اپورتونیستهائی که میکوشیدند با تحریف واقعیت اصلاحات ارضی، ثابت نمایند پتانسیل انقلابی دهقانان بوسیله این اصلاحات تضعیف گشته و تضاد اصلی جامعه تخفیف یافته است. اپورتونیستهائی که میکوشیدند با تخطئه مبارزه مسلحانه چریکها، که از سیاهکل آغاز شده بود، آن را اقدامی آنارشیستی و غیر کمونیستی قلمداد نمایند که بوسیله جوانانی پرشور ولی ماجراجو سازمان یافته است؛ و یا اشک تمساح ریختن برای جانبازیها و از جان گذشتگی شان، آنها را روشنفکرانی چپ رو که به توده‌ها و قدرت تاریخی آنها ایمانی ندارند و راهی خطا پیشه کرده‌اند جلوه داده و به این وسیله خاک به چشم توده‌ها بپاشند.

اما از آنجاکه تئوری مبارزه مسلحانه براساس واقعیات عینی جامعه و تکیه برمارکسیسم لنینیسم تبیین گردیده بود، از آنجاکه معتقدین به این تئوری همه هستی خویش را درجهت تحقق آن درکارزاری نابرابر بکار گرفته بودند، راه و نام آنها در قلب طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده جای گرفت و پس از ۸ سال مبارزه خونین، پیام این انقلابیون در فریادهای توده‌های میلیونی انعکاس یافت. وشعارهای "مرگ بر امریکا"، "ایران را سراسر سیاهکل میکنیم" به‌شعارهای توده‌ها تبدیل گردید. وقتی فریاد "مرگ برشاه" ایران را فراگرفت و درمقابل چشمان توده‌ها، امپریالیستها شاه را چون "موش مرده‌ای" به‌بیرون پرتاب کردند، این واقعیت که شاه سگ زنجیری ای بیش نیست هرچه بیشتر عریان گردید و صحت تحلیل رزمندگان سیاهکل باردیگر اثبات شد و از آن پس تمامی اسناد و مدارکی که منتشر گردید، به روشنی حیرت انگیزی مهر تائید براین "تحلیل" زد و نشان داد که سرسپردگی شاه به امپریالیستها تا چه حد واقعی بوده و چگونه این امپریالیستها بودند که دررابطه با سرنوشت او تصمیم میگرفتند؛ و زمانیکه متوجه شدند وجود او برای منافع و مصالح آنها دیگر ارزشی ندارد، برای قریب توده‌ها او را از صحنه به بیرون پرتاب کردند تا توانائی یارگیری جدیدی برای تعرضی وحشیانه به انقلاب را بیابند. همان زمانیکه توده‌های میلیونی درست در روز فرار شاه فریاد برآوردند "بعد از شاه نوبت امریکاست" از زاویه آنچه که واقع شده بود نشان دادند که دشمن اصلی خود یعنی امپریالیسم امریکا را بروشنی شناخته و تحلیل رزمندگان سیاهکل را راهنمای حرکت خود ساخته اند.

پیام چریکهای فدائی درسیاهکل به اعتبار ۸ سال مبارزه خونین، حال به پیام توده‌ها تبدیل گردیده بود و توده‌ها اکنون همچون آن رزمندگان، شاه مزدور و ماشین دولتی وابسته به امپریالیسم را آماج ضربات خود قرار داده و با حمله به زرادخانه‌های دشمن و سلاح برگرفتن نشان میدادند به این واقعیت دست یافته‌اند که "تنها راه رسیدن به آزادی مبارزه مسلحانه است" و به این ترتیب پیام سیاهکل درقیام بهمن تجلی یافت.

اعمال محیلانه ترین تاکتیکها از سوی امپریالیسم برعلیه انقلاب در بستر شکست قیام بهمن رژیمی را بر سرکار آورد که میکوشید خود را حاصل انقلاب توده‌ها، رژیمی مردمی و مترقی و در نتیجه ضدامپریالیست و ضدامریکا جا بزند. و با تکیه بر مذهب و استفاده از احساسات مذهبی بخشی از توده‌ها، آنها را فریب داده و موقعیت خود را تحکیم نماید.

سردرگمی عجیبی به وجود آمده بود، توده‌های قیام کننده میدیدند که براثر مبارزات قهرمانانه آنها و با دادن بیش از ۶۰ هزار شهید، افرادی که تا دیروز درکنار آنها بودند حال درمسند قدرت قرار گرفته اند، ولی درعمل بنام انقلاب، انقلاب را سرکوب مینمایند. این شرایط بغرنج وظایف بس بزرگی درمقابل کمونیستها و پیشاهنگان انقلابی قرار داده بود که درراس آنها تعیین ماهیت طبقاتی رژیم جدید و توضیح و تشریح آن برای توده‌ها و برآن اساس، مشخص کردن استراتژی و تاکتیک مورد لزوم شرایط جدید قرار داشت.

چریکهای فدائی خلق یعنی ادامه دهندگان راستین راه یارانشان در سیاهکل، با درک این وظیفه بزرگ درهمان آغاز با اتکاء به تئوری مبارزه مسلحانه یعنی تئوری راهنمای رزمندگان سیاهکل و تحلیل مشخص از شرایط جدید اعلام کردند:

"دولت ابزار طبقه حاکمه است چون درایران بورژوازی وابسته همچنان درتولید نقش مسلط را دارد و دولت فعلی هرچه میکند درجهت تثبیت این موقعیت است خودبخود دولت نیز ابزاری دردست بورژوازی وابسته است" (مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی ۸ خرداد ۵۸)

در نتیجه با پاسخ درست و علمی به "موضوع قدرت حاکمه" اولا توانستند تمامی دسیسه‌های نواستعماری که امپریالیسم درایران پیاده مینمود

←

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها

پیام چریکهای فدائی خلق ایران به ...

را درک و افشاء نموده و واقعیت مزدوری و سرسپردگی رژیم جدید که خود را "جمهوری اسلامی" مینامید را به توده‌ها نشان دهند و به این وسیله توده‌ها را نسبت به حیله‌ها و فریبکاریهای مزدوران جدید امپریالیسم در ایران که بنام انقلاب و زیر لفافه مذهب و هیاهوهای "ضد امپریالیستی" درجهت تحمیق و گمراهی آنها میکوشید، آگاه سازند. و در همان حال با اثبات عدم تغییر تضاد اصلی جامعه و ماهیت قدرت حاکمه، برنقش آن استراتژیک مبارزه مسلحانه یعنی جنگ توده‌ای طولانی تاکید نموده و باوجود سخنانی که میگوشیدند با دستاویز تغییر شرایط، تئوری انقلابی پرولتاریا را مردود اعلام کنند را به اثبات رسانند و در جهت بسط و انطباق تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک با شرایط جدید که همانا توده‌ای کردن آن میباشد، تلاش ورزند.

از آنجاکه هدف تئوری مبارزه مسلحانه سرنگونی سلطه امپریالیستی و بورژوازی وابسته به آن بوده و هست و این تئوری، مبارزه مسلحانه را تا حد یک جنگ توده‌ای برای نابودی قطعی سلطه امپریالیسم درنظر میگیرد، با توجه به شرایط جدید ما اعلام کردیم که "شرایط توده‌ای شدن مبارزه مسلحانه برعلیه امپریالیسم" [درباره تئوری مبارزه مسلحانه صفحه ۱۸] فراهم گردیده است و با تعیین و اعلام شعار "پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها" بعنوان وظیفه اصلی پیشاهنگ انقلابی در شرایط جدید بمنظور رشد و گسترش مبارزه مسلحانه، درجهت تشکیل ارتش خلق را نشان داده و تداوم راه سیاهکل را در شرایط جدید پیش پای خلقها یمان قرار دادیم و با نگریستن به قیام بهمن بمثابه روز آغاز نبرد مسلحانه خلقهایمان بر علیه امپریالیسم، تداوم این مبارزه را در مبارزه مسلحانه توده‌ای خلق کرد روشن نموده و بار دیگر بر اساس تجربیات خونین طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده، حقانیت و صحت همان راه را آشکار نمودیم. راهی که تجربیات ۸ سال مبارزه مسلحانه پیشتازان چریک فدائی و دیگر مبارزین در زمان شاه و ۸ سال مبارزه مسلحانه خلق کرد بر صحت

آن تاکید نموده است.

اما اپورتونیستهائی که تئوری و راه رزمندگان سیاهکل را تخطئه میکردند و اتفاقا در موقعیت تسهیل نسبی شرایط مبارزه پس از قیام بهمن، به خیلشان نیز افزوده گشته بود و هریک میکوشیدند در این امر "خیر" بردیگری پیشی گیرند و با نفی دیگران وجود نامبارک خود را اثبات نمایند و متاسفانه حتی در سازمان ما نیز رسوخ کرده و بخش بزرگی از آن را به منجلاب اپورتونیسم و سرانجام خیانت و درپوزگی کشاندند؛ بجای تحلیل طبقاتی رژیم جدید و روشن نمودن اهداف و شیوه‌های مبارزه، با رندانه از زیر بار این وظیفه خطیر شانه خالی کرده و یا با "ملی" و "مستقل" و "مردمی" و "ضد امپریالیست" نامیدن رژیم جدید، همگام با او در فریب توده‌ها شرکت نمودند. چنانکه در هر مسئله مهم اجتماعی این سازشکاران رنگارنگ به یاری این رژیم ضدخلق رفتند و همگام با این رژیم توده‌ها را نیز دعوت به این رقص نمودند. چه در جریان "انتخابات" مختلف جمهوری اسلامی که زیرپوشش "انتخابات آزاد و دمکراتیک" تبلیغ میشد، چه در شعبده‌بازی با مطلاح تسخیر سفارت امریکا، چه در جریان جنگ امپریالیستی ایران و عراق و چه در هر مسئله مهم دیگری. بهرحال این سالها، سالهای خوش رقصی اپورتونیستها و همگامی آنها با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در جهت فریب توده‌ها بود و ضد البته که بازهم در این میان چریکهای فدائی خلق ایران به آنارشیسم و پوپولیسم و کوته‌نظری و عقب ماندگی و صدها لقب و مارک نابسته خودشان نامیده ندند. چریکهائی که از نظر آنها آنقدر "عقب مانده" بودند که هنوز هم در رابطه با خمینی و رژیم "مستقل" او از اصطلاح سگ زنجیری استفاده میکردند. چریکهائی که آنقدر "دگماتیست" و لجوج بودند که بعد از همه این "تغییرات" بازهم از تداوم سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم در ایران سخن میگفتند و نمیتوانستند درک کنند که "امام بزرگوار" و "رهبر انقلاب ضد امپریالیستی" نه سگ زنجیری که نماینده "خرده‌بورژوازی سنتی"، "قشر فوقانی خرده‌بورژوازی سنتی" "بورژوازی ملی"، و "کاست روحانیت" و غیره و غیره میباشد و بهرحال وابسته به امپریالیسم نبوده و ملی و مستقل است. بخشی از آنها در این تحلیلها و سخنان خود تا آنجا پیش رفتند که برای تقویت "امام ضد امپریالیستشان" رهنمود لو دادن انقلابیون را هم دادند و عملا به ضد انقلاب پیوستند.

و مضحکتر از همه وضع آن اپورتونیستهایی بود که ادعا میکردند و میکنند که نظام اقتصادی موجود، سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم میباشد. ولی جمهوری اسلامی از استقلال سیاسی برخوردار بوده و وابسته به امپریالیسم نیست. اینها نمیتوانند درک کنند که وقتی سرمایه وابسته بخشی ارگانیک از سرمایه امپریالیستی است، دیگر امپریالیسم را نمیتوان بمثابه یک عامل خارجی که بهرحال نقشی دارد در نظر گرفت. بلکه امپریالیسم یعنی "سرمایه‌داری انحصاری" را باید بمثابه عاملی که نقش تعیین کننده در حیات جامعه دارد، در نظر گرفت. در چنین حالتی با توجه به واقعیات موجود، دیگر سخن گفتن از استقلال جمهوری اسلامی و وابسته نبودن او به حرفی پوچ که تنها باعث تطهیر چهره امپریالیسم در ایران میگردد تبدیل شده و گوینده را عملا در موضع واقعی جلوه دادن شعار ریاکارانه "نه شرقی و نه غربی" جمهوری اسلامی قرار میدهد.

اما تمیز رویدادها و حرکت تاریخ توده‌ئی محکمی به این خرافات خرده‌ای زد و بروشنی وابستگی این رژیم به امپریالیستها و صحت نظر چریکهای فدائی را اثبات نمود. و توده‌ها هر روز که از عمر این رژیم منحوس میگذشت، صدها دلیل جدید دال بر صحت این مدعا در زندگی روزمره خود مییافتند.

سیر تاریخ بروشنی نشان داد که خمینی و رژیم او جز سگ زنجیری امپریالیسم نبوده و نیستند و اتفاقا در آستانه هشتمین سالروز قیام و در شرایطی که همه واقعیات صحت تئوری چریکها را به اثبات رسانده است. بر اثر حدت یابی تضادهای درون هیئت حاکمه امریکا، آنچنان اسناد و مدارک جدیدی دال بر مزدوری و سرسپردگی این رژیم افشاء گردیده است که تنها "کودتهای سیاسی" را برای مقاومت در مقابل این سیل

←

پیام چریکهای فدائی خلق ایران به...

واقعیات میباشد. واقعیاتی که بروشنی وابستگی کامل رژیم جمهوری اسلامی را به امپریالیستها نشان داده و در همانحال درستی و صحت تئوری مبارزه مسلحانه را باردیگر برای توده‌ها اثبات مینماید.

با افشای سفر مک فارلین به ایران موجی از افشاگریها آغاز گردید، که هیئت حاکمه امریکا را تکان داد. براساس این افشاگریها آشکار گردیده است که جمهوری اسلامی سالهاست به انحاء گوناگون با اسرائیل و امریکا در ارتباط بوده و سیل سلاحهای امریکائی بسوی ایران جاری بوده و علیرغم هیاهوهای باصطلاح "ضد صهیونیستی" و "ضدامریکائی "جمهوری اسلامی، این رژیم دررابطه‌ای تنگاتنگ با امریکا قرار داشته، ولی بعلت شرایط جامعه و نفرت توده‌ها از امریکا، بمثابه دشمن اصلی شان، فریبکارانه نقاب ضدامریکائی برچهره زده است و جالب است که بدانیم مایکل لودین عضو سابق شورای امنیت ملی امریکا در مصاحبه با "تلویزیون سی.بی.اس" (CBS) امریکا دررابطه با این افشاگریها و شرایط کنونی ایران میگوید: "درشرایط کنونی ایران، مشهور شدن بعنوان یک فرد متمایل به امریکا چندان خوب نیست" و با این سخنان خود، بهتر ازهمه اپورتونیستهای وطنی ما، ماهیت واقعی شعارهای ضد امپریالیستی سران جمهوری اسلامی را آشکار میسازد. و اگر توجه کنیم که این سخنان حدود ۸ سال پس از استقرار این رژیم وتمام جنایات ورسوائیهایش بیان میگردد بهتر میتوانیم به ضرورت شعبده بازیهای سردمداران دزدوریاکار جمهوری اسلامی در بدو روی کارآمدنشان پی ببریم.

اگر ۸ سال پس از قیام و پس از همه فجایعی که جمهوری اسلامی ببار آورده و پوچ بودن همه شعارهایش اثبات گردیده، بازهم فضای جامعه مملو از نفرت بر علیه امپریالیسم امریکا، این دشمن اصلی خلقهای ماست که آنها را مجبور میسازد روابط وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیسم را کتمان نموده و از مزدورانشان بخواهند که شعارهای ضد امریکائی سردهند. پس در فضای ملتهب قیام، امپریالیستها به درستی شرایط را درک نموده بودند و در این زمینه از اپورتونیستهای وطنی ما نیز، "پیشروتر" بودند. چراکه با درک واقعیات جامعه ما رژیم مزدور خود را با نقاب "ضدامپریالیستی" به صحنه آورده و در مقابل توده‌ها به نمایش گذاشتند تا هم توده‌ها را بفریبند و هم اپورتونیستهای عقب‌مانده را به همگامی با تبلیغات ریاکارانه خود بکشانند.

بهرحال ۱۶ سال پس از رستاخیز سیاهکل و ۸ سال پس از قیام شکوهمند بهمن آنچه بروشنی اثبات گردیده، این امر است که تا سلطه امپریالیسم در میهن ما برقرار است، چه شاه و چه خمینی و چه هر مزدور دیگری جز سگهای زنجیری دردست امپریالیستها برای حفاظت از منافع آنها درایران نبوده و نیستند و انقلاب ما اگر بخواهد واقعا پیروز گردد باید این دشمن اصلی را که رزمندگان سیاهکل با آتش سلاحهای خود به آن اعلان جنگ دادند، و توده‌های میلیونی در قیام بهمن آنرا زیر ضربات خردکننده‌ٔ خود گرفتند، آماج اصلی ضربات مرگبارخود قرار دهند و انقلاب پیروز نخواهد شد مگر با نابودی امپریالیسم و سگهای زنجیریش وبرقراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر. هدفی که تحقق آن به گواهی تجربیات مبارزاتی رزمندگان سیاهکل و توده‌های میلیونی جز از طریق جنگ توده‌ای طولانی امکانپذیر نمیباشد.

جاودان باد خاطرهٔ رزمندگان سیاهکل و شهدای قیام بهمن!
مرگ برامپریالیسم وسگهای زنجیریش!
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقهٔ کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران
۶۵/۱۱/۱۹

★★★★★
★★★★
★★★
★★
★

گزارش کوتاهی از رویدادهای نبرد تاریخی سیاهکل

چریکهای فدائی خلق ایران با تجزیه وتحلیل شرایط ایران به این نتیجه رسیده بودند که وظیفه هر گروه انقلابی آغاز مبارزه مسلحانه چه درشهروچه درروستاست.

با این اعتقاد بودکه چریکهای فدائی خلق دست اندرکار تدارک مبارزه چریکی درشهروروستا شدند. یک هسته مسلح چریکی سازمان داده شد، واین هسته به فرماندهی رفیق شهید علی اکبر صفائی فراهانی، رهسپار جنگلهای شمال شد. درتاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۴۹ دسته ۶ نفری رزمندگان سیاهکل از دره "مکار" درنزدیکی چالوس حرکت خود را به سمت غرب آغاز کرد، قرارهای ارتباطی طوری سازمان داده شده بود که دسته پارتیزانی هنگام عبور از مناطقی که در کوهپایه‌های آن مناطق رفقای بومی مسکن داشتند با شهر تماس برقرار کند. "این هسته حدود ۵ ماه بطور مداوم سراسر جنگلهای شمال، ازشرق مازندران گرفته تا غرب گیلان را درنوردیده وضعیت اقتصادی - اجتماعی و وضعیت جغرافیائی منطقه را بطور علمی شناسائی کرد وخود را با شرایط سخت زندگی درکوه و جنگل، با راهپیمائی های طولانی و غیره، در تابستان و زمستان تطبیق داد". (*)

قراربود بلافاصله پس ازتکمیل شناسائی ابتدائی، که امکان تحرک حساب شده را به دسته کوهستان میداد، عملیات نظامی آغاز شود. این عملیات

هرچه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدایی خلق ایران

گزارش کوتاهی از ...

بصورت حمله به یک پاسگاه و خلع‌سلاح آن در نظر گرفته شده بود و رفقا میبایست پس از عملیات بدون درنگ منطقه را ترک کرده تا از عکس‌العمل احتمالی دشمن مصون باشند.

مسائل مهمی از قبیل آشنائی و خو گرفتن با مناطق و معابر جنگلی وکوهستانی، تهیه آذوقه، تهیه ملزومات انفرادی و جمعی و غیره بتدریج حل گردید. بتدریج دسته پارتیزانی با پیوستن رفقائی از شهر به ۱۰ نفر افزایش یافت که از این عده یک نفر درجنگل مفقود گردید. درنتیجه دسته پارتیزانی با ۹ نفر به حرکت خود ادامه داد. و دردوبرنامه (دوماهه) و (یک ماه‌ونیمه) ازدره چالوس تا منطقه خلخال در غرب گیلان، وازدره چالوس تا منطقه رامیان واقع در شرق مازندران را شناسائی کرده وبصورت پارتیزان هائی مقاوم و باتجربه آماده عمل گردیدند.

صفائی فراهانی فرمانده مبارزان سیاهکل

اعضای دسته کوه پس از یک درگیری مسلحانه با دشمن بوسیله نیروهای دشمن اسیر میگردد.

رفقائی که در ارتفاعات بودند با شنیدن صدای تیراندازی از واقعه مطلع میشوند و فورا تصمیم میگیرند که طبق طرح قبلی حمله را شروع کنند تا درهمان حال موجبات رهائی رفیق زندانی را نیز فراهم کرده باشند.

درشامگاه ۱۹ بهمن دسته پارتیزانی سیاهکل ازمواضع خود خارج شده و پس از تصاحب یک مینی بوس درجاده سیاهکل ـ لونک بسوی سیاهکل رفته، پاسگاه ژاندارمری سیاهکل را مورد حمله قهرمانانه خود قرار دادند.

دراین حمله تمام موجودی سلاحهای پاسگاه که عبارت از ۹ قبضه تفنگ برنو و مسلسل بود بنفع خلق مصادره گردید. دراین عمل معاون پاسگاه سیاهکل و فرد دیگری که رئیس‌خانه انصاف سیاهکل بود کشته شدند و رفقا بدون دادن تلفات به ارتفاعات جنوبی عقب‌نشینی کردند. درضمن رفیق زندانی درپاسگاه نبود و همراه رئیس پاسگاه به رشت منتقل گردیده بود.

از ۱۹ بهمن تا ۸ اسفند ۴۹ دسته پارتیزانی سیاهکل مورد حمله متمرکز نیروهای دشمن قرارگرفت. آنها دلیرانه نبردکردند وبیش از ۶۰ نفر افسر ودرجه دار و سرباز دشمن را از پای درآوردند.

رژیم مزدور شاه بلافاصله پس از حمله به پاسگاه سیاهکل هنگ ژاندارمری گیلان وتمام نیروهای پلیس و ارتش درمنطقه را بسیج نمود ویک گردان ارتش نیز ازپادگان منجیل به منطقه اعزام شد تا رزمندگان سیاهکل را محاصره وسرکوب نماید. دشمن آنچنان نیروی عظیمی را وارد صحنه کردکه تصورش برای کسی مقدور نبود. سپهبد ویسی فرمانده ژاندارمری کل کشور شخصا درسیاهکل ستاد عملیاتی تشکیل داده و عملیات را رهبری میکرد. غلامرضا برادرشاه برای بازرسی و سرکشی به سیاهکل فرستاده شد، بنابراین دشمن با تمرکز نیروی عظیمی کوشیدتا دسته پارتیزانی را درهمان آغاز حرکت نابود سازد.

رزمندگان سیاهکل پس از حمله به پاسگاه سیاهکل به ارتفاعات جنوبی عقب‌نشینی کردند. ازآنجاکه رفیق هوشنگ نیری درجریان درگیری ها دستش تیر خورده بود، فرمانده دسته

اسماعیل خجسته عراقی — عباس دانش‌بهزادی — محمدهادی فاضلی — احمد فرهودی — هادی بنده خدالنگرودی — محمدرحیم سماعی

در ۱۲ بهمن رفقای شهر مورد یورش سازمان یافته و سراسری سازمان امنیت قرار گرفتند وعده‌ای ازکادرهای سازمان دستگیر شدند در ۱۶ بهمن در جنگلهای سیاهکل (کوهستانهای دیلم) ارتباط رفقای شهر با دسته جنگل برقرار گردید و رفقای جنگل ازضربات وارده به سازمان مطلع گردیدند ولی هنوز نمیدانستند که رفیقی که در کوههایه‌های سیاهکل معلم بود و محل انبارک آذوقه درآن منطقه را میدانست نیز لو رفته است درنتیجه برای نجات او وزیر ضربات ساواک رفیق شهید هادی بنده‌خدا لنگرودی ازدسته پارتیزانی را به دهکده "شاغولات" فرستادند تا با معلم جوان دهکده ارتباط گرفته و اورا ازخطری که تهدیدش میکرد آگاه سازند. اما این رفیق دستگیر شده‌بود وخانه‌اش در محاصره مزدوران رژیم قرارداشت ودر نتیجه رفیق هادی بنده‌خدا لنگرودی از

رفیق صفائی به اتفاق چند رفیق به سوی روستای "چهل ستون" حرکت کردند تا امکاناتی برای معالجه رفیق به دست آورند و بقیه رفقا نیز ازآنجا که میخواستند ازانبارک آذوقه واقع در قله "کاکو" استفاده کنند بسوی این انبارک حرکت نمودند ولی متاسفانه محل انبارک قبلا توسط معلم دستگیر شده لورفته ومنطقه درمحاصره نیروهای رژیم بود.

متاسفانه رفیق صفائی و رفقای همراهش به دلیل عدم رعایت مسائل امنیتی در روستای "چهل ستون" به وسیله روستائیان ناآگاه که ازاهداف رزمندگان بیاهکل هنوزاطلاعی نداشتند دستگیر شدند و رفقائی هم که بسوی قله "کاکو" رفته بودند درمحاصره دشمن قرارگرفتند و پس از ۴۸ ساعت نبرد قهرمانانه با قوای متمرکز دشمن، و آنگاه که مهماتشان به پایان رسید دونفرشان (رفقا مهدی ←

گزارش کوتاهی از ...

اسحاقی و رحیم ساعی) با دست زدن به عمل فدائی با انفجار نارنجک خودشان را با چندتن از عوامل دشمن نابود ساختند ودورفیق دیگر که رمقی درتن نداشتند به اسارت دشمن درآمدند. یکی ازرفقا توانست از محاصره خارج شود که چند روز بعد در ۸ اسفند در حوالی روستائی بطور نیمه جان ویخ زده یافته شده، و بدین ترتیب از این دسته کوچک پارتیزانی ۹ نفره کوه ۷ نفر به اسارت دشمن درآمدند و ۲ تن نیز در جنگل به شهادت رسیدند.

درنتیجه رفقای سیاهکل با عدم توجه به تحرک لازمه در اپیتکونه شرایط و ماندن درمنطقه محاصره شده بوسیله دشمن و عدم رعایت مسائل امنیتی دررابطه با توده‌های ناآگاه، بوسیله مزدوران رژیم ضربه خورده و دسته چریکی با شکست مواجه گردید.

"اما شکست هسته چریکی یک تصادف بود، تصادفی که کاملا اجتناب پذیر. اما مبارزه انقلابی همیشه با نوعی ریسک (درهرلحظه خود) همراه است و پیش آمدن چنین تصادفهائی هم طبیعی اند وهم اجتناب پذیر. بهرحال ازهمین تجربیات است که انقلابیون باید درس بگیرند وهمین شکستها بدانکه پله‌های صعود به پیروزی خواهندشد.

ما دیدیم که جنبش سیاهکل با آن عمر کوتاهش وبا وجود شکستش، به انقلابیون، وبه خلق چه شوری بخشید و چه امیدی داد". (■■)

گرامی باد راه سرخ و پیروزمند رزمندگان سیاهکل!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

(■) و (■■) از مبارزه مسلحانه هم استراتژی وهم تاکتیک

خلیل انعامی — ناصر سیف دلیل فراهانی — هوشنگ نیری — محمدعلی محدث قدجی

اسکندر رحیمی — غفور حسن‌پور اصل

محمد مهدی اسحاقی — شعاع‌الدین مشیدی

"گوشه‌هائی از مصاف انقلاب وضدانقلاب در روزهای قیام"

۲۰ بهمن ماه ۵۷ ـ "گارد جاویدان" از ارتش امپریالیستی با تانکها و نفرات پیاده، همافران انقلابی پادگان فرح آباد را محاصره میکنند تا بخاطر همراهی وهمگامی با جنبش توده‌ها آنها را گوشمالی دهند. همافران دست به مقاومت میزنند، صدای شلیک گلوله‌های توده‌های انقلابی را به پادگان فرح آباد میکشاند، مردم درتدارک کمک وپاری به همافران اند و همافران مقاومت میورزند. غذا، لباس وکمکهای داروئی مردم به همافران میرسد و مقاومت ادامه مییابد. ساعت ۷/۵ صبح تانکهای جدیدی برای سرکوبی وارد میشوند، شعار "رهبران ما را مسلح کنید" جوانان وتوده‌های جمع شده دراطراف پادگان را فرا میگیرد، با لانه مردم دیوار تانکها رگبار

کیهان
تکشماره- ۱۵ ریال
شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۵۷- ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۹۹- شماره ۱۰۶۳۴

دهها مجروح زدوخورد درکیهان امروز

افراد نیروی هوائی با کمک گروههای مسلح مردم حلقه محاصره گارد را شکستند و آنها را عقب راندند

"گوشه‌هائی از..."

جاویدان را میشکافند و به‌هما فران میپیوندند. هما فران با تصرف و گشودن اسلحه خانه پادگان، جوانان وتوده‌ها را مسلح میکنند. گلوله‌ها ازهرسو ببرگاردجاویدان باریدن میگیرد و سیل قیام درحال گسترش و جاری شدن است.

۲۱ بهمن ماه ۵۷ - راهپیمائی سازمان چریکهای فدائی خلق از دانشگاه تهران بسمت پادگان فرح آباد جریان دارد. درجریان راهپیمائی اخبار درگیری هما فران وگارد جاویدان هرلحظه اعلام میشود. چریکهای فدائی مسلح بوار برموتور به صفوف راهپیمایان نزدیک شده ومورد استقبال توده‌ها قرارمیگیرند. راهپیمایان بسمت پادگان فرح آباد حرکت میکنند، دسته‌دسته وگروه‌گروه از راهپیمایان نیربه کمک هما فران میشتابند. سیل روان میشود، توده‌ها به قیام کشیده میشوند، پادگانهای دیگروکلانتری ها، مراکز سرکوب و ساواک وشرکتها وموسسات امپریالیستی مورد یورش توده‌ها واقع میشوند وسنگرها ساخته میشود. سلاحهای بدست آمده آموزش داده میشود، بازهم سلاح تازه مصادره میگردد. درهرگوشه‌ای از تهران انقلاب و ضدانقلاب مسلحانه درگیرمیشوند. حتی زنان ومردان سالمند کوکتل میسازند، کمکهای دارونی میرسانند، خلق بپا خاسته خشم ونفرت خودرا درصدای گلوله‌ها و دودبا روت متبلور میسازد، قیام همه جا را فرا میگیرد، به شهرستانها گسترش مییابد. تبریز، مشهد، رشت، مهاباد، سنندج، بقز، گرگان، ساری وغیره‌و غیره. درهمه جا توده‌ها به ارتش وپلیس و دیگر مراکز سرکوب امپریالیستی یورش برده وآنها را محاصره میکنند و دربسیاری ازجاها به خلع سلاح آنها موفق میشوند.

ارتش به دستور اربابان درا علامیه‌ای که بتصویب شورای عالی ارتش آمریکائی رسیده است اعلام میکندکه: "بیطرفی درامورسیاسی وپشتیبانی ازتمام خواستهای ملت" را پیشه کرده است.

خمینی مزدوروداروودسته‌اش با مینی بوسها وبلندگوهای درخدمت گذاشته شده اعلام میکنندکه: "امام دستورجهاد نداده است". اما، توده‌های انقلابی بکارقیام مشغولند. سیلاب آهن و آتش جاری است، رهبران مزدور گرچه محلی از اعراب ندارند ولی از تلاش باز نمی مانند.

۲۲ بهمن ماه ۵۷ - قیام تداوم مییابد. رادیوتلویزیون بدست توانای خلق بهمراه چریکهای فدائی خلق تصرف میگردد. رفیق قاسم سیادتی عضو کمیته مرکزی سازمان درراه‌پله‌های ساختمان رادیو به شهادت میرسد. در پناه خلق مسلح از رادیو تهران شنیده میشود: "این صدای

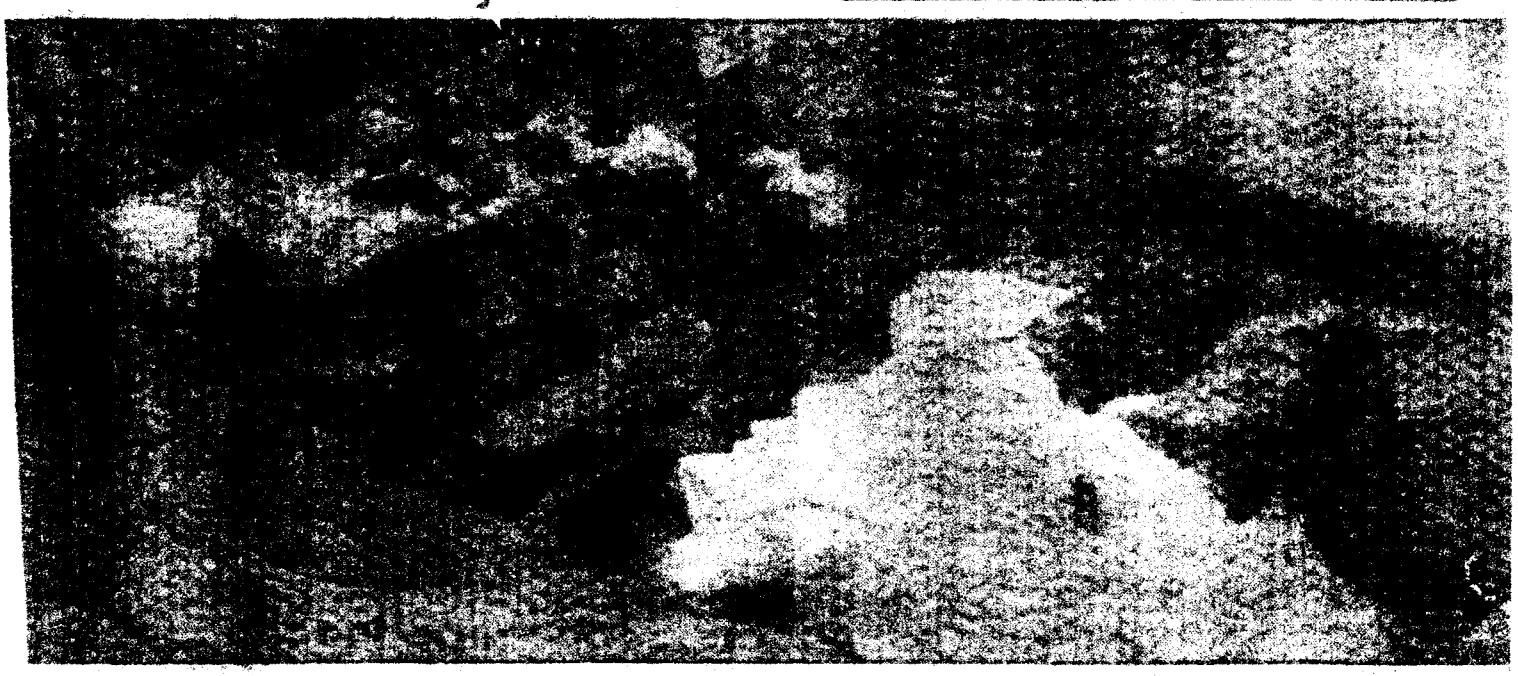

اجساد گروهی از کشته‌شدگان نبردهای خونین پادگان نیروی هوائی در سرده‌خانه بیمارستان جرجانی در عکس دیده میشود.

"گوشه‌هائی از..."

راستین انقلاب ایران است."
ولی ضدانقلاب تازه به قدرت رسیده قطب‌زاده مزدور را درهمین روز به سرپرستی رادیو تلویزیون میگمارد.

خلق با یورش به زرادخانه‌های امپریالیستی همچنان بیشتر مسلح میشود. خمینی و دولت موقت درهمین روز ندای شوم خلع سلاح توده‌ها را سرمیدهند و بارها اعلام میدارندکه: "مردم باید اسلحه‌را هرچه زودتر به ستاد موقت نخست وزیری در دبیرستان رفاه" تحویل دهند و یا از مردم تقاضا میکنند که سلاحها را به "قرارگاه کل آیت‌الله خمینی" تحویل دهند، ولی توده‌با ایجاد تشکل های مسلح، سلاحها را عمدتا در دست خود نگه میدارند.

۲۳ بهمن ماه ۵۷ – مرکز ساواک سلطنت‌آباد بدست توانای توده‌ها گشوده میشود. وبخشی از اسناد و مدارک جنایت‌آمیز آن بدست مردم و سازمانهای انقلابی میافتد. از جانب خمینی مزدور، بنی صدر درهمین روز بعنوان مسئول جمع آوری سلاحها از توده‌ها و خلع سلاح سازمانهای سیاسی تعیین میگردد.

زندان اوین، این شکنجه‌گاه ساواک درهمین روز به وسیله خلق مسلح تسخیر میگردد و بدینگونه توده‌های مسلح یکی از مراکز ساواک شاه را آماج ضربات خود قرار میدهند. بمنظور فریب مردم درهمین روز بختیار ظاهرا دستگیر میشود تا بعدا به کمک بازرگان بگریزد و بدینگونه طنز تاریخی "بختیار از مرز بازرگان گذشت" شکل گرفت.

۲۴ بهمن ماه ۵۷ – توده‌های مسلح در تب و تاب اند و کارها و اقدامات خود را کاملا احساس نمیکنند.

خمینی مهره جدید امپریالیسم، درفتوای دیگرمیگوید: "باید تمام اسلحه‌هائی که دردست مردم است جمع شود."

شورای محلات، شوراهای کارگری، تشکلهای دفاعی مسلح درمقیاس وسیعی شکل میگیرند.

۲۵ بهمن ماه ۵۷ – سفارت امریکا توسط توده‌ها بهمراهی چریکهای فدائی خلق مورد یورش و تسخیر قرار میگیرد. ویلیام سولیوان سفیر امریکا و ۷۰ تن دیگر بدست مردم اسیر میشوند، ولی بزدی، توسلی و ماشاالله قصاب از جانب مزدوران جدید امپریالیسم به دفاع از سفارت امریکا و افراد دستگیر شده میپردازند و با تلاشهای بسیار آنها را نجات میدهند.

۲۷ بهمن ماه ۵۷ – یک راهپیمائی علیه انتصابهای مهره‌های سرسپرده ارتش با شرکت بخشی از مردم، همافران و انقلابیون جریان مییابد. در این تظاهرات شعار داده میشود: "توبه فرماندهان یک حیله جدید است – کشتار خلق تبریز خود بهترین دلیل است". و یا "کشته ندادیم که سازش کنیم – امیر ارتش را نوازش کنیم". بدینترتیب بخشی از خلق آگاه نشان میدهد که، هم جهت اصلی ضربه انقلابی خود را میداند و هم برای خلق، انقلاب هنوز پایان نیافته است.

*

سربازان، درجه‌داران، پرسنل انقلابی ارتش!

اکنون بیش از ۶ سال از جنگ ارتجاعی و خانمان برانداز ایران و عراق میگذرد. اکنون بیش از ۶ سال از جنایات بیشماری که امپریالیستها در میدانهای مرگ و نیستی این جنگ، در حق خلقهای ستمدیده ایران و عراق براه انداخته‌اند سپری شده‌است و به دنبال والفجرها، بدرها، خیبرها اخیر نیز با شعله‌ورتر شدن آتش نابود کننده آن در کربلاهای ۴ و ۵ و ۶، دیگربار دهها هزار تن از جوانان و مردم بیگناه قربانی منافع و مطامع سرمایه‌داران و کمپانیهای بین المللی‌ای شده‌اند که جیب خود را با فروش سلاحهای مرگبارشان به دولتین ایران و عراق پر میکنند. پس از ۶ سال شما دیگر اکنون بخوبی دریافته‌اید که این جنگ ارتجاعی هیچگونه نفعی برای توده‌های زحمتکش و محروم ایران و عراق ندارد. شما دریافته‌اید که جنگ "حق علیه باطل" یا "اسلام علیه کفر" یک دروغ است. این جنگ، جنگی است امپریالیستی که تنها وتنها توسط امپریالیستها و بوسیله مزدورانش در جهت منافع و اهداف شان در منطقه، سازماندهی شده و در هر مرحله با قصابی و قتل عام هزاران تن از زحمتکشان، جوانان و دانش‌آموزان تداوم میابد و این در حالیست که سردمداران پست و جنایتکار جمهوری اسلامی شما را فریبکارانه به اسم اسلام و بهشت، تشویق به قربانی شدن در قربانگاههای این جنگ بی سرانجام میکنند تا از برکت مکیدن خونتان کیسه سیری ناپذیر خود و اربابانشان را انباشته‌تر سازد.

پس وظیفه شماست که برعلیه این جنگ جنایتکارانه و غیرعادلانه بپا خیزید! متحد و یکپارچه از رفتن به جبهه‌های مرگ خودداری کنید و با ترک جبهه‌ها، آدمکشان جمهوری اسلامی ضد خلقی را در رسیدن به اهداف پلید خویش ناکام سازید. در هر کجا که میتوانید به تخریب و انهدام و ضربه‌زدن به ماشین جنگ و کشتار جمهوری اسلامی بپردازید. از شرکت در این جنگ ضد خلقی و ویرانگر خودداری ورزید. لوله تفنگهایتان را بسوی امپریالیسم و سگ زنجیریش یعنی حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی نشانه روید و به صفوف جنگ عادلانه و رهائیبخش خلق بر علیه امپریالسم و مزدورانش بپیوندید.

بیشک اتحاد و یکپارچگی شما و عزم و اراده‌تان در پیشبرد این وظایف انقلابی نقش بس موثری در نابودی این جنگ امپریالیستی و مجریان و ترتیب دهندگان آن یعنی امپریالیستها و آدمکشان جلاد و وابسته جمهوری اسلامی و نیل به آزادی از سلطه غارتگران و رهائی مردم ایران از این بدبختی و فلاکت ایفاء خواهد کرد.

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش!
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران و عراق!

پیش بسوی سازماندهی هسته‌های سیاسی نظامی در شهرها

" خط مشی "

میدانیم ، میدانیم
که روز
دردل تیرگی
وبهار
در زمهریر
نطفه میبندد
میدانیم که تک
دربسترتلاش
به یقین میرسد
وآفتاب
ازافق تیرگی
سرمیزند
وآزادی
با اولین شلیک
آغاز میشود.
میدانیم، میدانیم
آغازی این چنین را
با سنگفرش کوچه‌ها مان
سنگر
وبا طناب دار دژخیمان
فلاخن میسازیم
ما رانه دریغی به درنگ میکشاند
ونه حسرتی به پاس
جاری شدیم و میدانیم
آزادی
نه جلوه‌ایست فریبا
روبائی نیست
این سرزمین موعود
خواستگاهیست
که‌با شلیک گلوله‌هایمان
آغازمیشود.
وپیش ازاین
آغازی این چنین را
پویانها ومسعودها وحمیدها
براین پهنه تاختند
که ستاره وجودشان نه
که آفتاب هستی شان
برجاده‌های عبور
شب را به‌احتفارکشانده‌است
دیدند و خواندند و رانده‌اند
برهودج قبیله تاتار
جاری شدند و بتناوب
ما را به صبح روشن فردا
پیوند داده‌اند.

*** *** ***

شلیک کن رفیق
با فلاخن ، با تفنگ
حتی با واژه‌ها
تنفرت را برسینه‌استعمارگر
شلیک کن
که‌گرازهای مزرعه
ازچپاول خویش آگاهند

*** *** ***

ما راهزار خاطره
ازعاشقان خطه آزادی
درجاده‌های سخت رسیدن
نوریست‌راهبر
ما را اراده‌ایست سترک
عزمی است‌که ازستاره‌جنگل گرفته‌ایم
ما ازغریو صامت‌خلق اسیرمان
ایمان بسراه مان
ما ازخروش تندر جنگل
نور عبورمان
ما درصدای سرخ گلوله
راه‌رهائی مان را
دیدیم

*** *** ***

دیگر نه ، برمدارسخن نیست
ما را مسلسلی ایست
گویاتر ازکلام
دیگرنه حتی ـ
نه‌دریائی ازکلام
نه‌کتابی از اخلاق
نه‌مصیبت‌نامه‌استشمارمان
ونه صبر
که رهائی ـ
دررگبارمسلسل مان جاریست.
میدانیم
براین عبور
خونین ترین حماسه
ازجنگل سیاهکل
تالحظه رهائی
تاصبح روشن فردا
جای پای استواری وایمان
بربرگ برگ صفحه تاریخ
راه عبورمان را
هموار میکند
شلیک کن رفیق
ما را مسلسلی است
گویاتر ازکلام.

ازصفحه ۲۵

کنترل و هدایت جنگ...

مقابل این دسیسه امپریالیستها و رژیم مزدور خمینی مقاومت ورزند و جنبش ضد جنگ را هر چه بیشتر قدرت و فزونی بخشیده و صدای اعتراض خود را هر چه رساتر سازند و فعالانه در جنگ انقلابی که مدتهاست در میهن ما بر علیه امپریالیسم ومزدورانش زنجیرش جریان دارد شرکت کنند. واز هر طریق ممکن و شیوه‌های کارساز بدان یاری رسانند. این وظیفه کارگران وزحمتکشان است که با گسترش مبارزات خود بر علیه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی بار این جنگ انقلابی و عادلانه را برعلیه جنگ ارتجاعی و امپریالیستی بدوش کشند. و بویژه کارگران ما باید آماده شوند تا رهبری این مبارزات را از اعتراضهای محدود و محلی بر علیه جنگ گرفته، تا رهبری جنگ انقلابی بر علیه سلطه امپریالیستی دردستهای توانای خود گیرند. و این وظیفه پرسنل انقلابی و آگاه ارتش است که لوله تفنگهای خود را به سمت این رژیم مزدور برگردانند و با پیوستن به صفوف نیروهای انقلابی و بویژه چریکهای فدائی خلق ایران به تقویت صفوف انقلاب ضد امپریالیستی خود بپردازند.

مرگ بر جنگ امپریالیستی
ایران و عراق!
زنده‌باد جنگ عادلانه
نابودباد جنگ غیرعادلانه!

رفقای هوادار!

برعلیه رژیم وابسته‌به‌امپریالیسم جمهوری اسلامی هر چه فعالانه‌تر بپا خیزید. صفوف خود را متشکل نموده و با ایجاد هسته‌های سیاسی ـ نظامی این رژیم ددمنش را آماج ضربات مرگبار خود قرار دهید.

از صفحه ۱

"اعتراف به وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم برای توجیه یورش جدید به توده‌ها"

رژیم مزدور جمهوری اسلامی هر کجا که میخواهد فشار را بر توده‌ها فزونی بخشد و بار بحران عمیق اقتصادی و جنگ ارتجاعی را هر چه بیشتر بر دوش توده‌ها سرشکن سازد، از احساسات ضد امپریالیستی توده‌ها سوء استفاده کرده و با اعتراف به وابستگی اقتصاد کشور و ایجاد چشم انداز با اصطلاح استقلال و خودکفائی، میکوشد توده‌ها را فریب داده و آنها را برای تحمل فقر و فلاکت و بیکاری نظام سرمایه‌داری وابسته آماده ساخته و ضمن انداختن بار همهٔ بدبختیهای مردم بردوش اقتصاد وابسته، نقش ضد خلقی خود را در حفظ و حراست این اقتصاد پنهان سازد و از آنجا که به نفرت توده‌ها نسبت به رژیم آگاه است؛ میکوشد ریاکارانه ایده‌ها و شعارهای درست را از محتوا خالی ساخته و توده‌ها را نسبت به آنها بی تفاوت سازد.

آخوندهائی که میگفتند ما برای خربزه و اقتصاد انقلاب نکرده‌ایم، هر کجا در تنگنا قرار میگیرند، بجای حواله دادن مصیبت و بدبختی توده ها بهمان "رژیم اسلامی" که از قرار آنها برایش مثلا "انقلاب" کرده‌اند، بیاد اقتصاد میافتند و فراموش میکنند که قبلا گفته بودند "اقتصاد مال خر است"!! و به این طریق با توسل به بخشی از واقعیت، به کتمان تمامی واقعیت مینشینند.

در این میان سخنان بهزاد نبوی در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران که به تحلیل با مصطلاح "شرایط نوین اقتصادی" ایران پرداخته است قابل تعمیق و بررسی است. وزیر صنایع سنگین رژیم از زاویه منافع جمهوری اسلامی که در بالا توضیح داده شد، ضمن بررسی اوضاع اقتصادی کشور، به وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیستها اذعان نموده و میکوشد با فریب افکار عمومی، نقش خود و همپالکیهایش را در حفظ و حراست از این وابستگی ـ یا بقول خودش این امانت به ارث رسیده از شاه ـ لاپوشانی نماید. این مزدور که گویا فراموش کرده است ۷ سال است جمهوری اسلامی با هیاهوهای با مصطلاح ضد امپریالیستی اش از "خودکفائی صنعتی" و "عدم وابستگی" دم میزند حال با سقوط قیمت نفت و تشدید ورشکستگی اقتصادی رژیم برای تأکید بر "تغییر الگوی مصرف" به وابستگی اقتصاد ایران اذعان مینماید و البته از زاویه محدود و مورد نیاز خودش، تا شرایط را برای ریاضت کشی هر چه بیشتر توده‌ها آماده سازد.

بهزاد نبوی با گفتن اینکه: "مردم ما ظرفیت تحمل و پذیرش واقعیتها را بیش از بعضی از مسئولین دارند و نباید ما مسئولین باشیم که جرئت بیان حقایق را نداریم و نیز اینکه مردم از شنیدن این حقایق هراسی به دل راه نمیدهند و ما مسئولین بیشتر از آنها نگران هستیم" (اطلاعات دهم دیماه ۱۳۶۵ سخنرانی بهزاد نبوی در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران) توده‌ها را آماده میسازد تا مشکلات موجود را نه ناشی از سرسپردگی جمهوری اسلامی به امپریالیسم که ناشی از عزم راسخ دولت به قطع وابستگی از امپریالیسم تلقی نمایند. بهزاد نبوی سپس با مصطلاح تحلیلش از "شرایط نوین اقتصادی" را با مسئله کاهش ارزش قیمت نفت آغاز کرده و بروشنی اعتراف نمود که چگونه مسئولین جمهوری اسلامی چوب حراج به ذخائر نفتی ایران زده و آنرا حتی تا بشکه‌ای ۵ تا ۶ دلار فروخته‌اند؛ و از آنجا که "شرایط نوین اقتصادی" از نظر این خائن خودفروخته همانا تاثیرات کاهش قیمت نفت در اقتصاد کشور میباشد سخنانش را اینچنین آغاز میکند:

"میدانید که این شرایط پس از سقوط ناگهانی بهای نفت از حدود ۲۸ دلار رسمی و ۲۶ و ۲۵ دلار غیررسمی (در هربشکه) به ۱۴ دلار تا ۱۵ دلار و سپس به حدود ۵ تا ۶ دلار شروع شد".

البته لازم به توضیح نیست که این با مصطلاح "شرایط نوین اقتصادی" مورد نظر بهزاد نبوی ناشی از بحران عمومی سرمایه‌داری است که بنوبه خود و با توجه به اینکه نفت در اقتصاد وابسته ایران نقش درجه اولی را بازی میکند، تاثیرات تعیین کننده‌ای را بر اقتصاد ایران وارد میکند و از آنجا که ایران بعنوان جزئی از ارگانیسم از نظام امپریالیستی است نه تنها نمیتواند از تاثیرات مخرب آن بی بهره بماند بلکه بار بیشتر آنرا باید بردوش کشد.

نبوی در ادامه صحبتهایش بر سه عامل در زمینه مشکلات ارزی که در بخش صنایع تاثیرات مخربی داشته انگشت میگذارد و آنها را چنین فرمولبندی میکند:

۱ ـ کاهش ارزش قیمت نفت که بالطبع باعث کاهش درآمدهای دولت گردید.

۲ ـ فروش نفت به دلار و از آنجائیکه بقول نبوی "ارزش دلار تابع یکسری بازیهای سیاسی است و در کارتلها و تراستهای دنیا روی آن تصمیم گرفته میشود بهای دلار عرض ۶ ماه حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد نسبت به سایر ارزها افت داشته است" که این امر نیز خود به کاهش هرچه بیشتر درآمدهای ارزی دولت منجر گردیده است.

۳ ـ فشار بیش از پیش صدام به مناطق و مراکز اقتصادی ما که به قصد جلوگیری از تولید و عدور نفت انجام شد.

براساس گفته‌های بهزاد نبوی سه عامل فوق درآمدهای ارزی کشور ـ که تکیه عمده آن بر فروش نفت میباشد ـ را شدیدا کاهش داده و باعث کاهش شدید تولید ناخالص ملی گشته است. بنابراین در شرایطی که درآمد اصلی کشور از ارز حاصل از فروش نفت تامین میگردید و از آنجائیکه ارز حاصل از فروش نفت با دلار تعیین میشود و بهای دلار نیز "تابع یکسری بازیهای سیاسی در سطح جهانی است" که بقول بهزاد نبوی در کارتلها و تراستها روی آن تصمیم گرفته میشود، در نتیجه با هر "بازی" این انحصارات امپریالیستی اقتصاد وابسته ایران شدیدا تکان خورده و بهمین دلیل نیز همانطور که خود نبوی منکر این امر نمیشود؛ بطورکلی نه تنها صنایع ایران بلکه کشاورزی و سایر امور اقتصادی نیز به تبعیت از این وابستگی دچار همان بی نظمیهایی میگردد که حتی باعث "قدقد" آقای نبوی گشته است.

در رابطه با دامداری و کشاورزی نیز او ضمن اعتراف به وابستگی این حوزه‌ها، مسئله را چنین فرمولبندی میکند: "دامداری هم در این کشور وابسته است چون تمام خوراک دام، علوفه و خوراک طیور از خارج میآید و حتی مرغ لاین و کاو را هم از خارج میآوریم" وی در اینمورد تا آنجا پیش میرود که اعتراف میکند در زمینه دامداری جنگ تا چه حد باعث تشدید

←

" اعتراف به وابستگی اقتصاد ایران به

وابستگی کشور به انحصارات امپریالیستی گشته است ، نبوی در این زمینه در سخنرانیش میگوید: " اخیرا بخاطر کمبود گازوئیل نیز صنعت مرغداری به خارج وابسته شده است واگر گازوئیل نباشد معلوم نیست وضع مرغداری چه میشود. یعنی خیالمان از این بابت هم راحت نیست اگر روزی نفتی نبود ، مرغها را که قُدقُد میکنند ، سرشان را میبریم و میخوریم (خنده حضار) " . اما مسئله وابستگی در سخنان بهزاد نبوی پهمین جا ختم نمیشود و بدنیست سایر سخنان او را در زمینه کشاورزی نیز بشنویم: " گندم هم کود شیمیائی اش ازخارج واردمیشود ، وابستگی تراکتور و موتورهای آب به قطعات و گازوئیل هم هست " نبوی در اینمورد حتی بسیاستهای سودمداران رژیم در زمینه دادن جوائزی از قبیل وانت نیسان به کشاورزان با مطلاع نمونه را با تاکید بر اینکه قصد انتقاد ندارد به باد استهزاء میگیرد و میگوید که خود همین سیاست نیز نه تنها باعث خودکفائی نمیگردد بلکه باعث تشدید وابستگی رژیم به امپریالیسم میگردد و بدین ترتیب آب باکی بروی دست همپالگیهایش ریخته و بی پا به بودن کوششهای ادعائی آنها برای خودکفائی کشاورزی را آشکار میسازد. او در این زمینه میگوید : " دو سه سال است که به کشاورزان هم جوائزی میدهند که همه اش وابستگی است به کشاورز وانت نیسان میدهند که از خارج میآید و من فکر میکنم که اگر روزی کشاورزان بخواهند ده میلیون تن گندم بفروشند باید چند کارخانه خودرو سازی هم بیاوریم. منظورم در زمینه اثبات وابستگی عنی در مورد گندم است". و البته منظور نبوی در متن زمینه سازی برای جلوگیری از دادن همین وانتهای نیسان نیز هست چرا که براساس " تغییر الگوی مصرف" ادعائی رژیم، کشاورز چه نیازی به وانت نیسان دارد؟! از واقعیت چگونگی دادن همین وانتهای نیسان آنهم به چه کسانی و چه شیوه ای که بگذریم، منظور آقای نبوی را وقتی بهتر درک میکنیم که در انتقاد به زمان شاه وقیحانه میگوید: " حتی کارگر ساختمانی ما سیگار وینستون دود میکرد چلوکباب میخورد" بنابراین برای مزدوری که انتقادش به الگوی مصرف زمان شاه ، چلوکباب خوردن کارگران ساختمانی است ، نباید انتظار داشت که از دادن وانتهای نیسان دل خوشی داشته باشد. پیام نبوی به توده های محروم ما ، نه خوردن چلوکباب و داشتن وانت نیسان ،که دست و پازدن در فقر و بدبختی و فلاکت و بیچارگی است .

و بالاخره بهزاد نبوی با مراحت تمام وابستگی را به تمامی زمینه ها گسترش داده و چنین توضیح میدهد: "در هیچ زمینه و محصولی نمیتوان گفت صد در صد عدم وابستگی در کشاورزی وجود دارد صنعت هم که هنوز مظهر وابستگی است . تجارت هم که ذاتا وابسته است ، تاجر جنس را باید از خارج بیاورد". و سپس اینچنین سخنان خود را جمعبندی میکند: "ما از گذشته اقتصاد وابسته ای داشته ایم و این امانت را حفظ کرده ایم" این جمعبندی با هر انگیزه ای که طرح شده باشد ، بیانگر واقعیت وجودی جمهوری اسلامی است که در سخنرانی نبوی مطرح میشود تا بوسیله ای برای فشار هر چه بیشتر به توده ها تبدیل گردد. براستی هم جمهوری اسلامی وارث نظام وابسته به امپریالیسم شاهنشاهی است و حقا تمامی کوشش او در این سالها نیز در راستای حفظ و صیانت از آن و ترمیم ضربات ناشی از مبارزات توده ها به این دستگاه بوده است . چراکه علیرغم هیاهوها و شعارهای بظاهر ضد امپریالیستی جهت فریب توده ها اتفاقا جمهوری اسلامی بارکیری جدید امپریالیسم برای حفظ همین اقتصاد وابسته و رشد و گسترش هرچه بیشتر این وابستگی به نظام جهانی امپریالیستی بود.

در خاتمه سخنرانی، نبوی مزدور برای تبلیغات هم که شده ، هیچگونه طرح و برنامه ای برای رهائی از این وضعیت ارائه نمیدهد بلکه با وقاحت تمام، همپالگیهایش را دلداری میدهد و میگوید: " حال مسایل موفقیت آمیز را تشریح کنم که فکر نکنید وضع خیلی خرابست " او ضمن برشمردن خدمات صنایع در تامین نیازهای با صطلاح دفاعی کشور میگوید: " به اولویت جنگ بهای خاصی داده شده و در سالجاری ۱۵ تا ۱۶ میلیارد تومان قرارداد تولید با بخش دفاعی منعقد شده است" بله واقعا هم اینرا باید جزء افتخارات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نوشت ! رژیمی که درجهت منافع امپریالیستها ایران را به عرصه جنگی چنین ویرانگر تبدیل کرده است باید هم در انعقاد قراردادی چنین گزاف در این زمینه برخورد بیابد.

نبوی خائن با پنهان داشتن چهره اصلی صحنه گردان این جنگ یعنی امریکا از چشم توده ها، قصددارد تداوم جنگ و سرمایه گذاریهای کلان در این زمینه را جدا از وابستگی جا بزند . مثل اینکه کالاهای مورد نیاز جبهه ها در همین صنایع وابسته ساخته نمیشود!! پیام نبوی بدینوسیله به همپالگیهایش جز این نیست که شما " برادران " نگران کاهش درآمد ارز حاصل ازفروش نفت نباشید !! نگران پاشیدگی کشاورزی و دامداری نباشید!! که بفکر سود حاصل از اینهمه سرمایه گذاریهای کلان در امر جنگ باشید. جنگی که به نفع امپریالیستهاست وسودآوریش نیز ازهر جهت درشرایط بحران کنونی سرمایه داری بیش از هر رشته دیگر است .

پس بیائید هرچه بیشتر برطبل جنگ بکوبیم و از این فرصت گرانبها بهره جسته و سودهای نجومی از سرمایه گذاری در این امر ببریم. و به اعتبار فقر و فلاکت توده ها جیبهای خود را پر سازیم و زیر پوشش " ارتش شاه" یورش جدیدی به حداقل مایحتاج توده ها را سازمان دهیم.

در خاتمه لازم است نکاتی را در مورد سخنرانی بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین رژیم که بقول خودش قدیمی ترین عضو کابینه میباشد را یادآوری کنیم :

در اینکه نظام اقتصادی-اجتماعی حاکم بر کشور سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میباشد و این نظام کشور را به جزئی ارگانیک از نظام امپریالیستی جهانی تبدیل نموده شکی نیست و اتفاقا همین واقعیت وظیفه انقلابیون را در جهت دادن به مبارزات توده ها برای نابودی سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته تعیین میکند. ولی تبلیغات ریاکارانه

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

" اعتراف به وابستگی اقتصاد ایران به

سردمداران رژیم همچون بهزاد نبوی در مورد وابستگی از چند زاویه باید مورد دقت انقلابیون قرار گیرد.

اولا: این مزدوران با تاکید بر وابسته بودن اقتصاد کشور به امپریالیسم میکوشند درکی سطحی از وابستگی را به توده‌ها القاء نموده و بر این اساس وابستگی سیاسی جمهوری اسلامی به امپریالیستها را کتمان نمایند؛ در حالیکه وقتی ما از وابستگی به امپریالیسم سخن میگوئیم، به مفهوم این است که ایران به جزئی از ارگانیک از نظام امپریالیستی تبدیل گردیده و هر رژیمی هم این اقتصاد وابسته را حفظ و صیانت کند جز رژیمی وابسته به امپریالیسم نمیباشد و رژیم خمینی هم بمثابه نشان داده است که جز در جهت حفظ و حراست این نظام و دستگاه دولتی‌اش کار دیگری نکرده و در عمل ثابت نموده که جز سگ زنجیری امپریالیسم نمیباشد.

ثانیا: رژیم با تاکید بر وابستگی اقتصاد میخواهد بار همه مصائب و مشکلات کشور را از دوش خود برداشته و نقش ارتجاعی خود را در حفظ همین اقتصاد وابسته پس از ۷ سال حاکمیت ننگین و نقش جنگ امپریالیستی را در تشدید اوضاع بحرانی کنونی لاپوشانی کرده و فقر و فلاکت توده‌ها را از دیدی محدود ناشی از سقوط قیمت نفت - که آنهم از اراده او خارج است - جلوه دهد. درحالیکه این رژیم برای تخفیف بحرانهای امپریالیستها مجری سیاستهای ارتجاعی آنها در زمینه جنگ و نفت و غیره است.

ثالثا: با تاکید بر وابستگی صنایع و اقتصاد کشور زیر پوشش شعارهای دروغینی همچون "استقلال" و "خودکفائی" و "تغییر خط تولید" و ... به اخراجهای وسیع کارگری و تشدید آخاذیهای گوناگون از توده‌ها مشروعیت بخشد.

رابعا: با تکیه بر "تغییر الگوی مصرف" در "شرایط نوین اقتصادی"، توده‌های ما را از همین حداقل مایحتاج زندگی نیز محروم ساخته و ضمن مخفی ساختن پوسیدگی و گندیدگی نظام موجود از انظار توده‌ها، آنها را برای ریاضت کشیها و محرومیتهای بیشتر آماده سازد و در حقیقت یورش جدیدی به حداقل مایحتاج آنها وارد آورده و همین زندگی بخور و نمیر را نیز بر آنها سیاه‌تر سازد.

خامسا: از آنجا که یکی از شیوه‌های جمهوری اسلامی استفاده از مفاهیم انقلابی برای تهی ساختن آنها از مضمون انقلابیشان میباشد؛ با تکیه بر واقعیت وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیستها و تمرکز تبلیغات بر روی آن، این رژیم به خیال خود میکوشد با استفاده از این مفاهیم و شعارهای انقلابی بقول خودش انقلابیون را خلع سلاح نموده و از آنجا که به نفرت وسیع توده‌ها نسبت به خودش آگاه است تلاش دارد تا با تاکید بر آنها توده‌ها را نسبت به این شعارها و مفاهیم، بی تفاوت و منزجر سازد تا در عین حال زمینه برای اشاعه ایده‌های انحرافی‌ای چون: "اگر خلاصی از اقتصاد وابسته به مفهوم گرسنگی، فقر و فلاکت میباشد؛ بهتر است همان وابستگی حفظ گردد"، در میان توده‌ها آماده گشته و شرایط برای مانورهای آینده اربابانش مهیا گردد.

این وضعیت بخصوص مسئولیت سنگینی را بردوش کمونیستها میگذارد تا ضمن افشای پیگیر این اهداف ارتجاعی و پالایش افکار توده‌ها از تاثیرات تبلیغات زهرآگین رژیم، خلقهای قهرمان ایران را که سالهاست یکی از سخت‌ترین شرایط زندگی و تحت سلطه یکی از سیاهترین استبدادها زندگی میکنند، به تنها پاسخ انقلابی به سیاستهای رژیم یعنی مبارزه برای سرنگونی این رژیم مزدور و قطع قطعی سلطه امپریالیسم هدایت کنند.

مصائب و بدبختیهای موجود بروشنی گندیدگی نظام حاکم را ثابت نموده و راه بیرون رفت از این بحران و فلاکت را در مقابل ما قرار میدهد و بیراه جز انقلاب برای نابودی این نظام و برقراری نظام اقتصادی - اجتماعی نوین نمیباشد. نظامی که در آن از فقر و فلاکت و استثمار و آوارگی و از جنگ ارتجاعی و سرکوب و اختناق خبری نباشد و این انقلاب، جز انقلاب دمکراتیک نوین برای گذار به سوسیالیسم هیچ نام دیگری ندارد. انقلابی که وحشت براندام پوسیده و فرتوت رژیم انداخته و آنرا مجبور ساخته است که به وحشیانه‌ترین شکلی و با دستاویز قرار دادن هر مسئله‌ای به مقابله با آن برخیزد.

واقعیتهای موجود، خلقهای ایران و طبقه کارگر قهرمان کشورمان را در مقابل یک دو راهی قرار داده است: یا زندگی در زیر سلطه سیاه نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم که هر روزه همه نتایج و "مزایا" بیش را با پوست و گوشت لمس میکنند و یا زندگی در نظامی نوین، نظامی که با قطع وابستگی به امپریالیسم و نابودی سرمایه‌داری وابسته، راه را برای نابودی هرگونه استثمار انسان از انسان هموار میسازد و برای رسیدن به آن هیچ راهی جز انقلاب خونین بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش وجود نداشته و ندارد، یا مرگ تدریجی توأم با رنج و مرارت و یا انقلاب برای رهائی. کمونیستها همه زحمتکشان و توده‌های ستمدیده را به گام گذاردن در راه انقلاب دعوت میکنند؛ راهی که رنجهایش بمراتب از زندگی در نظام موجود کمتر و ضعیفتر میباشد.

چریک فدائی خلق رفیق شهید

کیومرث سنجری

از صفحه ۴۲

سازشکاران و مضحکه تسخیر سفارت امریکا

این زمینه موضع گرفت که: "اما وقتی لانه جاسوسان امریکائی تسخیر شد از گوشه و کنار شنیدیم که برخی به‌ورود تمام عیار ما به‌صحنه و بویژه آمادگی نظامی درحمایت ازخطوط ضدامپریالیستی امام ایراد گرفته‌اند و مثلا بما میگفتند: ... آیا این جریان یک نقشه مثلا برای تحت‌الشعاع قراردادن امر خطیر قانون اساسی نیست؟ و ما بازهم پاسخ داده و میدهیم که: ... اگر اقدامی درست و اصولی است باید به‌آن ارج گذاشت، همچنین اگر فرد یاگروهی در یک نیت و یا عمل خیر برما پیشی جست از قضا ما باید بخاطر این پیشتازی و سبقت او را دوچندان تقدیر کنیم..." [نشریه مجاهد شماره ۱۰ دوشنبه ۲۱ آبانماه ۵۸ مقاله مسئولیت شورای انقلاب]

و در این زمینه برای "تقدیر" از "پیشتازی" "دانشجویان پیرو خط امام" و "خطوط ضد امپریالیستی امام" به دانش‌آموزان رهنمود دادند که: "گروهی از دانشجویان قهرمان موفق به تسخیر سفارت امریکا یعنی مرکز توطئه و فساد و طرح نقشه‌های شوم ... شدند... با توجه به لزوم حمایت هر چه بیشتر از برادران وخواهرانی که در داخل سفارت هستند... لازم است که هر چه بیشتر با راهپیمائی یا بطور انفرادی در مقابل سفارت جمع شده..." [نشریه مجاهد شماره ۱۱ مقاله "برترین وظایف دانش‌آموزان درجریان مبارزه ضد امپریالیستی - امریکائی"]

این نقل قولها بروشنی مواضع آنزمان این نوع جریانات را نشان داده و در عین‌حال نگر این امر است که این سازمانها چگونه بجای روشن نمودن اذهان کارگران و زحمتکشان در مورد ماهیت این اقدام، آنها را به سینه‌زنی در جلوی در سفارت فراخواندند و همانند رژیم وابسته هرگونه مبارزه سیاسی و اقتصادی کارگران بر علیه جمهوری اسلامی را به عدول از "خط ضد امپریالیستی امام" و همسوئی با امریکای جهانخوار و غیره و ذالک تعبیر نمودند. آری مبارزات ضد امپریالیستی "امام" و همدستان دیروزیش اینچنین بود.

اما چریکهای فدائی خلق ایران درهمان ابتدای جریان گروگانگیری طی اطلاعیه‌هائی به‌کارگران و همه توده‌های ستمدیده کشور هشدار دادند که فریب تبلیغات توسعه‌طلبی را نخورند و در این زمینه، در اعلامیه اول آذرماه ۵۸ گفتیم: "هیئت حاکمه با ترتیب حمله به‌سفارت امریکا، ژست ضد امریکائی و ضد امپریالیستی بخود گرفته و قصد دارد یکبار دیگر انرژی توده‌ها را در جهت منافع حقیر خویش بکار گیرد. اینان که از ابتدا سعی در سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی خلق قهرمان ما داشتند، حال یکباره گویا بیاد "مبارزه ضد امپریالیستی" افتاده‌اند و درحالیکه همچنان به حراست از سرمایه‌های انحصاری مشغولند، میخواهند تا توده‌های زحمتکش ما، حمله به جاسوسخانه امریکا را بعنوان مبارزه با امپریالیسم تلقی نمایند."

و به این طریق ماهیت واقعی این مضحکه را برای کارگران و توده‌های ستمدیده تشریح کردیم و اتفاقا در همان هنگام "مبارزان" امروز و یاران دیروز امام شدیدا ما را سرزنش میکردند و بخاطر تحلیلها و اقدامات انقلابیمان، ما را "چپ‌رو" و "آنارشیست" خطاب کرده و به کارگران وزحمتکشان هشدار میدادند - رجوع کنید به‌همان مقاله در کار شماره ۳۷ - ولی امروز که دیگر کوس رسوائی این رژیم و اقدامات باصطلاح ضد امپریالیستی‌اش در هر کوی وبرزن زده شده است، مدافعان دیروزی جمهوری اسلامی هم مدعی" ما از همان ابتدا هم گفتیم" شده‌اند از جانبان چکمه‌لیس اکثریتی که بگذریم چه مجاهدین و چه اقلیتیها و چه خیل رنگارنگ سازشکاران واپورتونیستهائی که تا دیروز در مقابل سفارت امریکا در برابر "دانشجویان پیرو خط امام" سجده میکردند، هر یک به شکلی و به درجه‌ای به این باور رسیده‌اند که اقدام جمهوری اسلامی در رابطه با اشغال سفارت امریکا چندان هم "قهرمانانه وضد امپریالیستی" نبوده!! و فقط قصد گول زدن توده‌ها را داشته است!! از اینرو همواره میتوان در نشریاتشان هر آنگاه که سخن از مسئله سفارت و گروگانگیری پیش میاید این جمله را بوفور یافت که "ما ازهمان ابتدا هم گفتیم"!! اینان ادعا میکنند که از ابتدا همه چیز را میدانستند همه‌چیز و همه‌کس را میشناختند ولی با اینحال به‌توده‌ها نگفتند که ما میدانیم بلکه خیلی ساده و ساده آنها را فریب داده و آنسوی قضیه را گرفتند. بعضیها هم امروز که مسئله روابط باصطلاح پنهانی امریکا با جمهوری اسلامی روشده است باد آن داستان مولوی درباره لوطی و مخنث افتاده‌اند [نشریه اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان خارج کشور (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) مقاله هورا قدس فتح شد! بنقل از ماهنامه شورای ملی مقاومت شماره ۲۴ مهرماه ۱۳۶۵]

چریکهای فدائی خلق دراطلاعیه‌ای که در ۱۷ آبانماه سال ۵۸ بنام "مرگ برامپریالیسم امریکا، مرگ برفریبکاران" دادند، نوشته بودند: "آینده با وضوح تمام نشان خواهد داد که آقای خمینی و یارانش این بازی را به‌چه منظوری براه انداخته‌اند؛ آینده نشان خواهد داد که هدف آقای خمینی از اینهمه هیاهو، نه پرورش روحیه انقلابی و ضد امپریالیستی توده‌ها و نه پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی، بلکه برای جلب حمایت هرچه بیشتر و تحکیم رابطه خود با امپریالیستهاست".

و آیا سیر وقایع بروشنی نشان ندادند که مضحکه تسخیر سفارت با چه اهداف شومی سازمان داده شد و چه سودی برای رژیم ددمنش و امپریالیستها و بویژه امپریالیسم امریکا بیار آورد. گرچه تا زمان حاضر تمام ریزه‌کاریهای مربوط به جریان گروگانگیری ۱۴ ماهه افشاء نشده است، ولی همانقدر هم که تاکنون افشاء گردیده، صحت و درستی نظرات و تحلیلهای ما را اثبات میکند ما بارها براین نظر تاکید کرده‌ایم که یک عامل مهم در افت وخیزها و جابجائیهای انجام شده در حاکمیت کنونی در تضادهای جناحهای مختلف امپریالیستی بخصوص در امریکا ریشه دارد. دراین زمینه دراطلاعیه ۵۹/۹/۴ نوشته بودیم، ما اعتقاد داشتیم "که

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیسم نیست

سازشکاران و مضحکه...

" تسخیر جاسوسخانه امریکا " توسط "دانشجویان پیرو خط امام"، نه تنها بکار زدوبندهای جناحهای درونی حکومت میاید ونه تنها ازطریق فریب توده‌ها موقع حکومت را مستحکم میسازد وبالنتیجه منافع امپریالیسم را بطورکلی تامین میکند، بلکه همچنین در تضادهای ما بین گروههای مالی امپریالیستی نیز بکار آنان میاید." و تقریبا سه سال بعداز "بحران گروگانگیری" برژینسکی مشاور امنیتی کارتر دربخشی ازکتاب "قدرت و اصول" که بصورت کتابی جداگانه به نام " اسرارسقوط شاه وگروگانگیری " به‌فارسی چاپ شده است اعتراف میکند که آن عامل اساسی و تعیین کننده در سیاست خارجی که منجر به شکست کارتر (دمکراتها) در انتخابات ریاست جمهوری بود همانا مسئله‌گروگانگیری و نقشی است که جمهوریخواهان دراین زمینه ایفاء نمودند وی میگوید:" با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری، کاندید جمهوریخواهان (منظورریگان است توضیح از ماست) و همکارانش برای از بین بردن امکان رسیدن به یک توافق سازنده، هر آنچه را که در توان داشتند انجام دادند" [صفحه ۱۸۹ – ۱۸۸]

وآقای ریگان دریکی از مصاحبه‌های اخیرش که در اواخر سال ۱۹۸۶ انجام گرفت اعتراف کرد که "حزب جمهوریخواه قبل از انتخابات امریکا از دولت ایران خواست که گروگانها را در سفارت امریکا برای مدت دیگری نگهدارد تا انتخابات امریکا برگزار شود. به ایران قول دادیم که اگر انتخابات را ببریم روابط حسنه‌ای با ایران برقرار خواهیم کرد"(*) [بنقل از روزنامه ایتالیائی اپل ماتینفستو ۸۶/۱۲/۲۳]

سردمداران مزدور و ضد خلقی جمهوری اسلامی نیز دربحبوحه گروگانگیری و نزدیک شدن انتخابات سال ۸۰ در امریکا برای نشان دادن ظاهرا مطلاح مستقل خود همواره بر این نکته تاکید میکردند که بین بد و بدتر و بین فاشیست و فاشیست‌تر، بد و فاشیست را انتخاب خواهند کرد بمثابه آن ضرب المثل فارسی که "کور، کور را میجوره، آب گودال رو" !

اکنون نیز ماده اندیشی خواهد بود هرگاه تصور شود که افشای روابط جمهوری اسلامی با اسرائیل و امریکا صرفا بر اساس تضادهای درونی هیئت حاکمه کنونی و بمثابه پاسخی ازجانب جناح منتظری – مهدی هاشمی به جناح رفسنجانی صورت گرفته است. بسیاری ازجریانات سیاسی که درزمان گروگانگیری درسفارت امریکا به‌نقش تضادهای گروههای مالی مختلف اهمیتی نداده و وابستگی رژیم موجود به امپریالیسم را درک نمیکردند. حال یکبار دیگر و اکنون در باب روابط با مطلاح پنهانی جمهوری اسلامی با امریکا و اسرائیل همان خطای بزرگ را دوباره تکرار میکنند

اینگونه تحلیلها هیچ نتیجه‌ای جز خاک پاشیدن بچشم توده‌ها و همیاری با تبلیغات امپریالیستی برای گمراهی و فریب توده‌ها نداشته و ندارد. اگر در سال ۵۸ اینگونه تحلیلها وایده‌ها تا حدی میتوانست باعث گمراهی توده‌ها گردد، اما حال در سال ۶۵ و در اوج دربوزگی و دد منشی جمهوری اسلامی و در شرایطی که حدت یابی تضادهای درونی طبقه حاکمه در امریکا باعث روشن شدن خیلی از مسائل گشته دیگر جائی برای اینگونه تحلیلها باقی نمیماند و اگر در سال ۵۸ اینگونه سخنان باعث فریب بخشی از توده‌ها میگشت در سال ۶۵ تنها باعث بی‌آبروئی و رسوائی هر چه بیشتر سازمانهائی میگردد که عقبتر از طبقه کارگر و توده‌های آگاه از درک وابستگی رژیم موجود به امپریالیسم عاجزند. و با مستقبل جلوه دادن جمهوری اسلامی باعث تطهیر چهره امپریالیستها و درهمانحال مضحکه دست طبقه کارگر میگردند. و بروشنی نشان میدهند که منافع طبقاتی سازشکاران و اپورتونیستها چگونه آنها را از درک واقعیتها عاجز ساخته و رسالتی جز اتلاف انرژی انقلابی توده‌ها برای آنها باقی نمیگذارد.

*

(*) – ما در اعلامیه اول آذر سال ۵۸ گفته بودیم: "... از اینرو سفارت امریکا میبایست " اشغال " شود. حال اگر این شرایط را با شرایط جامعه امریکا ارتباط دهیم، مسئله بهتر درک میشود، اگر توجه کنیم که انتخابات ریاست جمهوری امریکا نزدیک است و هواداران در آستانه [illegible] گروههای مالی امریکا تشدید میگردد.

از صفحه ۴۲

گرامی باد ۲۱ ی ری بنندان سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان

اعمال و تداوم حاکمیت انقلابی توده‌ها ناتوان ماند. این تجربه مبارزاتی علیرغم دستاوردهای مثبت و ارزشمند خود، از کمی‌ها و کاستیهای درونی اساسی نیز رنج میبرد که نهایتا موجب شکست آن گردید.

برای گرامیداشت سالروز تأسیس جمهوری خودمختار، درست‌ترین و عمیق‌ترین شیوهٔ مناسب، همانا برخورد با جنبه‌های مثبت و منفی این تجربه تاریخی میباشد. تا با تجربه‌اندوزی از شکست گذشته، زمینه‌سازی پیروزیهای آینده در شرایط فعلی، هرچه بیشتر فراهم گردد. اگر جنبش انقلابی سالهای ۲۵ – ۲۴ سنت مبارزه مسلحانه وپایداری و استقامت در تحقق خواست خلق را به توده‌های کردستان آموزش داد و به جریان مادی تبدیل نمود، اگر خون شهدای آن، سنت مبارزه را تداوم بخشید. اما کمبودهای اصولی‌ای نیز در خود داشت که از جمله میتوان از محدود کردن اهداف جنبش و عدم توجه به نقش امپریالیسم، محدود ماندن جنبش در یک منطقه، عدم اتکا به نیروی مسلح خلق و سازماندهی [illegible]

توده‌ها، نقش نیروهای متزلزل در آن و عدم حل قاطع مسئله ارضی، عدم وجود خط مشی صحیح مبارزاتی، و ضعیف اساسی رهبری و غیره را نام برد.

اکنون در شرایطی که بیش از ۷ سال از مبارزهٔ قهرمانانه‌تان بر علیه امپریالیسم و سگ زنجیریش، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، میگذرد. ۷ سالی که با مبارزه مسلحانه‌تان بر علیه سلطه امپریالیسم همچنان پرچمدار مبارزه ضد امپریالیستی – دمکراتیک خلقهای ایران باقی مانده‌اید و کردستان را بمثابه سنگر انقلاب ایران حفظ کرده‌اید، در شرایطی که با انواع سرکوبها و دسایس امپریالیستی جمهوری اسلامی مقابله نموده و یکی پس از دیگری آنها را با شکست مواجه ساخته‌اید، در شرایطی که محاصره اقتصادی – کوچ اجباری، ویران سازی شهرها و روستاها، قتل عامها و کشتارهای دسته‌جمعی، توپ و خمپاره‌بارانهای شدید و وسیع، تهاجمات مکرر جاشها و پاسداران و ارتش امپریالیستی و [illegible] از ۲ هزار پایگاه

گرامی باد آی ری بندان...

کوچک و بزرگ نظامی هیچکدام نتوانسته است شما را به زانو درآورد. در شرایطی که پیشمرگان قهرمان در پناه حمایتهای بیدریغ خلقش ضربات مرگباری بر پیکر رژیم مزدور خمینی وارد میسازند، و از مبارزات گوناگونتان، جنبش مسلحانه نیرو میگیرد و بالاخره در شرایطی که ادامه ۶ ساله جنگ امپریالیستی ایران و عراق معائب و مشکلات مبارزاتی را چند برابر نموده و با آنهمه بمبارانهای وحشیانه و آوارگی در اطراف شهرها و روستاها خللی در روحیه انقلابیتان وارد نیامده است، باز هم باید به این حقیقت تلخ بیاندیشید که جنبش انقلابی و عادلانه‌تان علیرغم دامنه وسیع آن که به وسعت آجاد خلق کرد است، و علیرغم توده‌ای بودن جنبش مسلحانه تان، به نارسائیهای عمیق سیاسی و نظامی دچار است، که اگر با آن برخورد جدی و آگاهانه صورت نگیرد، متاسفانه موجب ضایعات اساسی خواهد گشت.

چه تجربه آی ری بندان، چه تجربه قیام بهمن ـ که جنبش خلق کرد ادامه و دنباله واقعی آنست ـ و چه تجربه بزرگ ۷ ساله مبارزه انقلابی کنونی‌تان در راه آزادی و خودمختاری نشان میدهد، مادامیکه جنبش خلق کرد قادر به برقراری پیوندی آگاهانه و عمیق با جنبش سراسری خلقهای ایران نگردد، تا مادامیکه نوک تیز حملات انقلابی خود را بر علیه نظام امپریالیستی و طبعا سلطه همه جانبه‌اش نشانه نرود، تا مادامیکه وسیعترین طبقات یعنی کارگران و دهقانان سازماندهی مسلح توده‌ای نیابند، تا مادامیکه خط مشی صحیح سیاسی ـ نظامی جاری نگردد، تا مادامیکه ضعف اساسی رهبری جنبش، برطرف نگشته و در دستهای توانای کارگران قرار نگیرد، و بالاخره تا مادامیکه پراکندگی و روحیه سازشکاری بخشی از نیروی انقلابیتان را به هرز برد، با تمام جانفشانیها و وسعت مبارزاتی، جنبش ملی ـ انقلابیتان با موفقیت واقعی توأم نخواهد شد. و ما ایمان داریم خلقی که اینچنین، به جنگ انقلابی برخاسته است، دیر یا زود، راه اصولی را خواهد یافت و با حرکت آگاهانه، کیفیتی برتر به جنگ انقلابی‌اش بر علیه امپریالیسم و مزدورانش خواهد بخشید.

خلق رزمنده کرد!

در این سالروز تاریخی، بویژه روی دو نکته تاکید بسیار میورزیم، اولین نکته ضرورت طرد روحیه سازشکاری و اعمال فشار توده‌ای بر سازشکاران در درون جنبش انقلابی است. همانطور که تجربه کرده‌اید، باید بیاد داشته باشید که در شرایط استمرار سلطه امپریالیسم، چه رژیم پهلوی بوده باشد و چه رژیم خمینی، هیچ حقی حتی از ابتدائی‌ترین حقوق اجتماعی و سیاسی توده‌ها از تعرض آنها مصون نبوده و نیست تا چه رسد به پذیرش آزادی و خودمختاری. هرگونه توهم پراکنی در هر شکل و شمایلی که باشد و از جانب هر نیرویی که صورت پذیرد، چه خواستار با اصطلاح "تحمیل خودمختاری به رژیمهای بورژوائی" باشد و چه خواستار مذاکره آشکار، جز ائتلاف انرژی انقلابی خلق کرد و جز ضربه‌زدن به جنبش ملی نتیجه‌ای نخواهد داد. و کسب آزادی و خودمختاری واقعی که مفهومی جز اعمال حاکمیت انقلابی کارگران و زحمتکشان کردستان ندارد، تنها و تنها در شرایط قطع سلطه امپریالیسم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر امکانپذیر است.

دومین نکته، ضرورت برخورد با جنگی است که مدتی بیش از دو سال است بین حزب دمکرات و کومه‌له جریان دارد. جنگی که نتایج زیانبار و ضایعات فراوان آن بر جنبش را با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اید. جنگی که فقط و فقط به نفع رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی تمام شده و میشود. راه‌حل برخورد با آن نیز در دست شماست. با ابراز انزجار، با اعتراضات گسترده‌تر بهر شکل و سطحی که مقدور باشد، با جنگ حزب دمکرات و کومه‌له، هرچه بیشتر مخالفت ورزید. باید قبولاندن آتش‌بس بدون قید و شرط و قطع جنگ را به شعار مبارزه خود در این زمینه تبدیل سازید. باید بگوشید که کسب رهبری جنبش نه با جنگ، نه با ضربه‌زدن به جنبش، و کشتن پیشمرگان بدست همدیگر، که با پشتیبانی خلق و در میدان عملی مبارزه، با نشان دادن توانائی در حل مسائل جنبش بدست میآید. باید بگوشید که تضعیف جنگ انقلابی بر علیه سلطه امپریالیسم و رژیم مزدور خمینی از جانب هر نیرو و بهردرجه‌ای که باشد بهمان میزان نیز خیانت به خلق و انقلاب است.

خلق رزمنده کرد!

با گرامیداشت این سالروز تاریخی، بار دیگر شما را فرا میخوانیم که صفوف خود را متحدتر و یکپارچه‌تر سازید. حمایت بیدریغ و شایان تحسین تان را از پیشمرگان قهرمان بازهم افزایش دهید و توطئه‌های گوناگون رژیم، در جدائی انداختن بین خلق و پیشمرگان مبارزش را خنثی سازید. بهر شکل و در هر سطحی که میتوانید به جنگ انقلابی خود عمق و وسعت بیشتری ببخشید. اتحاد مبارزاتی با دیگر خلقهای میهنمان را گسترش دهید. برای سرنگونی رژیم مزدور خمینی فعالانه‌تر بکوشید، نابودی نظام امپریالیستی را هدف قرار دهید و برای تحقق واقعی همه این امور حول پرچم خونین چریکهای فدائی خلق متحد شوید. پیروزی از آن خلقهاست.

گرامی باد آی ری بندان سالروز تاسیس جمهوری خودمختار کردستان!

جاودان باد خاطره تمامی شهدای بخون خفته خلق!

زنده باد خلق رزمنده که برای آزادی میجنگد!

برقرار باد اتحاد تمامی نیروهای انقلابی و ضامی خلقهای سراسر ایران!

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران ـ کردستان

۶۵/۱۱/۲

چریک فدائی خلق
کارگر شهید یوسف زرکار

خودمختاری خواست برحق خلق کرد است

جمهوری اسلامی
مجری سیاستهای امپریالیستی
در لبنان

اگر کسی به تبلیغات جمهوری اسلامی توجه کند بدون شک متوجه نقش "مسئله لبنان" درسیاستهای خارجی این رژیم خواهد شد ،وبه اهمیتی که جمهوری اسلامی به "مسئله‌لبنان" میدهد بهتر پی خواهدبرد وآنگاه امکان میابد تا به‌واقعیت نقش این رژیم مزدور درلبنان بیندیشدوکنه این تبلیغات را دریابد.

برای نمونه دراکثر نمازجمعه‌ها، آیت‌الله‌های رنگارنگ دررابطه با "مسئله‌لبنان" و نقش "سازنده" جمهوری اسلامی درآن ، دادسخن میدهندوگاه پیشرفتهای ارتجاعی رژیمشان را درلبنان به اعتبار "حمایت‌خدا" از خویش‌قلمداد مینمایند. والبته "حمایت‌خدا" درفرهنگ جمهوری اسلامی چیزی جز حمایت‌امپریالیسم معنی نمیدهد که سردمداران جمهوری اسلامی میکوشند با لهجه غلیظ اسلامی خود آن را چنین تلفظ نمایند.

دراین زمینه موسوی اردبیلی رئیس‌دیوانعالی کشور رژیم درنماز جمعه دوازدهم دیماه گفت: "ازبرکات انقلاب اسلامی ایران درلبنان حرکتی ایجاد شد، حرکت بسیار درخشان ومهم، کاری که بعدازاین حرکت درلبنان شد درطول تاریخ درگیری اسرائیل شاید بابی نظیر بودیاکم نظیربود. همین حرکت باعث شد امریکا سیلی خورد ، فرانسه سیلی خورد، اسرائیل سیلی خورد که تاآخر عمرشان فراموش نمیکنند". ودرادامه‌سخنانش دررابطه با اوضاع فعلی لبنان ریاکارانه گفت:" تلاش‌جمهوری اسلامی چون خدا حامی" آن بوده است‌با موفقیت‌هائی روبروگردیده است.

این سخنان جدا از یاوه‌های مبان تهی باصطلاح ضداسرائیلی وضدامریکائی آن ، ازیک‌زاویه قابل تعمق است و آن نقش‌فعال رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی درسرکوب مبارزات توده‌ها درلبنان ، درچارچوب اجرای سیاست‌امپریالیسم درمنطقه میباشد . جمهوری اسلامی درتبلیغات خود همیشه میکوشد خودرا مخالف امریکا واسرائیل نشان دهد ، والبته ریاکارانه بودن این تبلیغات با توجه به شرایط شکل‌گیری این رژیم وواقعیت وابسته بودن آن به امپریالیسم و درنتیجه روابط گسترده جمهوری اسلامی با اسرائیل و امریکا ونقش‌فعال این دوکشور در تامین اسلحه‌برای این رژیم، در جنگی که جمهوری اسلامی درجهت منافع امپریالیستها یکی ازصحنه‌گردانهای آن است ، امری نیست‌که برکسی پوشیده بماند. اما جدا ازاین تبلیغات‌دروغین لازم است‌کمی بیشتر به واقعیت‌نقش‌جمهوری اسلامی درلبنان پرداخت‌تا عمق وابستگی این رژیم به‌امپریالیسم امریکا و سیاستهای نواستعماری را بهتر درک نمود . برای آنهائی که امپریالیسم را میشناسند وبه‌دسیسه‌های امپریالیستی واقف هستند ، این سیاست‌ناشناخته‌ای درجهان امپریالیستی نبوده ونیست که امریکا هرکجا منافعش ایجاب کند، اهدافش را ازطریق سکهای زنجیریش پیش میبرد تا هم‌ازمزاحمتهای داخلی درامان باشدوهم نقش جنایتکارانه خود را ازانظار جهانیان مخفی سازد . وجمهوری‌اسلامی درست درچارچوب همین سیاست‌است‌که درلبنان معرکه گرفته وبیکی از طرفهای ذینفع تبدیل گردیده است.

البته باتوجه به شرایط لبنان و اینکه امپریالیستهای مختلف و کشورهای مختلف درآن گروههای مسلح خاص‌خود را دارا میباشندجمهوری‌اسلامی هم ، "حزب‌الله" معروف عام‌وخاص خود را دراین کشور سازمان داده‌است. ومدالبته ازنفوذ درسازمانهای دیگر و یاایجاد دستجات مسلح دیگر نیز کوتاهی نکرده ونمیکند.

با رشد روزافزون حضورآوارگان فلسطینی درلبنان وبالطبع سازمانهای فلسطینی دراین کشور ، این موقعیت همیشه بمثابه خطری بزرگ برای اسرائیل تلقی میشد. حضوری که نمیتوانست برمبارزات ضدامپریالیستی توده‌های تحت‌ستم لبنان بی تاثیر باشد . ازطرفی بااوج گیری مبارزات توده‌ها درلبنان وناتوانی دولت مرکزی درسرکوب مبارزات خلقهای لبنان و فلسطین ودرنتیجه رشد بحران عمومی ، امپریالیستها وحشیانه به سرکوب‌این مبارزات پرداخته و هرجا که دستگاه دولتی مرکزی توانائی سرکوب‌را ازدست داده بود ، ارتشهای امپریالیستی اسرائیل و سوریه این وظیفه‌را برعهده گرفتند تاناتوانی دستگاه سرکوب محلی را جبران نموده ودرضمن موانع بیشتری درراه نفوذ انقلابیون فلسطینی بدرون خاک اسرائیل ایجاد کنند و یا باتضعیف‌آنها امکانات زیادتری برای جهت‌کنترل در آوردن سازمانهای فلسطینی بدست‌آورند.

گره خوردن تضادهای جناحهای مختلف امپریالیستی آنچنان شرایط بغرنجی رادر لبنان آفرید که منطقاً حاصلی جز فقر وویرانی برای توده‌ها وایجاد گروههای دست‌نشانده‌رنگارنگی که هریک درجهت منافع جناحی از قدرتهای بزرگ وارد صحنه کارزارگشته بودند ، دربرنداشت . وبراساس همین سیاست بودکه جمهوری اسلامی نیز در چارچوب طرحهای کلی امپریالیسم در منطقه فعالانه درلبنان حضوریافت‌تا زیر پوشش‌اسلام ، گروههای وابسته‌ای چون حزب‌الله را برای پیشبرد دسیسه‌های نواستعماری سازمان دهد . وباتکیه به تبلیغات‌مذهبی ودرنتیجه تحمیق توده‌ها درشرایط بحرانی منطقه، جای پای خود را محکم سازد.

درنتیجه اگر موسوی اردبیلی وقیحانه میگوید امریکا درلبنان

←

چریک فدائی خلق رفیق شهید
محمد علی خسروی اردبیلی
(داداشی) که درجبهه نبرد
ظفار درعمان به شهادت رسید

جمهوری اسلامی مجری ...

سیلی خورد اسرائیل درلبنان سیلی خورد، توده‌های آگاه باید این سیلی ها را ازنوع همان سیلی هائی به حساب آورند که امریکا و اسرائیل درایران خوردند که بجای سرخ کردن صورتهایشان ، جیبهایشان را برنمود. والبته درزمانیکه به اعتبار حدت یابی تضادهای درونی هیئت حاکمه امریکا هرروز مسائل جدیدی ازواقعیت روابط جمهوری اسلامی با اسرائیل و امریکا رو میشودوآشکار میگردد که چگونه میلیاردها دلار اسلحه ازطریق اسرائیل و امریکا به‌جمهوری اسلامی ارسال گردیده واساسا این سه‌کشور چه نقش هماهنگی درپیشبردجنگ امپریالیستی ایران وعراق ایفاء مینمایند ، بهتر میتوان به‌واقعیت سیلی خوردنهای ادعائی موسوی اردبیلی جنایتکار پی برد. وجالب است دراینجا به این نکته نیز اشاره کنیم که درادامه همین افشاگریها بودکه چند روز پیش اسحاق رابین مجبور گشت اعتراف نماید:"کشورمتبوع وی بنا به‌درخواست امریکا طی دوسال گذشته ازحمله به چریکهای شیعه مذهب گروه حزب‌الله خودداری کرده است" .آیا این سخنان بروشنی نقش هماهنگ امریکا واسرائیل وجمهوری اسلامی را درلبنان آشکار نمیسازد . وآیا بوضوح گوشه‌ای از روابط امریکا با سگهای زنجیریش را برملا نمیکند ؟ و دروغین بودن تبلیغات ریاکارانه جنایتکارانی چون موسوی اردبیلی را افشاء نمیکند ؟ موسوی اردبیلی درسخنانش میگوید فرانسه هم سیلی خورد ؛ برای روشن شدن این مسئله لازم است اشاره نمود که‌با توجه به نفوذ سنتی فرانسه درکشورهای تحت سلطه منطقه همچون الجزایر ،تونس و لبنان و غیره بدون شک رقابت سلطه جویانه سختی فیمابین امپریالیسم امریکا و فرانسه‌درمنطقه جریان دارد وامریکا به‌اشکال گوناگون برای کسب مناطق نفوذ فرانسه و خارج کردن آن کشور ازمنطقه میکوشد و همین واقعیت است که ریشه برخوردهای جمهوری اسلامی و گروههای دست‌نشانده اش را با فرانسه آشکار میکند . هرکجا امریکا لازم بداند درجهت منافع امپریالیستی‌اش به امپریالیسم فرانسه فشاری وارد سازد ، درهمانجا برای نمونه‌جمهوری اسلامی ناگهان ضدفرانسوی میشود و رسالت سیلی زدن به فرانسه را بردوش میکشد . اما خلقهای ما آنقدرماهیت این رژیم را شناخته‌اند که‌فریب تبلیغات دروغین او را نخورند و اهمیتی برای اراجیف آخوندهائی چون موسوی اردبیلی قائل نشوند و واقعیت را درست درخلاف تبلیغات ریاکارانه موسوی اردبیلی ها و هاشمی رفسنجانی ها و خامنه‌ای ها جستجو کنند . تجربه روی کار آوردن خمینی بوسیله امریکا وخیمه‌شب بازی "تسخیر لانه جاسوبی"وصدها تجربه‌دیگر توده‌های ما بروشنی نشان داده است که جمهوری اسلامی جزسگ زنجیری امپریالیسم نبوده ونمیباشد .وتجربه لبنان و نقش‌جمهوری اسلامی در آن درحالیکه یکبار دیگر صحت این واقعیت را به اثبات میرساند؛درهمان حال نشان میدهد که‌امپریالیستها هرکجا لازم ببینند این سگان زنجیری را به آنجا گسیل میدارندتا با درنده‌خوئی تمام منافع آنها را تامین نمایند . وجود چنین سگان زنجیری ای دردست امپریالیستها قدرت مانور بسیاری برای پیشبرد سیاستهای نواستعماری دراختیار آنها قرار میدهد ، امری که‌بدون تردید باید موردتوجه دقیق انقلابیون وتوده‌های تحت‌ستم قرار گیرد.

پیروزباد
مبارزات خلقهای تحت‌ستم
برعلیه‌امپریالیسم‌وسگهای زنجیریش!

چریک فدائی خلق
رفیق شهید
خسرو پناهی

خلقهای قهرمان ، کارگران و زحمتکشان !

بار دیگر جنگ ضد خلقی ایران و عراق ناقوس مرگ را بر فراز خانه و کاشانه شما بصدا درآورده و هر روز و ساعت هواپیماها و موشکها و بمبها و سایر سلاحهای مرگبار، خانه و سرپناه شما را بر سرتان خراب‌کرده و فرزندان‌و عزیزانتان را جلوی چشمانتان قطعه قطعه ساخته و شما را آواره و بی خانمان میکنند. آتش این جنگ خانمانسوز هر روز شعله‌ورتر گشته و هم‌اکنون نیزبا همان هواپیماها و موشکهائی که با غارت دسترنج ومکیدن شیره‌جان کارگران و زحمتکشان از امپریالیستها و رویزیونیستها خریداری و به میدانهای جنگ سرازیر شده ، شهرها و مناطق مسکونی را ویران میکنند ، توده‌های بیدفاع، زنان و مردان و کودکان بیگناه را میکشند و همه چیز را به آتش میکشند. برای پایان دادن به این وضع دهشتناک ، برای پایان دادن به قتل عام هزاران انسان بیگناه تنها یکراه باقی است .باید این جنگ کثیف و غیرعادلانه را با جنگی عادلانه برانداخت ، باید شما توده‌های زحمتکش و تحت‌ستم با تمام توان خود بر علیه این جنگ ویرانگر و مسببان و ترتیب دهندگانش بپا خیزید، باید جنبش ضد جنگ را گسترش دهید و تمام نفرت و خشم خود را متوجه رژیم هار و مزدور خمینی سازید . تا با سرنگونی این رژیم وابسته به امپریالیسم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق از این اوضاع فلاکتبار نجات یابید .

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش!
مرگ بررژیم‌وابسته‌به‌امپریالیسم‌جمهوری اسلامی!
مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران وعراق!

رفقای هوادار:

اخبار و گزارشات محل کار و زندگی خود را جمع‌آوری نموده و به آدرسهای سازمان در خارج از کشور ارسال کنید.

از صفحه ۱

گزارشی از پادگان عجب شیر

برخوردار بود و بخاطر وجود همین پادگان، بعنوان یک شهر نظامی کوچک بشمار میرفت. در آنزمان، از این مرکز سرکوبگر بعنوان آموزشگاه نظامی استفاده میشد و سربازان در شرایط بسیار سخت و مشکلی، دوران آموزشی خود را از سرمیگذراندند. و به‌همین خاطر پادگان عجب‌شیر از نظر سختی شرایط و فشاریکه از سوی مزدوران رژیم بر سربازان تحمیل میگشت، زبانزد سربازانی بود که دوران آموزش نظامی خود را در عجب‌شیر گذرانده بودند. مزدوران رژیم شاه، دانشجویان و با کسانی را که علیه بیدادگریها و مظالم بیحدوحصر شاه خائن بمبارزه برمیخاستند به این پادگان تبعید میکردند تا با اعمال فشار و سختی شرایط، روحیه مقاوم و مبارزه‌جویانه آنانرا درهم شکنند.

رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی پس از قیام بهمن ماه و برای سرکوب مبارزات توده‌ها، پادگانها را در مناطق مختلف، بیش از پیش تقویت نموده و حتی درمقایسه با زمان شاه، آنها را گسترش داد. پادگان عجب‌شیر نیز نه‌تنها از این قاعده مستثنی نبود بلکه با شروع جنگ امپریالیستی ضرورتا بر اهمیت آن بیش از پیش افزوده گردید. هم‌اکنون پادگان عجب‌شیر یکی از مهمترین مراکز آموزشی سربازان بمنظور آماده‌سازی و اعزام آنان به جبهه‌های جنگ ایران و عراق میباشد. بطوریکه در آن ۸۰۰۰ نفر در ۶ گردان مشغول دیدن آموزشهای اولیه نظامی جهت اعزام به جبهه‌های مرگ هستند. (با توجه به اینکه تاریخ نگارش این گزارش در اوائل آبانماه یعنی ۶۵/۹/۱۰ میباشد) در آن مقطع از این تعداد تقریبا ۵۰۰۰ نفر از گردستان دستگیر و جمع‌آوری شده بودند. دوره آموزشی سربازان تا اوائل سال ۶۴ سه ماه (۱۳ هفته) بود، که به‌مرور و بدلیل شدت یافتن جنگ ضد خلقی ایران و عراق و تلاشهای رژیم مبنی بر اعزام هر چه سریعتر سربازان به جبهه‌ها این مدت به ۹ هفته تقلیل یافت. اخیرا نیز با سخنرانی رفسنجانی مزدور مبنی بر اینکه ارتش وسپاه و بسیج هیچ فرقی با هم ندارند و با تاکید روی این مسئله که همه جزء سپاه محمدند و باید هرچه سریعتر سربازان را آموزش داده و به‌جبهه‌ها فرستاد، دوره آموزش کاهش یافته و به ۴۰ روز رسیده است. تا بدین ترتیب با گسیل امواج انسانی به‌قربانگاهها، تنور جنگ را هرچه بیشتر گرم نگه دارند.

لازم به تذکر است که اخیرا رژیم با یورشهای سبعانه‌ای، بسیاری از جوانان را از مناطق کردنشین دستگیر نموده و برای گذراندن دوره آموزشی به پادگان عجب‌شیر فرستاده است. از اینرو اینروزها در پادگان وسیعا شایع گشته که رژیم تصمیم گرفته‌است همه کردها را به هوا برد منتقل نماید و علت این امر، آشنائی کردها به اسلحه و ورزیده بودنشان در امور نظامی مطرح شده است. درهمین رابطه یکی از عناصر سیاسی - ایدئولوژیک که تکاور بوده، در پادگان عجب شیر به سربازان کرد گفته است که "کردها برای جبهه جنوب مناسب هستند". اکثر این جوانان با زور سرنیزه و توسط مزدوران پاسدار و شهربانی که در ازای دستگیری هر مشمول پاداشهایی از رژیم دریافت داشته‌اند، دستگیر شده و به پادگان عجب‌شیر اعزام گشته‌اند.

در پی همین سیاست ضد خلقی جمهوری اسلامی مبنی بر اعمال شدیدترین فشارها بر توده‌های ستمدیده برای گسیل فرزندان خود به مراکز نظامی، مزدوران رنگارنگ این رژیم ددمنش پس از آنکه جوانان را شکار نموده و به پادگانها اعزام داشته‌اند؛ در آنجا نیز با اعمال تضییقات گوناگون چنان شرایط طاقت‌فرسایی را برای سربازان بوجود میآورند که حتی از حداقل امکانات اولیه زندگی نیز محرومند. بطوریکه پادگان عجب شیر از نظر مواد غذایی و سوخت و امکانات رفاهی شدیدا در مضیقه است. ازآنجا که تدارکات آن بطورکلی از شهر تبریز تامین میشود و اینروزها در شهر تبریز با وجود سرمای سخت، نفت و بطورکلی مواد سوختی کمیاب گشته، در پادگان عجب‌شیر نیز نه فقط برای روشن کردن بخاریها، نفت یافت نمیشود بلکه حتی برای گرم کردن حمام و سماور هم نفت نیست و سربازان از فرط سرما و عدم استحمام در شرایط بدی بسر میبرند بخصوص که شهر عجب‌شیر در یک منطقه سرد سیر واقع گشته و برودت هوا در زمستانها بسیار زیاد است. مزدوران ضد خلقی رژیم در عین حال که به هیچ صورت در پی رفع اینگونه تضییقات نیستند، از رفتن سربازان به داخل شهر عجب‌شیر برای حمام نیز، جلوگیری مینمایند که مبادا سربازان تحت چنین شرایطی که خود همین مزدوران برای سربازان فراهم ساخته‌اند، فرار کنند.

وضعیت غذایی پادگان از نظر کیفی و کمی در سطح بسیار پائینی است. مثلا برنجی را که بعنوان غذای اصلی سربازان به‌خورد آنان میدهند و یا حتی روغنی که در پادگان مصرف میشود کهنه و غیرقابل مصرف بوده و حتی بعضی از سربازان بچشم خود دیده‌اند که این مواد غذایی مارک و تاریخ زمان شاه را داشته و با وجود اینکه سالهاست در انبارها مانده‌اند، در شرایط بحرانی کنونی در پادگان از آن استفاده میکنند. کیفیت این برنج و روغن آنقدر پائین است که وقتی با هم پخته میشود برنج چنان رنگ سیاهی بخود میگیرد که سربازان از خوردن آن سرباز میزنند و نان خالی میخورند.

اخیرا در مدت کمتر از ۲ ماه، ۱۰ بار مزدوران ضد خلقی در پادگان عجب‌شیر، تحت نام کمک به جبهه‌ها و آوارگان سیلزده، سربازان را تحت فشار گذارده‌اند تا بخشی از حقوق اندک آنها را به جیب بزنند. این بیشرمان از همین اندک حقوق سربازان نیز نگذشته‌اند، آنان با یک دست به سربازان پول ناچیزی میپردازند و با دست دیگر تحت عناوین گوناگون همین اندک پول را از چنگشان میربایند. ولی سربازان به اشکال مختلف از دادن پول به این جیره‌خواران دزد و فاسد خودداری ورزیده و ضمن مقاومت در قبال اینگونه اخاذیهای رژیم، به‌افشاگری وسیعی در سطح پادگان دست زده‌اند. در همین رابطه وقتی اپادی رژیم با مقاومت شدید سربازان روبرو گشتند به شیوه دیگر متوسل شده و اعلام

←

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق

کرده‌اند که سربازان باید خودشان علائم و نوارهای نظامی مخصوص لباس سربازیشان را تهیه نمایند.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در ارتش بخشی را با عنوان دوائر سیاسی – عقیدتی بوجود آورده که با تبلیغات ارتجاعی تحت عنوان "آموزشهای سیاسی – ایدئولوژیک" و درواقع با نشر سموم فکری، سربازان و پرسنل ارتش را هر چه بیشتر در جهت پیشبرد اهداف سرکوبگرانه‌اش توجیه نماید. کار عمده این دوائر برگزاری دعای کمیل و نمازهای اجباری و اجرای مراسم صبحگاه جهت دعا به حال خمینی مزدور و برقرار نمودن کلاسهای باصطلاح سیاسی – عقیدتی، برای پرسنل ارتش، بخصوص سربازان میباشد. این موسسات ضمن انجام وظایف فوق، وظایف اساسی دیگری همچون تفتیش عقاید و کنترل و بازرسی و دخالت در خصوصی ترین امور سربازان و پرسنل ارتش را نیز بعهده دارند. اخیرا دائره سیاسی – عقیدتی پادگان عجب شیر، طی بخشنامه‌ای اعلام نموده که کلیه سربازان و پرسنل باید ریش بگذارند و همین مسئله شدیدا موجب نارضایتی پرسنل ارتش در کلیه سطوح آن گردیده است. در پادگان عجب شیر که نمونه‌ای از مراکز اصلی آموزشی رژیم میباشد؛ سربازان به شیوه‌های مختلف با رژیم جمهوری اسلامی به مخالفت برمیخیزند. مثلا درحالیکه دائره بهائی – عقیدتی هنگام مراسم صبحگاه و با سخنرانی سردمداران مزدور، سربازان را مجبور به‌دادن شعار و یا تکبیر گفتن مینمایند. بیشتر اوقات، سربازان بعنوان اعتراض و ابراز نارضایتی از تکرار این شعارها خودداری کرده و یا فقط لبانشان را میجنبانند و گاهی در میان جمع ۳۰۰–۴۰۰ نفری که نماز اجباری میخوانند، هنگام تکبیر گفتن، صدای ۲۰ نفر هم به‌گوش نمیرسد. و یا در مراسم صبحگاه بعد از اینکه به حال خمینی خائن باصطلاح دعا میکردند از ۸۰۰۰ نفر صدای ۱۰۰ نفر بلند شد که آمین میگفتند. در نتیجه مسئولین دائره سیاسی – عقیدتی برای واداشتن سربازان به‌اجرای اینگونه مراسم کذایی به‌زور و کتک متوسل گردیده و سربازان و پرسنل ارتش را با چک و تیپا، به نمازجماعت اجباری میکشانند تا با صدای بلند تکبیر بگویند و با اینکه برای کاشتن تخم نفاق بین سربازان اعلام کرده‌اند که هر کسی در مراسم با صدای بلند تکبیر و آمین و... بگوید مرخصی تشویقی به

گزارشی از...

او داده خواهد شد. ویا اخیرا مزدوران دائره سیاسی – عقیدتی پادگان، برای تامین خون با حیله و تزویر و به بهانه اینکه هرکسی خون بدهد، ورقه مرخصی ۴۸ ساعته دریافت خواهد کرد، سعی نمودند برای زخمیهای جنگ از سربازان خون بگیرند اما سربازان پادگان عجب شیر به‌این خواست ضدخلقی تن ندادند. بالاخره مزدوران با زور سرنیزه از تمامی سربازان آموزشی پادگان خون گرفتند.

سربازانی که به پادگان عجب شیر اعزام گشته‌اند همواره‌درپی موقعیتی مناسب برای فرار از چنگ مزدوران ضد خلقی میباشند. آنان به بهانه‌های مختلف و به انتظار فرصتهای مناسب سعی میکنند که پا را ازپادگان بیرون نهاده و از چنگ دژخیمان رهائی یابند؛ مرخصی گرفتن با شیوه‌های گوناگون، از جمله چنین موقعیتهایی است. در عین حال که سربازان به هر قیمتی و با بجان خریدن هرگونه‌خطری، مثلا پریدن از روی سیم‌خاردار خود را به خارج از محوطه پادگان میرسانند. برای نمونه از یکدسته ۱۳۴ نفری حدود ۶۵ نفردرمدت‌زمان خیلی‌کوتاهی فرار کردند. رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با موج فرار درمسیرهای ارتباطی عجب‌شیر پستهای بازرسی را جهت دستگیری سربازان فراری افزایش داده است و در نتیجه دژخیمانی‌وعناصر مزدور رژیم روزانه تعداد زیادی سرباز فراری را از کوشه‌وکنار شهر و یا در مسیرهای تردد به شهر دستگیر و به زندان پادگان که گنجایش ۶۰۰ نفر را دارد روانه میسازند و از آنجا که زندان پادگان مملو از دستگیر شدگان گشته، رژیم بالاجبار عده زیادی را مجددا به آسایشگاه منتقل نموده است. به همین منظور در پادگان‌نیز برای اینکه مانع فرار سربازان گردد بر کنترل و بازرسی افراد پرسنل‌پادگان هنگام ورود و خروج شدیدا افزوده است.

درمیان سربازان پادگان عجب شیر یک فضای انقلابی‌ای حاکم است. و با توجه به اینکه در این روزهای اخیر بیشترین دستگیریها از جوانان کرد بوده، سربازانی که قصدفرار و پیوستن به نیروهای مبارز در کردستان را دارند، سئوالات بیشماری را از همین جوانان کرد در مورد سازمانهای انقلابی که در کردستان حضور دارند، میکنند تا با پیوستن به‌آنان انرژی انقلابی خود را در اختیار نیروهای مبارز قرار دهند. به سبب رشد روزافزون نارضایتی درمیان سربازان، آنان در همان محدوده خود به فعالیت انقلابی هر چند محدودی میپردازند ازجمله‌دست به افشاگریهایی بر علیه سیاستهای رژیم میزنندوحتی در بعضی مواقع درجه‌داران ناراضی سربازان را به فرار و مقاومت در مقابل جوروستم فرماندهان تشویق و ترغیب مینمایند. سربازان شعارهایی بر علیه جنایات بیشمار رژیم با ماژیک و خودکار و گچ بر در و دیوار حمامها، دستشوئیها، توالتها و حتی در محوطه پادگان مینویسند ودرهمین رابطه شعارهای نگاشته شده بردر و دیوارهای پادگان بقدری زیاد است که رژیم را واداشته برای مقابله‌با چنین اقداماتی از سوی سربازان وشناسایی آنان به بهانه اینکه چه کسی خطش خوب است، از هرکسی یک نمونه از خطش را بگیرد، تا شاید بدین وسیله بتواند از شدت شعار نویسی جلوگیری نماید. ضمنا بخاطر بالا بودن جو انقلابی در میان سربازان پادگان عجب شیر، ایادی‌رژیم در آنجا، داشتن رادیوی دو موج را برای سربازان ممنوع اعلام کرده‌اند تا سربازان نتوانند به رادیوهای مخالف گوش‌فرا داده و بویژه صدای نیروهای انقلابی‌را ازطریق رادیو بشنوند.

بطورکلی محتوی شعارهای‌انقلابی نوشته شده بر درودیوارهای پادگان و افشاگریهایی که توسط سربازان صورت میگیرد و اقدامات ضد خلقی‌ای که رژیم جمهوری اسلامی جهت سرکوب و به‌بند کشیدن سربازان در پادگان عجب شیر به‌آن دست می‌یازد، همه‌وهمه بیانگر وجود جو انقلابی در میان سربازان ناراضی بر علیه ارتش ضد خلقی و امپریالیستی جمهوری اسلامی است.

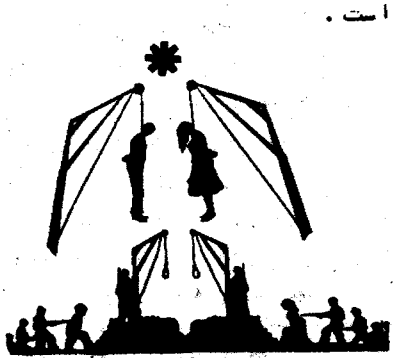

بیاد تمامی
شهدای گمنام

گزیده‌هایی از رادیو صدای چریکها

تاریخ پخش از رادیو صدای چریکها ۶۵/۱۱/۱۷

کنترل و هدایت جنگ ایران و عراق در دست کیست؟

این سئوالی است که از ابتدای جنگ ایران و عراق مطرح بوده و هست و پاسخ درست به آن نه تنها برای طبقه کارگر، بلکه برای هر فرد، هر خانواده و هر قشر و طبقه اجتماعی و خلاصه برای همه خلقهای ما که در جنگی ویرانگر همهٔ هستی و منابع انسانی و اقتصادی خود را از دست میدهند لازم و ضروری است. اما دسترسی به پاسخ صحیح بدون درک ماهیت این جنگ، اهداف و نتایج آن امکانپذیر نمیباشد. بدون تشخیص درست ماهیت و مضمون واقعی جنگ و در نتیجه بدون تشخیص سیاست، طبقاتی که قبل از وقوع جنگ آنرا ادراک میدیدند تا منافع و اهداف خود را حفظ و متحقق سازند دسترسی به آن پاسخ نیز میسر نیست. وقتی این سیاستها شناخته شد، اهداف آن طبقات و نیروهای اجتماعی آشکار و برملا گردید، آنگاه میتوان بروشنی شکل دیگر پیشبرد آن سیاست، یعنی جنگ را شناخت. جنگ یعنی طریق دیگر پیشبرد سیاست، طبعا استراتژی و تاکتیک و قانونمندیهای خاص خود را دارا میباشد که بجای خود باید مورد توجه قرار گیرد، راه و روش خاصی که در هیئت جنگ، منافع و اهداف اقتصادی – سیاسی همان طبقات و نیروها در دورهٔ آرامش را باید برآورده سازد. این است کلید و قانون شناخت هر جنگی. اما این کلید و قانون بر بستر شرایط تاریخی – مشخص وقوع جنگها باید بکار گرفته شود و بدون در نظر گرفتن اوضاع اقتصادی – سیاسی آن شرایط و ویژگیهای آن مقطعی که جنگها در آن اتفاق میافتند، توانایی درک پاسخ درست را نخواهیم داشت و نتیجه‌ای جز آشفتگی فکری و سردرگمی پدید نخواهد آمد. در پرتو چنین شناختی است که میتوان دست یابی به دستهای کنترل و هدایت کننده هر جنگی را شناخت و هرگونه روابط و مسائل فرعی و جانبی را نیز بدرستی تشخیص داد.

بر این اساس، برای درک ماهیت جنگ ایران و عراق و در نتیجه ویژگیها و خصوصیات آن، باید به شرایط مشخص تاریخی که این جنگ در آن جاری است و اهداف و منافع سیاستهایی که این جنگ در جهت پیشبرد آنها قرار دارد توجه نمود، تا نقش واقعی سازماندهندگان و مجریان این جنگ ویرانگر بدرستی مشخص گردد.

در عصر امپریالیسم و در شرایط تاریخی که سلطه امپریالیستی بر بخشهای وسیعی از جهان استقرار دارد و امپریالیستها با استثمار و غارت وحشیانه نیروی کار و منابع خلقهای تحت ستم به زندگی انگلی خود ادامه میدهند و بخش وسیعی از کشورها را تحت سلطهٔ خود قرار داده و آنها را به بازار فروش کالاهای امپریالیستی تبدیل کرده‌اند. در شرایطی که تمامی جوامع تحت سلطه با هزار رویکرد شته مرئی

بقیه در صفحه ۲۴

تاریخ پخش
از رادیو صدای چریکها
۶۵/۱۱/۹

جنگ امپریالیستی ایران و عراق و تراژدی جناب سناتور

اخیرا در روزنامه "کریستین ساینس مانیتور" مقاله‌ای به قلم "چارلز پرسی" رئیس پیشین کمیسیون روابط خارجی سنای امریکا در باره مسائل خاورمیانه و از جمله جنگ ایران و عراق به چاپ رسیده که بدون تردید رجوع به پاره‌ای از نکات مندرجه در آن و شکافتن بعضی از زوایا پیش‌داوری نکات قابل تاملی است.

البته با گذشت شش سال از جنگ ضدخلقی و ویرانگر دولتین ایران و عراق و نتایج و عواقب ضد مردمی و خانه خراب‌کن آن، امروزه بیش از هر هنگام صحت تحلیلهای چریکهای فدائی خلق در رابطه با ماهیت امپریالیستی این جنگ بر توده‌ها آشکار گردیده است. ما از همان آغاز در میان انواع تئوریهای تسلیم‌طلبانه درون جنبش، که هر یک با شکلی متفاوت ولی مضمون واحد، توده‌ها را بدفاع از میهن سرمایه‌داران وابسته و سلاخی شدن در راه منافع آنان و اربابانشان تهییج و ترغیب مینمودند، با شجاعت انقلابی ماهیت ارتجاعی و امپریالیستی این جنگ را نمایانده و به کارگران و زحمتکشان توضیح دادیم که بر خلاف تبلیغات امپریالیستها، که خود را در این جنایت، باصطلاح بیطرف میخوانند، بواقع چه کسی پشت سر چه کسی ایستاده است و چه کسانی از برکات این جنگ استفاده میبرند. برای توده‌های تحت ستم ما امروزه دیگر به آشکارا مشخص شده است که تنها کسانیکه از برپایی و تداوم چنین جنگ ویرانگری سود میبرند، همانا امپریالیستها و سگان زنجیریشان هستند و مضرات مرگبار این جنگ نیز تماما بر شانه‌های کارگران و توده‌های زحمتکش سنگینی میکند. برای تائید و تأکید بر احکام فوق همانطور که گفتیم، رجوع به

جنگ امپریالیستی ایران و عراق و ...

مقاله آقای چارلز پرسی خالی از لطف نیست. چراکه مسلما نظرات و ایده‌ها و آمار و ارقامی که گاها در محافل تبلیغاتی مختلف، از زبان طراحان سیاستهای جناحهای گوناگون امپریالیسم جهانی نقل میشود، بیانگر ماهیت نظرات و عملکردهای آنان و خط حرکتیشان در رابطه با منافع امپریالیستها در صحنه بین المللی و بخصوص کشورهای تحت سلطه نیز میباشد.

بطور مثال همین جناب چارلز پرسی که سابقا سناتور جمهوریخواه، یعنی همین جناح غالب در دستگاه حکومتی امریکا نیز بوده‌اند درمقاله‌اش عنوان میکند:

" ما فراموش کرده‌ایم که تا زمانیکه صلح در دسترس نیست، در خاورمیانه پرنده‌ای وجود نخواهد داشت و جملگی طرفهای درگیر بازنده خواهند بود."

و به این ترتیب با این سخنان قصارشان، در عین حال که میکوشند گرگ منشی و درنده‌خویی امپریالیستها را پنهان سازند، به مانند دایه مهربانتر از مادر، با سوزوگداز اینطور جلوه میدهند که گویا ایشان و سایر راهزنان همکیشش در دولت امریکا، بواقع دلشان برای صلح در خاورمیانه میسوزد. همان صلحی که امپریالیستها نه تنها در خاورمیانه بلکه در اقصی نقاط جهان کمر به نابودی آن بسته‌اند و بی شک امروز کمتر جنگ جنایتکارانه‌ای را در دنیا میتوان یافت که ردپا و دستان کثیف چارلز پرسی و سایرهمپالکیهایش، یعنی خدمتگذاران سرمایه جهانی، در آن پیدا نباشد. اما گذشته از این، جناب سناتور دراین افاضات ناخواسته بر واقعیتی هم انگشت میگذارد وتاکید میکند که در جنگ ضد خلقی ایران و عراق در خاورمیانه، جملگی طرفهای درگیر بازنده خواهند بود. اما همانطور که خود نیز اعتراف میکند " فراموش کرده است" اضافه کند که تنها برنده واقعی این جنگ امپریالیستها و انحصارات و شرکتهای چند ملیتی لبنان برای بازسازی نیاز دارد، رقمی بیش از آنچه که بانک جهانی درسالجاری به دیگر ممالک وام خواهد داد حتی رقمی فراتر از کمکهای اقتصادی و نظامی امریکا در سالجاری."

برای نشان دادن این جنایت تاریخی یعنی جنگ ایران و عراق، همین آمار سرودم بریده و تحریف شده فوق، خود گویاترین سندند. صد البته که همگان و از جمله جناب سناتور بخوبی میدانند که ارقام سرسام‌آور فوق الذکر تنها بیانگر بخش کوچکی از ارقام نجومی و واقعی خسارات مادی و تلفات این جنگ امپریالیستی است. و این عنصر جنایت پیشه و مهره امپریالیستها خیلی حسابگرانه و آگاهانه این ارقام را درز گرفته است. چراکه تمامی ارقام یادشده یعنی مجموعه خساراتی که در اثر این جنگ به توده‌های محروم و ستمدیده دو کشور وارد شده، مستقیما به جیب ایشان و سایر همپالکیهایشان سرازیر شده و درواقع ایشان در یک کلام، از خون و جان و مال صدها هزار انسان بیگناه وقربانی شده، امرار معاش میکنند. بله تنها در یکسال ۱۶ میلیارد دلار ضرروزیان خلقهای ایران و عراق، همان رقمی است که باید در کیسه امپریالیستها و انحصارات و شرکتهای چند ملیتی، آنرا یافت.

اکنون دیگر بیش از هر زمان روشن شده است که نظام اقتصادی‌ای که جناب سناتور پرسی و سایر اربابان و هم‌مسلکانش برای آن سینه چاک میدهند یعنی سیستم امپریالیسمی، با بحران عمیق اقتصادی و سیاسی عجین گشته است. و این جنایتکاران بین المللی، بحران و رکود و عفونت ناشی از آنرا نمی هیچ دغدغه‌ای با انواع حربه‌ها و سیاستهای کثیف و ضد خلقی از جمله جنگ، بر سر کارگران و زحمتکشان کشورهای تحت سلطه سرنگون میکنند. هزاران هزارتن از توده‌های محروم و زحمتکش را در میدانهای دهشتناک جنگ قتل عام میکنند تا آخرین مدل از سلاحهای مرگبارشان خریدار داشته باشد. خانه‌های آنها را بر سرشان ویران میکنند تا سرمایه‌های راکدشان امکان حرکت و سودآوری هر چه بیشتر

گزیده‌هائی از رادیو صدای چریکها

غارتگرند که به بهای خون هزاران انسان بیگناه قربانی شده در این جنگ، با تامین تسلیحات مرگبار برای دو طرف، سودهای هرچه بیشتری را به کیسه سیری ناپذیر خود میافزایند؛ و فراموش کرده است که بگوید امپریالیسم و مزدورانش و از جمله خود ایشان از طراحان و سازماندهندگان این جنگ ویرانگر و امپریالیستی بوده‌اند و آقای سناتور بدون شک بر این مسئله به روشنترین وجهی آگاهی دارند.چراکه ایشان بازهم در ادامه مطلب به‌همان حقیقت انکارناپذیر منتها در شکلی دیگر اشاره میکند به‌اینصورت که:

"درخاورمیانه‌ای‌که پررونق ترین صنعتش جنگ است، چگونه میتوان انتظار دیگری داشت" بله! پر رونق ترین پیشه برای جنایتکارانی نظیر چارلز پرسی و حکومتهای امپریالیستی و دولتهای مزدوری نظیر جمهوری اسلامی در خاورمیانه همانا جنگ است؛ و در مخیله چنین موجودات وحشی وخونخواری اساسا سودا و معامله بر سر جان و سرنوشت صدها هزار انسان قصابی شده و یا آماده سلاخی در خاورمیانه و ایران و عراق یک امر بدیهی و درحد "انتظار" است.

جدا از نکات فوق آنچه که در مقاله چارلزپرسی از همه جالبتر مینماید آمار و ارقامی است که او راجع به مخارج جنگ ایران و عراق و تلفات انسانی آن اظهار داشته است. او چنین میگوید:

" علاوه بر ۲۵۰ هزار کشته در جنگ، مقامات ایرانی تخمین میزنند که در ۵ سال اول جنگ، اقتصاد ایران ۳۰۵ میلیارد دلار متضرر شد. یعنی رقمی در حدود ۵ هزار میلیون دلار در ماه. ظاهرا عراق در این مقایسه‌وضع بهتری دارد. تنها ۱۰۰ هزار عراقی کشته شدند و عراق ماهانه بین ۶۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد دلار متضرر شده است. ایران و عراق درسالجاری مجموعا ۱۵ تا ۱۶ میلیارد دلار صرف جنگ کرده‌اند. رقمی بیش از آنچه که

مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران و عراق

جنگ امپریالیستی ایران و عراق و ...

داشته باشد و در یک جمله خون توده‌ها را میمکند تا پیکر پوسیده و کندیده‌شان به آخرین لحظات حیات ننگینش ادامه دهد. و تازه با بیشرمی تمام از زبان مزدوران جنایتکاری چون چارلزپرسی اعلام میکنند که: "با توجه به عظمت ابعاد تراژدی انسانی در خاورمیانه این رقمها چندان بزرگ جلوه نمیکنند." غافل از آنکه دیر نیست روزی که خلقهای بپا خاسته ما تاوان بخشی از جنایتهای کثیف جناب سناتور و سایر سردمداران امپریالیسم و مزدورانشان در منطقه را از آنها بازستانده و نابودشان سازند.

* * * * * * *

تاریخ پخش از رادیو صدای چریکها
۶۵/۱۱/۲۳

اعتراف به اشتباه از سوی ریگان برای ماستمالی واقعیتها

درحالیکه سران امپریالیسم امریکا بعد از باصطلاح افشای روابطشان با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی گفته بودند دیگر هیچگونه رابطه‌ای با این رژیم ندارند و کوشیده بودند ابعاد روابط خود با جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر محدود ساخته و آنرا صرفا به ۱۸ ماه گذشته محدود نمایند و در حالیکه سردمداران مزدور و ریاکار جمهوری اسلامی هرگونه رابطه با امریکا را انکار میکردند و موسوی نخست وزیر ارتجاع، فریبکارانه اعلام میکرد که: "ما دستهای خون‌آلود امریکا را برای تجدید روابط با ایران بموقع داغ کردیم" (اطلاعات اول دیماه) و یا "دست امریکا بخون تک تک شهدای ما آغشته است" (همانجا) حال معلوم شده است که باز هم ملاقاتی بین نمایندگان جمهوری اسلامی با دولت امریکا در حدود ۶ هفته پیش در فرانکفورت صورت گرفته است و به این وسیله بازهم پرده دیگری از دروغهای بیشمار سردمداران فریبکار دو کشور کنار رفته و ریاکاری آنها بیشتر از گذشته روگردیده است.

گزیده‌هائی از رادیو صدای چریکها

درشرایطی که ریگان رئیس جمهور امریکا طی مصاحبه‌ای با شبکه‌های تلویزیونی امریکا اعلام کرده بود: "هدف آنقدر مهم بوده که همه تلاشهائی که صورت گرفته لازم بوده‌اند، اما در در این میان ما مرتکب اشتباهات زیادی شدیم" و به این وسیله کوشیده بود که درمقابل مخالفین خود درموضع مطلوبتری قرارگیرد بحال باشدت یابی تضادهای درونی طبقه حاکمه در امریکا و افشای دیدار تازه نمایندگان جمهوری اسلامی و امریکا، ریگان مجبور میشود بار دیگر به جمله آمده و باز هم به "اشتباهات" بیشتری اعتراف نماید.

اینکه چه مسائلی سران امریکا را واداشته به "اشتباهات زیادی" در اینمورد اعتراف نمایند، و با چرا با رهم ملاقات ۶ هفته پیش افشاء گشته و سردمداران امریکا مجبور به اقرار در این زمینه گردیده‌اند را طبعا بایستی در اوجگیری تضادهای جناحهای مختلف امپریالیستی جستجو نمود که ریگان را واداشته با توسل به این مانور و تایید یکسری اشتباهات زیر پوشش مهم بودن "هدف" همه تلاشهای صورت گرفته در روابط فیمابین جمهوری اسلامی با امریکا را توجیه نماید.

اوجگیری این تضادها آنقدر شدید است که در وضعیت بحرانی‌ای که امریکا در آن بسر میبرد بیشک هر لحظه و هر زمان ممکن است مسائل تازه‌ای از این رابطه از سوی جناحهای مختلف طبقه حاکمه در امریکا افشاء شده و بنوبه خود بحران موجود را تشدید نماید و از آنجا که ریگان گفته است "مسئولیت تمامی اشتباهات را شخصا بعهده میگیرد" این مسئله بدون شک با افشاگریهای جدید به بحران موجود ابعاد جدیدتری خواهد بخشید.

اگرزمانی تمام کاسه‌کوزه‌ها رابسر جان پوینددکستر و یا سازمان سیا (C.I.A) و این شخص یا آن ارگان می‌انداختند، و میکوشیدند چنین وانمود سازند که شخص ریگان در این رابطه دچار اشتباهی نشده است، اینبار اوجگیری تضادها آنقدر شدت یافته که ریگان مجبور گردیده خود شخصا مسئولیت عواقب رابطه با جمهوری اسلامی وفروش اسلحه به‌آن، و باصطلاح اشتباهات رخ داده در این رابطه را بعهده بگیرد. زیرا کار بجایی رسیده است که دیگر نمیشود افکار عمومی مردم امریکا را با انداختن بار مسئولیت مسئله بر عهده این یا آن اداره، یا فلان رئیس و مرئوس و یا توسل به استعفای این شخص یا آن شخص فریب داده و سرکرم نمود. بخصوص که در این میان جناح مخالف ریگان فعالانه بر علیه رقیب درقدرت، خود دست به افشاگری میزند. و هرروز چشمه تازه‌ای از شاهکارهای حریف را رو مینماید. گرچه این امرمشخص است که این افشاگریها صرفا در رابطه با تسویه حسابهای درونی طبقه حاکمه امریکا بوده و به‌مفهوم مخالفت جناح مقابل ریگان با داشتن رابطه با ایران و با فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و غیره نمیباشد، زیرا که تمامی جناحهای امپریالیستی چه امریکائی و چه غیر آن مرتبا از ایران بعنوان مهمترین مهره شطرنج در یکی از استراتژیک ترین مناطق جهان نام برده و میبرند. و اتفاقا ریگان هم درآنجا که میگوید هدف آنقدر مهم بوده که تمامی کارهایی که انجام شده لازم بوده‌اند بر همین اهمیت استراتژیک ایران در منطقه و نقشی که جمهوری اسلامی در اجرای سیاستهای امپریالیسم در منطقه بر عهده دارد انگشت گذاشته تا به‌این وسیله ضمن فریب افکار عمومی، رقیبش را نیز خلع سلاح نماید.

در رابطه با ملاقات ۶ هفته پیش نمایندگان جمهوری اسلامی با نمایندگان امریکا در فرانکفورت که اخیرا افشاء گردیده است شولتز وزیر امور خارجه

رفقای هوادار!
برای وصل ارتباط با سازمان به پایگاه‌های چریکهای فدائی خلق ایران در کردستان قهرمان مراجعه نمائید.

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال اول
شماره ۷ – بهمن ۶۵

اعتراف به اشتباه

امریکا ضمن تائید این مسئله تاکید نمود که از سوی وزارت امور خارجه دستور قطع مذاکرات با نمایندگان جمهوری اسلامی در فرانکفورت صادر شد، ولی علیرغم این دستور" سازمان سیا " به مذاکرات خود با نمایندگان ایران ادامه داد.

جدا از صحت ادعای شولتز مبنی بر دستور قطع مذاکرات و جدا از اینکه این سخنان با چه هدف و انگیزه‌ای مطرح شده است ولی همین اظهارات شولتز بخوبی بیانگر شدت اختلافات جناحهای گوناگون هیئت حاکمه امریکا میباشد که علیرغم دستورات رسمی وزارت امور خارجه از سوی سازمان سیا این دستورات نادیده گرفته شده و ملاقات جدیدی بین امریکا وجمهوری اسلامی علیرغم میل وزارت امور خارجه صورت گرفته و ادامه یافته است.

این اختلافات هرگونه که پیش رود نشان از یک امر مسلم وتردیدناپذیر دارد و آن اینکه جناحهای مخالف ریگان قصد دارند تا ضمن افشای اعمال غیر قانونی دولت ریگان و کلا جمهوریخواهان، افکار عمومی امریکا را در زمانیکه انتخابات ریاست جمهوری در امریکا نزدیک میشود در جهت عدم صلاحیت آنها سوق داده وراه را برای بی اعتبار نمودن هر چه بیشتر شخص ریگان – در چارچوب سیستم موجود – و شکست جناح او در انتخابات هر چه بیشتر هموار سازند.

بنابراین چه موسوی نخست وزیر ربا کار رژیم اعلام کند که " ما نسبت به امریکا کینه‌ای مقدس داریم " (اطلاعات اول دی) و یا خمینی فریبکارانه کاخ سفید را کاخ سیاه بنامد و به هر وسیله‌ای برای انکار رابطه با امریکا متوسل شود. رشد تضادها واقعیات هر چه بیشتری در رابطه با وابستگی این رژیم به امپریالیسم را عیان خواهد ساخت. واتفاقا تمامی خیمه شب بازیهای رفسنجانی از نشان دادن انجیل امضاء شده بقلم ریگان گرفته تا پاسپورتهای ایرلندی مقامات امریکائی و اراجیف دیگری که طی مصاحبه‌های گوناگون با خبرنگاران مختلف مطرح نموده است همه وهمه بازتاب همین جنگ قدرت در بین جناحهای امپریالیسم امریکاست، امری که اتفاقا در زمان انتخابات چند سال پیش که باعث شکست کارتر و پیروزی ریگان گشت نیز خود را بخوبی نشان داد و آشکار گردید که شکست کارتر بر اثر عدم آزادی گروگانهای امریکایی در ایران، به اعتبار وعده‌وعیدها و زدوبندهای جمهوریخواهان با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، در رابطه‌ای تنگاتنگ قرار داشته است، و اعمال مزدوران جمهوری اسلامی از این جنگ قدرت در میان اربابانش، نشأت گرفته بود.

پس خیمه‌شب بازیهای رفسنجانی و اراجیف خمینی پیرامون شکست امریکا در رابطه با جمهوری اسلامی را باید بمثابه همه تبلیغات دروغین دیگر این رژیم در نظر گرفت و مسائل موجود را در چارچوب فوق بررسی و تحلیل نمود چراکه سرنوشت این جنگ قدرت در بین جناحهای مختلف امپریالیسم هرچه باشد سیاستهای مورد اجرای جمهوری اسلامی نیز بر آن اساس تعیین خواهد گردید. درنتیجه تبانی این خیمه شب بازیها را بحساب عدم وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم گذاشت. آنطور که امپریالیستها سعی دارند جلوه دهند. بلکه اتفاقا باید آنرا بمثابه دلیل دیگری برسرسپردگی هرچه بیشتر این رژیم به امپریالیسم ارزیابی نمود.

امپریالیستها در طول این ماجرا همیشه کوشیده‌اند که ثابت نمایند جمهوری اسلامی رژیمی مستقل بوده و آنها گویا خواسته‌اند بخاطر اهمیت استراتژیک ایران با آن " تجدید رابطه" نمایند در حالیکه واقعیت زندگی روزمره نشان میدهد که رابطه ایران و امریکا هیچگاه واقعا قطع نگردیده که حال بخواهد تجدید شود و اتفاقا خود خمینی ورژیم ددمنش اش را همین امریکا روی کار آورد وتاکنون نیز شرایط ادامه عمر ننگین آنرا میسر ساخته است.

مرگ بر امپریالیسم وسگهای زنجیریش!
مرگ بر فریبکاران و دغلکاران!

* * * * * * * *

گزیده‌هائی از رادیو صدای چریکها

از صفحه ۲۱

کنترل وهدایت جنگ ...

و نامرئی بدرجات مختلف در سیستم جهانی امپریالیسم تنیده شده‌اند و رژیمهای اینگونه جوامع، رژیمهائی وابسته به امپریالیسم میباشند که مجری و پیش برنده‌ٔ سیاستهای امپریالیستی محسوب میشوند. و بوروکراسی و ارتش در این کشورها جز ابزار و وسایلی در خدمت حفظ وتداوم سلطه امپریالیستی نبوده و نیست. و بالاخره در شرایطی که بحران ژرف و عظیمی دامن سیستم جهانی امپریالیستی را گرفته است و در تداوم این بحران هر روز حلقات ضعیف‌تر این زنجیره جوامع امپریالیستی، هرچه بیشتر فرو میریزد و با انقلابات رهائیبخش نوین خلقهای تحت ستم، آزادی خود را میابند و با رهائی هر خلقی از نظام موجود، امپریالیستها یکقدم به مرگ محتوم تاریخی خود نزدیک میشوند. یکی از مهمترین وسایل فائق آمدن و تخفیف بحران امپریالیستی، برپایی جنگهای امپریالیستی از سوی امپریالیستها ست. بویژه اگر در نظر آوریم که بعد از جنگ جهانی دوم و بخصوص با تجربه جنگ ویتنام، امپریالیستها بخصوص امپریالیسم امریکا میکوشند از دخالت مستقیم در کشورهای تحت سلطه تا حد امکان بپرهیزند و در نتیجه در جهت منافع خود، از طریق رژیمهای وابسته‌ای همچون جمهوری اسلامی اهداف خود را پیش میبرند، بهتر میتوان به واقعیت برپایی و تداوم جنگهایی نظیر جنگ ایران وعراق پی برد. اوضاع و شرایط عمومی که وقوع این جنگ را ایجاب کردند چه در کل خاورمیانه و چه در ایران را، در بستر چنین تحلیلی میتوان در دو زمینه بهم تنیده بین المللی و داخلی بدینگونه برشمرد:

غلبه بر بخشی از بحران امپریالیستی از طریق میلیتاریزه کردن کل خاورمیانه و در نتیجه فروش کلان کالاهای تسلیحاتی گوناگون چه به کشورهای منطقه و چه به دو کشور در حال جنگ و تحکیم موقعیت سیاسی و نظامی امپریالیست. سرکوب جنبشهای انقلابی و مترقی منطقه وبدست آوردن سود سرشار ناشی از سرمایه‌گذاریهایی که برای باصطلاح بازسازی ویرانیهای

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال اول
شماره ۷ - بهمن ۶۵

←

کنترل و هدایت جنگ ...

جنگ صورت میگیرد و خواهد گرفت و غلبه کردن بر بحران اقتصادی-اجتماعی جامعه ایران که ناشی از بحران جهانی سیستم امپریالیستی بوده و سرشکن کردن تمامی بار بحران بر گرده توده‌ها از طریق اخراجهای وحشیانه، کم‌کردن و قطع برخی تولیدات و سوق دادن تولیدات و بودجه‌ها در زمینه‌های کاهش دهنده بحران، سرکوب جنبش انقلابی وسیع و عمیق توده‌ها، بازسازی و افزایش ارگانهای سرکوبگر و تجدید سازمان و تقویت روحیه ارتش، نابودی نیروهای جوان و فعال جامعه بمثابه ذخیره‌های انقلاب و غیره اهداف و خواستهای امپریالیسم یعنی سرمایه‌داری انحصاری بودند که به این وسیله پاسخ درخور خود، یعنی بربایی جنگ را از سوی امپریالیستها یافتند.

امپریالیستها براساس تجربیات تاریخی و منافع آتی خود مناسبترین راه‌حل این معضلات و مشکلات سرمایه جهانی و وابستگانش را در بربایی و تداوم جنگ کنونی میبینند. در نتیجه جنگ ایران و عراق در توافق امپریالیستها و رویزیونیستها و برعلیه منافع انقلاب خلقهای ایران و عراق و در بعدی وسیعتر کل منطقه خاورمیانه سازمان یافت. بدین گونه جنگ وسیله و طریقی شد که این سیاستهای نظام امپریالیستی به پیش برده شود و وسیله‌ای گردد برای پاسخ به همه آن منافع و اهدافی که شمرده شد.

پس جنگ ایران و عراق سازمان یافت تا به منافع امپریالیستها و بورژوازی وابسته بدانها خدمت کند. و این امر میبایست از طریق رژیمهای وابسته اجرا شود تا بیطرفی ظاهری امپریالیستها حفظ گردد و دستان خون‌آلود آنها از انظار پنهان بماند. بر این اساس دیگر آنچه دستاویز پیشبرد این سیاست قرار میگرفت اهمیتی نداشته و ندارد چراکه برای آغاز جنگ همیشه میتوان موضوعاتی چون "اختلافات مرزی" و یا "رسیدن به قدس از راه کربلا" را طرح و تبلیغ نمود.

بنابراین جنگ ایران و عراق که از جانب جمهوری اسلامی در پوشش جنگ "حق برعلیه باطل" و یا "اسلام بر علیه کفر" تبلیغ میشود، در واقعیت

گزیده‌هائی از
رادیو صدای چریکها

در خدمت منافع امپریالیستها و برای حل معضلات و بحرانهای آنها، و بر علیه خلقها و انقلاب توده‌هاست که سازمانیافته است. براین اساس، ماهیت امپریالیستی و ارتجاعی این جنگ، جنگی که در خدمت منافع و سیاستهای امپریالیستهاست آشکار میگردد. و درست بر این اساس نیز طولانی بودن آن و تداومش، تا برآوردن اهداف انحصارات امپریالیستی و طبقات وابسته به آنها، با تاکتیکهای متنوع قابل توضیح میباشد.

ما این حقایق را بارها و بارها در نشریات سازمان ابراز کرده و بر آن پای فشرده و آشکار کرده‌ایم. وسیر وقایع نیز در طول بیش از ۶ سال، به روشنی هرچه تمامتر تحلیلها و گفته‌های ما را در باره ماهیت امپریالیستی جنگ، طولانی بودن آن، نقش بحران‌زدای آن و نیروها و دستهای کنترل کننده آن به اثبات رسانده است.

اکنون نیز نگاهی گذرا به تاکتیکهایی که در جنگ بکار گرفته میشود و یا حتی گفته‌های ناخواسته و از روی ناچاری دولتمردان کشورهای امپریالیستی، و بویژه آنچه که در پیرامون دیدار مک فارلین و آشکار شدن روابط با اصطلاح پنهانی جمهوری اسلامی و امریکا بر زبانها، جاری میشود، آن مواضع و تحلیلها را با روشنی هر چه بیشتری مستدل میسازد.

براساس تحلیل ماهیت امپریالیستی جنگ، بروشنی میتوان تاکتیکهائی که در طی این جنگ امپریالیستی بکار گرفته شده است را توضیح داد و به این وسیله نیز نشان داد که هدایت و کنترل جنگ توسط امپریالیستها صورت میپذیرد. ندادن امکانات وسلاحهای برتر و پیچیده به جمهوری اسلامی و واداشتن آن در بکارگیری تاکتیک امواج انسانی و در مقابل تحویل سلاحهای مدرن و پیشرفته هوائی و زمینی به عراق، کنترل بمباران شهرها و مناطق مسکونی و تخفیف و قطع آن در لحظات انفجاری مبارزات توده‌ها، تخریب و نابودی کنترل شده و هدایت شده منابع و میادین نفتی و تاسیسات اقتصادی دو طرف، بنحوی حساب شده و بکارگیری سلاح شیمیائی و بی‌تفاوتی عملی مجامع امپریالیستی و بازهم در اختیار نهادن این سلاح به نیروهای درگیر، استفاده از جنگ در جنگ قیمتهای نفت در اوپک و غیره همگی گویای نقش امپریالیستها در کنترل و هدایت جنگ است.

و در این چهارچوب و محدودیتهاست که مجریان این جنگ به اجرای وظیفه خود مشغول بوده و ضمن پیشبرد سیاستهای امپریالیستی با هیاهوهای ضد امپریالیستی به فریب توده‌ها همت گمارده‌اند. واقعیتها بروشنی نشان میدهند که این امپریالیستها هستند که کنترل جنگ را در دست داشته و در کنفرانسهای رنگارنگ جهانی خود نیز، درباره آن به بحث و فحص میپردازند، تا از درهم‌ریختگی سریع و وسیع اوضاع در خاورمیانه در خلاف جهت منافعشان جلوگیری نمایند.

در ضمن دادن اطلاعات گمراه کننده از طرف سیا (C.I.A) به دو طرف جنگ، برای جلوگیری از پیروزی یکطرف بر طرف دیگر، که اخیرا از سوی نشریه نیویورک تایمز در حواشی دیدار مک فارلین و پیامدهای آن افشاء گردید و حتی توسط مسئولین دولتی عراق نیز بنحوی تائید شد بروشنی یکی از راهها و شیوه‌های این کنترل را فاش میسازد.

بهرحال هر روز که میگذرد سیر وقایع، تاکتیکهای بکار گرفته شده، ابعاد نجومی و غول آسای فروش تسلیحات گوناگون و پیچیده‌ای نظیر سیستمهای دفاع هوائی و غیره، میزان خرابیهائی که جنگ ببار آورده، نقش امپریالیستها و اسرائیل که حتی توسط رسانه‌های امپریالیستی نیز برخی جوانب آن آشکار گشته است، بر ماهیت امپریالیستی این جنگ و هدایت و کنترل آن توسط امپریالیستها و توافق و همیاری رویزیونیستها در این رابطه دلالت کامل دارد.

حال که این جنگ در جهت اهداف امپریالیستها و منافع آنها سازمانیافته و جریان دارد و بر ضد اهداف و منافع خلقهای ماست و فوج فوج از توده‌های تحت ستم و بویژه جوانان ما در مسلخهای آن قربانی میشوند، حال که تمامی مصائب و بدبختی آن بردوش توده‌های کارگر و زحمتکش شهری و روستائی قرار دارد و بار توانفرسای چندین ساله آنرا با تحمیل انواع مالیاتها و اخاذیها و بمبارانها و قربانی دادنها بردوش میکشند، این وظیفه خلقهای ماست که هر چه فعالتر در

بقیه در صفحه ۱۰

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال اول
شماره ۷ – بهمن ۶۵

زندگینامه رفیق شهید قاسم سیادتی
از اعضای کادر مرکزی سازمان

رفیق شهید قاسم سیادتی درسال ۱۳۲۵ در شهر بروجرد در یک خانواده فقیر متولد شد. پدرش فلج بود و او دومین فرزند از خانواده ۵ نفریشان بود.

رفیق قاسم دوره ابتدائی را در دبستان ۱۵ بهمن بروجرد با موفقیت بپایان رساند و سپس در دبیرستان پهلوی (دکتر شریعتی کنونی) دوره اول متوسطه را گذرانده و در دبیرستان بحرالعلوم در رشته ریاضی در خرداد سال ۱۳۴۵ موفق به اخذ دیپلم گردید.

با استخدام برادر بزرگش در یکی از بانکها وضع مادی خانواده نسبتا بهتر شد و قاسم در بهمن ماه سال ۴۵ توانست در رشته مشاور راهنمائی دانشسرای عالی تهران به تحصیلات خود ادامه دهد. در این سال بود که او در محیط دانشگاه با مسائل سیاسی و اندیشه‌های علمی آشنائی یافت و از آنجا که خود با فقر بزرگ شده بود و طعم تلخ آنرا با تمام وجودا حساس کرده بود با اشتیاق تمام در جهت درک علل واقعی فقر و بدبختی توده‌ها و راههای محو و نابودی این شرایط دهشتناک کوشید. او فجایعی را که توسط حمله وحشیانه رنجرها و عمال سرسپرده رژیم وابسته به امپریالیسم شاه در دانشسرای عالی در همین سال صورت گرفت از نزدیک مشاهده نمود و از آن درس گرفت. با آشنائی هر چه بیشترش با مارکسیسم لنینیسم و با توجه به تجربیات زندگی‌اش، هدف خود را هر چه روشنتر و قاطعانه‌تر تعیین نمود و با عزمی راسخ در راه مبارزه بر علیه امپریالیسم و نظام سرمایه‌داری وابسته به آن گام گذاشت.

در مهرماه سال ۴۲ دانشسرا را ترک نموده و در رشته مهندسی برق دانشکده فنی دانشگاه تبریز به ادامه تحصیل پرداخت. با توجه به وضع مالی خانواده‌اش در سال دوم اقامتش در تبریز برای تامین هزینه تحصیلش شروع به تدریس نمود و با تلاش فراوان نه تنها مخارج خود را تامین میکرد بلکه ماهیانه کمک خرجی هم برای مادرش میفرستاد. در این دوره فعالیتهای سیاسی‌اش شدت یافت بطوریکه سه بار توسط عمال ساواک در تبریز دستگیر شد، لیکن چون مدرکی از او نتوانستند بدست آورند مجبور شدند او را آزاد کنند. بار سوم دستگیری، تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفت و پس از ۲۶ روز تحمل همه اذیت و آزارهای دژخیمان ساواک، بر اثر فشار دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تبریز به اتحاق چند دانشجوی دیگر آزاد گردید. با پایان تحصیلات، دوره نظام وظیفه خود را در شیراز و بعد خرم‌آباد به انجام رسانید.

در بهمن ۵۳ با همرزم خود مینا طالب‌زاده شوشتریان که دانشجوی سال سوم رشته حسابداری مدرسه عالی بازرگانی بود ازدواج کرد و پس از پایان خدمت نظام در کارخانه کارتن البرز در شهر صنعتی قزوین وسپس در کارخانه کاشی پارس مشغول به کار شد و در نتیجه درک هر چه روشنتری از شرایط زندگی طبقه کارگر، که او را در راه آرمانهایش بیا خاسته بود بدست آورد.

در این سالها با توجه به آغاز مبارزه مسلحانه توسط چریکهای فدائی خلق و ایمان رفیق قاسم به مبارزه مسلحانه بمثابه تنها راه رسیدن به آزادی، در ارتباط با چریکهای فدائی خلق قرار گرفت و بعلت صداقت و آگاهی و ایمانش خیلی زود به عضویت سازمان پذیرفته شد.

در اواخر فروردین ماه سال ۵۴ با یگاهش مورد یورش ساواک قرار گرفت. در یک نبرد نابرابر در خیابان زیبای تهران همسرش مینا طالب‌زاده بشهادت رسید و رفیق قاسم با عزمی آهنین زندگی مخفی خود را آغاز نمود.

رفیق قاسم در طول زندگی پربار مبارزاتی‌اش در عملیات و درگیریهای زیادی شرکت داشت و بعلت آگاهی و فعال انقلابی‌اش، پیگیری وجسارتش درمبارزه، به مرکزیت سازمان پذیرفته شد. از جمله عملیاتها و درگیریهای رفیق قاسم مصادره بانک ملی زنجان، درگیری با مزدوران رژیم شاه در خیابان فرمت و پمپ بنزین شهباز و فرماندهی یورش به مرکز قرارگاه پلیس را میتوان نام برد.

رفیق قاسم پس از حدود ۴ سال زندگی و مبارزه مخفی و شرکت در دهها عملیات قهرمانانه، سرانجام در روز قیام خلق در جریان حمله برای تصرف رادیو تهران در میدان ارک که رهبری یکدسته از چریکهای فدائی خلق را بر عهده داشت، در راه پله‌های ساختمان رادیو مورد اصابت گلوله قرار گرفت و بشهادت رسید. شهادت رفیق قاسم در ۲۲ بهمن و در روز قیام خلق و درست ۸ سال پس از آغاز مبارزه مسلحانه بوسیله یارانش در جنگلهای سیاهکل، بروشنی تداوم مبارزه رزمندگان سیاهکل و تاثیرات عظیمش را در مبارزات توده‌ها و در جریان قیام بهمن نشان میدهد. اگر در سیاهکل چریکهای فدائی با خون خود راه مبارزه را به خلق نشان میدادند، حال ۸ سال پس از آن روز تاریخی، رفیق قاسم در پیشاپیش توده‌ها، در جریان تصرف رادیو تهران بروشنی میدید که پیام آن رزمندگان چگونه واقعیت یافته و شرایط برای توده‌ای شدن مبارزه مسلحانه آماده گردیده است.

گرامی باد خاطره
رفیق شهید قاسم سیادتی

★★★

در سنگر بود سیادتی

درسنگر بود سیادتی
درسنگر خلق
درسنگر چریکهای فدائی خلق بود سیادتی

***

درخانواده‌ای تنگدست
پدری افلیج
کودکانی گرسنه و ژنده‌پوش
درلرستان دلاوران زاده شد سیادتی

***

درمحله‌ای فقیر میگشت
کت وکیف و دفتر نداشت سیادتی

***

بقیه در صفحه ۳۲

گفته‌ها و نکته‌ها

بدون شرح

علاوه بر این مانند همه امپریالیستها شوروی نیز سعی دارد نیروهای پایه خود را متنوع بخشیده و با جلب نیروهای جدید توسعه دهد تا قادر باشد با شکست یکی بلافاصله دیگری را برای انجام "وظایف" عالم کند. سازمان چریکهای فدائی خلق از همان ابتدای تاسیس خود بعلت التقاط ریشه‌ای و وسط نشینی در جریان حادترین مبارزات دو خط در جنبش کمونیستی بین‌المللی در دهه ۶۰، یعنی مبارزه خط انقلابی برهبری مائوتسه دون علیه رویزیونیسم خروشچفی و مواضع امپریالیستی شوروی در جهان همیشه یکی از هدفهای این سیاست شوروی بوده است.

حتی مرزبندی احمدزاده و نابدل و دیگران تحت تاثیر مبارزه مائو با رویزیونیسم خروشچفی چنان همه جانبه و محکم نشد که راه را برای جدائی کامل تشکیلاتی از طرفداران دولت شوروی در "سچفخا" باز کند. آنها و ادامه دهندگان خطشان، بر محور مبارزه مسلحانه با طرفداران شوروی همزیستی کردند و تاکنون نیز نتوانسته‌اند بطور علنی و قاطعانه موقعیت سوسیال‌امپریالیسم شوروی و خطرات آنرا برای جنبش ما فاش کنند و در کارزار افشاگرانه‌ای که توسط دیگران علیه این بلوک امپریالیستی پس از انقلاب ۵۷ براه انداخته شد و در جنبش توده‌ای تاثیر مهمی داشت سهمی نداشتند.

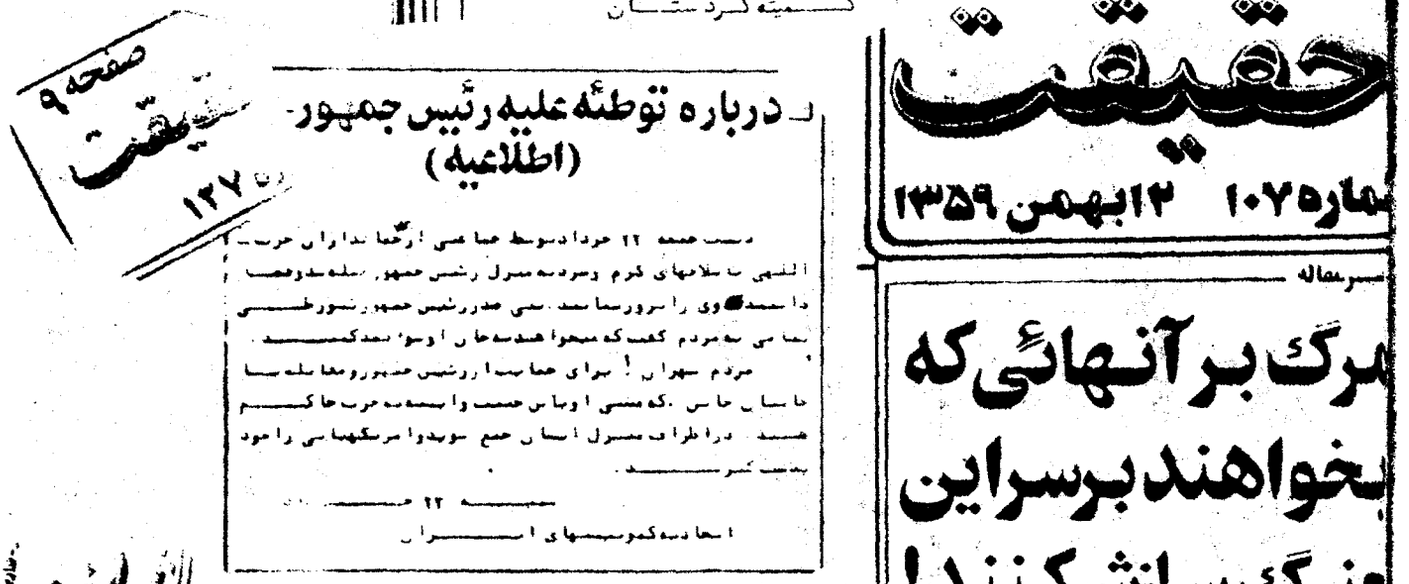

صفحه ۲

شماره ۲۵ ریال — انتشارات اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) کمیته کردستان

حقیقت

شماره ۱۰۷ — ۱۲ بهمن ۱۳۵۹

سرمقاله

مرگ بر آنهائی که میخواهند بر سر این جنگ سازش کنند!

صفحه ۹ حقیقت ۱۲ بهمن

درباره توطئه علیه رئیس جمهور (اطلاعیه)

صفحه ۲۲ حقیقت شماره ۹۵

اعزام گروهی از اعضاء و هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران - گیلان به جبهه‌های جنگ

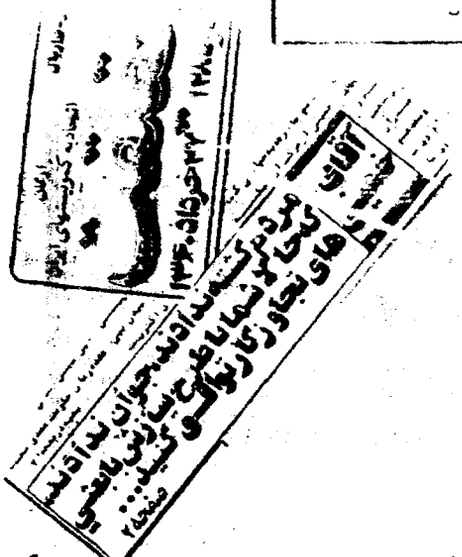

حقیقت
شماره ۱۰۳

پایان سخن: آن فدائی و این "فدائی"!!

... اکثریتی ها شاه خود را با این جمله آغاز کرده اند:
"دوره کنونی شاهد ربح سیار زائد خلق قهرمان ما با نام طبقه و نام ما با نام جهانخوار فدایی گره خورده است."

ما کار نداریم که آیا واقعاً تاریخ معاصر سیار زائد مردم ایران با نام "جهانخوار فدایی" گره خورده است یا نه! ولی یک نکته را میدانیم و آن اینکه بین آن فدائی که در میان مردم بپا خواسته برای خودجانی بازگرد با این "فدائی" زمین تا آسمان اختلاف هست.

آن فدائی، آنکه به شاهرخ پیوسته و جاودانه شده. آن که جانباخته فدا کرد. آنکه با نام و کار و آثارش احمدزاده و پویسان و نابدل بر سر زبانها افتاده در هدیت با سازشکاری و سلطنت جویی با دشمنان مردم متولد شد: ولی این "فدائی" با نگهداشتن آرمان آن فدائی، با بزیر پا گذاردن سنت انقلابی آن فدائی، از طرفی با بازی زدن و بیشه پیروزه میکند!

بقیه در صفحه ۱۲

فدائی . . .

آن فدائی که طغیان علیه استبداد و حکمران حاکم بر جامعه و برای آزادی مردم محروس در آمد، این فدائی که آزادی ... سنت کرده و سر سلطنه در مقابل سیروهای مسلح فرود آورده، آیا فدائی با قیام علیه خیانت رویزیونیسم خروشچفی، با سر افراشتن علم مبارزه علیه دوران خروشچفی با سنه عرضه نموده کدام است؟ و این فدائی با سیاست در مقابل رویزیونیسم با همه قدرت با همان دوران های سهمگین و دلیرانه و آوانگارد سیاسی گذارهای و حتی سرنگونی سیاستهای خودرا ... آن فدائی قطع کرد. بین آن فدائی و این فدائی فاصله بیفتد که بین انقلاب و خیانت، بین مارکسیسم و رویزیونیسم!

آن فدائی جرقه باشد که گل سوخ که در سارکی سب محمد رضا شاهی درخشید. و این فدائی گرم نباشی است که در شورش توده ای انقلاب ایران فروزی ندارد! فدائی فقط نباشی است با چهره واقعی توده ای خود در جنبش سعی نماید.

آن فدائی واقعی فدائی انقلاب و مردم بود: ولی این فدائی فقط فدائی رویزیونیسم و سرکوبی است!

• • •

نقدها و نقدها

حقیقت
شماره ۱۱۳
۱۲ فروردین ۱۳۶۰

مرگ بر دشمن خلق و خائنین به آن
درود و تحیت بر رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

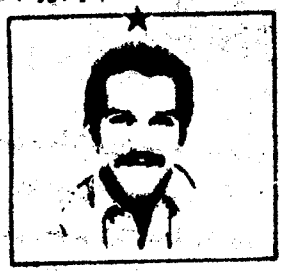

در رثای
رفیق شهید قاسم صراف زاده

رفیق ابوالقاسم صراف زاده عضو کادر رهبری اتحادیه کمونیستهای ایران در راه جبهه جنگ شربت شهادت نوشید

پیام رهبری اتحادیه کمونیستهای ایران به مناسبت شهادت رفیق قاسم صراف زاده

قاسم شهیدمان (پیام مصور قاسم ۱۳۶۰/۱/۱) صفحه ۱
پیام مادر قاسم (۱۳۶۰/۱/۲) صفحه ۲
قاسم ـ قاسم ـ قاسم ... صفحه ۳
شعر برای مادر صفحه ۴
پیام مصور قاسم (۱۳۶۰/۱/۲) صفحه ۵
پیام یاران ما از جبهه های جنگ جنوب صفحه ۶
پیام بدکوهستان صفحه ۱۰
خانه را هر چند مجلل می کنید ... صفحه ۹

حقیقت
شماره ۹۲
۱۹ مهر ۱۳۵۹

پیرامون نقطه نظرات ضد مارکسیستی و ضد انقلابی پیکار

برای مقابله با تجاوز ارتش مزدور عراق متحدانه مسلح شوید!

برافراختن پرچم اتحاد ملی و مقاومت توده ای در برابر تجاوزگران تنها پرچم انقلابی و شعار دفاع از انقلاب و میهن تنها شعار انقلابی در جنگ کنونی است.

نگاه‌ها و نکته‌ها

ارگان
حقیقت
شماره ۹۲ ۱۷ مهر ۱۳۵۹

جنگ ایران و عراق و موضع‌گیری ارتجاعی انحرافگران 'چپ'

شنبیل برخوردهای مسلحانه اخیر میان ایران و عراق و شیوع جنگ تمام عیار میان طبقه‌ی ما و ارتش بعثی عراق، بار دیگر ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی رژیم بعثی عراق را که مرتبا توسط نیروهای مترقی و انقلابی افشا شده است، بیش از پیش آشکار ساخته است. این رژیم که از همان ابتدای به قدرت رسیدن خود، با سرکوب وحشیانه‌ی جنبش انقلابی خلق کرد و کشتار دهها هزار تن از کمونیستها و انقلابیون عراقی، خصلت ضدانقلابی خود را به اثبات رسانده بود، اکنون با تجاوز نظامی به خاک ایران، ماهیت ضدانقلابی و ضدخلقی خود را بیش از پیش عریان ساخته است. در این میان، نیروهای انقلابی و مترقی ایران و عراق، که در جریان جنگ تحمیلی، همواره از حق مشروع ملت عراق در دفاع از خاک خود علیه تجاوز ارتش بعثی دفاع کرده‌اند، بار دیگر وظیفه‌ی خطیر و سنگین افشای ماهیت ارتجاعی رژیم بعثی عراق و دفاع از حق مشروع ملت عراق در دفاع از خاک خود را بر دوش خود احساس می‌کنند. در این میان، متاسفانه برخی از گروههای انحرافی که خود را نیروهای انقلابی و مترقی می‌نامند، با اتخاذ مواضع نادرست و ارتجاعی، نه تنها وظیفه‌ی خود را در قبال تجاوز ارتش بعثی عراق به خاک ایران انجام نداده‌اند، بلکه با اتخاذ مواضع ارتجاعی و ضدانقلابی، عملا در خدمت رژیم بعثی عراق قرار گرفته‌اند. از جمله‌ی این گروهها، سازمان "پیکار در راه آزادی طبقه‌ی کارگر" و "وحدت انقلابی" و "اقلیت فدائیان خلق" می‌باشند که طبیعی است این انحرافگران را دشمنان داده و بخواهند به پیروزی ارتجاع عراق و ضدانقلاب بعثی کمک کنند. ما در این مقاله، ضمن افشای ماهیت ارتجاعی رژیم بعثی عراق، به بررسی مواضع انحرافی این گروهها خواهیم پرداخت.

بقیه در صفحه ۲

نکاتی درباره‌ی سیاست رذیلانه ابرقدرت شوروی در پرتو تجاوز ارتش بعثی به ایران

چهره‌ی واقعی ابرقدرت شوروی بار دیگر در پرتو تجاوز ارتش بعثی عراق به ایران، آشکارتر گردید. در پرتو جنگ ایران و عراق، شوروی سیاست حمایت از رژیم بعثی عراق را در پیش گرفته است. ما در شماره‌ی گذشته‌ی حقیقت نشان دادیم که حکومت ایران از شوروی می‌خواست که به صدور اسلحه به عراق خاتمه دهد. شوروی با قطع کمک نظامی به ایران، عملا به رژیم بعثی عراق تحویل چندین فروند هواپیمای جنگنده و تانک داد. شوروی با این عمل خود، نشان داد که تا چه حد حاضر است برای حفظ منافع خود در منطقه، به رژیم ضدانقلابی و ضدخلقی بعثی عراق کمک کند. شوروی با این عمل خود، نشان داد که تا چه حد حاضر است برای حفظ منافع خود در منطقه، به رژیم ضدانقلابی و ضدخلقی بعثی عراق کمک کند.

بقیه در صفحه ۸

تجاوز عراق و مسئله ارتش

جلسه‌ی علنی مجلس شورای اسلامی

نمایندگان مردم بجهورد به عدم قاطعیت قوه قضائیه در برخی موارد عدم صلاحیت

انجمن اسلامی اهانت کرده و فحاشی نموده است و هنگامی که از او شکایت می‌شود، دادسرا بجای رسیدگی به شکایات و دلجوئی از حزب‌اللهی‌ها از متهم با احترام پذیرائی نموده و پیگیری پرونده را به تاخیر می‌اندازد که از نهایت همان لوث شدن موضوع است.

فاطق گفت: جای بی‌طمه است که قوه قضائیه با نماینده محترم دربیان، احمد آباد و مرتضی آلیشان برخورد کند ساعت یازده شب او را بدون دعوت قبلی به هنگام تهیه برنامه رادیوئی در محل صدا و سیما و بدون ارائه حکم جلب کرده و وی را ساعت دو نیمه شب داخل زندانی می‌کنند که عده‌ای قاچاقچی و جانی در آنجا هستند. آیا اتهام یک نماینده اینقدر سنگین و مهم است که نیمه شب باید جلب شود، آن هم بدون ارائه حکم و با آن وضع زننده. جادارد که بریاست محترم مجلس عرض کنم کسی که جرم سیاسی سنگین داشته باشد

کیهان
یکشنبه ۹ آذرماه ۱۳۶۵
۳۶ ربیع‌الاول ۱۴۰۷ = ۳۰ نوامبر ۱۹۸۶ = شماره ۱۲۸۹۲

آبان

دوشنبه ۱۵ دیماه ۱۳۶۵
صفحه ۵
شماره ۲۸۸

اسماعیل فدائی
نمایندهٔ مردم سربند اراک

آخرین ناطق قبل از دستور

نماینده مردم در سربند اراک خطاب به بنیاد مستضعفان گفت: بنیاد مستضعفان که خود باید الگو باشد، چرا یکباره حقوق کارمندانش را از چهارهزار و پانصد تومان به پانزده هزار تومان برای دیپلمه‌ها و هجده هزار تومان برای لیسانسیه‌ها بالا برده است؟ و چرا برای راه‌اندازی کارخانهٔ پروتئین لرستان باید از درآمد مستضعفان در آن استفاده کند؟ مگر اراک، اطرافش فقر و فلاکت وجود ندارد؟ همچنین در خصوص خرید کالا از خارج افزود: بنا بود با نظارت مجموعه‌ای از وزرای محترم، تمام خریدها از طریق وزارت بازرگانی انجام صورت پذیرد اما نه تنها نشد، بلکه وضع دفاتر عریض و طویل مختلف در خارج از کشور به نحوی است که ارز فراوانی می‌بلعد و احیاناً غیر از ضررهای مادی، زیانهای معنوی نیز به بار می‌آورند.

به هرنحوی که مصلحت است اقدام فایده‌ای ایرانشکالی ندارد ولی اگر غیر سیاسی و عادی باشد یا مثل این قضیه واهی باشد این شکل جلب کردن و ۴۸ ساعت بازداشت نمودن به هیچ وجه صحیح نیست. ... در اینجا از ریاست محترم مجلس و در راس از حضرت امام روحی‌له الفداء عاجزانه می‌خواهم با قوه قضائیه که حرمت و تقدس مجلس را لوث کرده و ضربه بزرگی را که خواسته دشمنان انقلاب است بر یکی از دستاورد های مهم انقلاب یعنی مجلس زده است این را نگذارند انجام دهد. حضرت امام رهنمود بدهند و ارشاد کنند انشاءالله.

پیام دانشجو
سال چهارم
شماره پنجاه و هشتم
۱۵۰ ریال

با یک قطعه اسکناس صد تومانی چه چیزهائی میشود خرید؟!

راستی هیچ فکر کرده‌اید که وقتی یک اسکناس صد تومانی در جیب دارید، چه چیزهائی میتوانید بخرید؟!

بعبارت دیگر صدتومان چقدر کارآئی دارد؟

اگر تابحال فکر نکرده‌اید، ما بجای شما این کار را کرده‌ایم و برایتان شرح میدهیم.

اگر اتومبیل دارید و کوپن بنزین هم در جیبتان هست میتوانید سی لیتر بنزین معمولی برنید و در صورتیکه اهل بذل وبخشش وانعام دادن نیستید، ده‌تومان هم برایتان باقی میماند. البته با صد تومان بنزین سوپر نمی‌توان زد چون اصولا" بنزین سوپر وجود ندارد. اما با ده تومان باقی مانده میشود دوبار باد چرخها را تنظیم کرد.

اگر خواستید یازدهم درهمین زمینه خدمتی به اتومبیلتان بکنید قادر خواهید بود با صد تومان یک لیتر ضد یخ بخرید لازم به گفتن است که رادیاتور اتومبیل شما حداقل به چهار لیتر ضد یخ نیاز دارد تا در زمستان موتور آن یخ نزند بنابراین یک لیتر ضدیخ کمی شکم رادیاتورتان را ولرم خواهد کرد.

اگر اتومبیلتان اتفاقا" جلو در مکانیکی خاموش کرد، مکانیک احتمالا" حاضر خواهد بود با دریافت صد تومان پنج دقیقه وقتش را تلف کند، اتومبیلتان را روبزیت واحتمالا" اگر عیب اساسی نداشته باشد روشن کند. میگویم جلو در مکانیکی، باین علت است که اگر فقط بفاصله دویست متر با دکان مکانیکی ماشین خاموش شد، مکانیک دیگر با این پولها حاضر نیست بعیادت اتومبیلتان بیاید. درست مثل عیادت بیمار است در مطب پزشک که با عیادت درمنزل زمین تا آسمان تفاوت دارد.

اگر بخواهید اتومبیلتان تمیز بشود، ممکن است کنار خیابان با صد تومان آنرا روشوئی کنند، تمیز کردن داخل اطاق و موتور اتومبیل بعهده‌ٔ خودتان خواهد بود. اگر هوس کردیدنان وپنیر مبل بفرمائید بدانید که با صد تومان میشود ۸۳۳ گرم پنیر اعلای تمریز خرید، ولی پول نان و سبزی‌اش را باید ازجای دیگر تامین کنید.

زبانم لال اگر بخواهید کره‌ٔ باصطلاح شهری بخرید" چون کره‌ٔ قالبی پاستوریزه مدتها است که نایاب است" میتوانید باندازه‌ٔ دویست و پنجاه‌گرم کره‌درفریزرتان جا نگهدارید و یقین داشته باشید که با صدتومان دویست و پنجاه‌گرم جسمی شبیه کره که قدری هم چرب است بشما خواهند داد.

در صورتیکه مایل باشید پولتان را در زمینه‌ٔ مواد گوشتی و پروتئینی بکار اندازید. یک کیلو مرغ آزاد یا سیصد و سی و سه گرم گوشت فیله" البته بی‌استخوان" خواهید توانست بخرید.

همچنین درمورد شیرینی جات یا خرما، صد تومان باندازه‌ٔ یک کیلو ونیم ازاین اجناس قدرت خرید دارد. کاغذ ولوازم التحریر هم ارزان نیست دو تا دفترشصت برگ ویک خودکار را بصدتومان میدهند.

تا چندی پیش با پرداخت صد تومان پنجاه برگ زیراکس یا فتوکپی برایتان میگرفتند اما امروز کاغذزیراکس‌قدرتش‌ازکاغذاستکناس بیشتر شده بنابراین با پرداخت صد تومان بیش‌از بیست وپنج‌برگ فتوکپی برایتان نمیگیرند.

اگر خیال سفر و زیارت دارید، بعضی اتوبوسهای درب و داغان با این‌پول شمارا‌از ترمینال جنوب تا مشهد میبرند. اما بیاد داشته باشید که موقع برگشتن از ترمینال تا منزل باید حداقل دو برابر این پول را کرایه‌ٔ تاکسی بپردازید.

اگر شما خواننده‌ٔ عزیز هم مثل بنده هنگام مطالعه نیاز به عینک دارید و نمره‌ٔ عینکتان بالا رفته لابد لازم است شیشه‌هایش‌را عوض کنید، با صد تومان یکی از شیشه‌های‌عینکتان راعوض میکنند.

دراین‌صورت‌بایدموقع مطالعه چشمی‌را که شیشه‌ٔ عینکش راعوض نکرده‌اید بپندید و فقط‌از چشمی که شیشه‌ٔ عینکش تازه‌است‌استفاده کنید. با این ترتیب هم در خرج کردن پولتان صرفه‌جوئی‌کرده‌اید‌و هم در مصرف چشمتان و بعد ازده سال خواهید دید از چشمی که استفاده نکرده‌اید نو مانده عین جنس"اکبند"که تازه ازلای زرورق درآور ده باشند. دست آخر اگر دلتان نخواست صد تومانتان رادر هیچکدام از راههائی که‌عرض‌کردم خرج کنید لطف کنید "پنج تومان هم‌بآن‌اضافه‌کنید، حالابابپرداخت صد و پنج تومان میتوانید هفت‌ماه مجله فکاهیون بخرید، بخوانید و بخندید. خداحافظ شما.

حسن خروس

سال چهارم

سخنان نماینده کرج

عبدالمجید شرع‌پسند نماینده جدید کرج در مجلس شورای اسلامی دومین سخنران قبل‌از دستور جلسه امروز مجلس‌بود.

وی در ابتدای سخن خود گفت: از مردم کرج انتظار مراقبت، انتقاد و حمایت‌دارم.

وی با اشاره به فرارسیدن پنجاهمین سالگرد شهادت سید حسن مدرس به‌بیان گوشه‌هایی از حیات فردی اجتماعی و سیاسی وی به عنوان الگوی نمایندگی پرداخت و گفت: بویندگان راه شهدا بایدهشیار باشند تا مشتی فرصت طلب و ریاست‌پرست و بنده دنیا توطئه و کارشکنی و تهمت‌و دروغ براین ملت مسلط نشوند آنان که در تقسیم کارهمیشه کار های آب و نان دار وسهل وساده وگرم‌و نرم‌وشهرت‌آور پشت جبهه را برای خود و فرزندان وابستگان‌وعمله‌واکره می‌خواهند و جبهه و جنگ‌و معلول و مجروح شدن و گرسنگی‌و محرومیت را برای دیگران و اگر روزی هم‌برای عوامفریبی و ریا وخودنمایی‌و از روی درماندگی سری به جبهه‌ها بزنند، در حالی که دهها کیلومتر از جبهه جنگ بدور هستند، در کنار تانکی ایستاده و عکس می‌گیرند که در شهرها هنگام برخورد با مشتریان نا آگاه دکان خود آنان را فریب دهند که ما هم مرد جنگیم و به جبهه می‌رویم.

کیهان
یکشنبه ۹ آذرماه ۱۳۶۵
۳۷ ربیع‌الاول ۱۴۰۷
۳۰ نوامبر ۱۹۸۶ - شماره ۱۲۸۹۲

تشدید بمباران شهرها ومناطق مسکونی

در بهمن ماه با تشدید جنگ امپریالیستی ایران و عراق، بار دیگر تاکتیک وحشیانه و جنایتکارانه "جنگ شهرها" در ابعادی وسیع بکار گرفته شد و درنتیجه شهرهای بسیاری تحت بمبارانهای شدید و وحشیانه قرار گرفتند و عده زیادی از مردم ستمدیده به شیوه‌ای قساوت آمیز قربانی این جنگ امپریالیستی گشتند، و یا در سرمای طاقت فرسای زمستان خانه وکاشانه خود را از دست داده و آواره روستاها و بیابانهای اطراف شهرهای بمباران شده گردیدند. آمار کشته‌ها و زخمیهای این بمبارانهای وحشیانه علیرغم کوشش جمهوری اسلامی برای کم جلوه دادن آن بی اندازه زیاد بوده و بیانگر ابعاد جنایتی است که به این وسیله بر خلقهای ستمدیده ما تحمیل گردیده است.

تاکنون شهرهای بسیاری در دو کشور آماج این حملات قرار گرفته‌اند و کودکان و دانش‌آموزان بسیاری، وحشیانه قربانی اهداف پلید امپریالیستها و سگهای زنجیریشان در این جنگ ویرانگر شده‌اند.

ما بار دیگر ضمن محکوم کردن جنگ امپریالیستی ایران و عراق و بویژه تاکتیک جنایتکارانه "جنگ شهرها" یعنی بمباران شهرها و مناطق مسکونی از سوی دو طرف درگیر و به هر بهانه که صورت گیرد وضمن آنکه به بستگان و خانواده‌های قربانیان این بمبارانهای وحشیانه بار دیگر ابراز همدردی قلب تسلیت میگوئیم اعلام میکنیم که تنها راه خاتمه دادن به این جنگ ویرانگر گسترش مبارزات توده‌ها بر علیه جنگ در جهت رشد و گسترش جنگ انقلابی خلقها بر علیه این جنگ امپریالیستی است.

"جنگ شهرها" در ضمن بیانگر سیاستهای ارتجاعی رژیمی است که بجای دفاع از شهرها و ایجاد پناهگاه برای مردم بیدفاع بیشرمانه ساختن پناهگاه را بر عهده خود مردم گذاشته وهمچنان در جهت منافع امپریالیسم بر طبل جنگ میکوبد و عربده‌های پیروزی قریب الوقوع سر میدهد. رژیمی که بنا به ماهیت ضدمردمی‌اش هیچ مسئولیتی در مقابل حفظ جان و اموال مردم برای خود احساس نکرده و همچنان توده‌ها را قربانی منافع و مطامع اربابان امپریالیستش در این جنگ ویرانگر نموده است.

درجریان دوره جدید "جنگ شهرها" شهرهای بغداد، بصره، سلیمانیه، خانقین، زورباطیه، چوارته، اماره، علی غربی و... از سوی جمهوری اسلامی و شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم، کرمانشاه، سنندج، شیراز، اراک، ارومیه، دزفول، سقز، همدان، ایلام، خرم‌آباد، دورود، ملایر، تویسرکان، بانه، کاشان، خمین، اهواز، ماهشهر، میاندوآب، دهلران، سوسنگرد، تفرش، آشتیان، پل دختر، بروجرد، قروه، زیوه، مریوان، رودبار، مهاباد، پیرانشهر و... از سوی عراق بطور متوالی و تقریبا هر روز بمباران گردیدند.

در جریان این بمبارانها خسارات زیادی به مردم وارد شد و برای نمونه در مهاباد [میدان حیوانات معروف به میدان خمینی] شدیدا بمباران گردید و حدود ۶۰۰ کشته بجای گذاشت و یا در تبریز بمباران خیابان شهناز یعنی یکی از شلوغترین مناطق شهر حدود ۷۰۰ کشته بجای گذاشت در میانه و ارومیه بمباران مدارس فجایع جدیدی آفرید.

لازم به تذکر است که بعضی از شهرهای غرب در طی یکروز چندین بار بمباران شده‌اند و در برخی از شهرها مردم به مامورین دولتی اجازه ندادند که در کار کمک رسانی و انتقال کشته شدگان و مجروحین دخالت نمایند و خود رأسا همه اقدامات لازم را انجام دادند در بعضی از شهرها مردم برعلیه جنگ به تظاهرات برخاستند و بر علیه رژیم و سیاستهای ارتجاعی‌اش شعار دادند بر اکثر شهرها اهالی مجبور به تخلیه شهر شده و در سرمای طاقت فرسای زمستان آواره روستاها و بیابانهای اطراف گردیدند. در شهرهائی اراذل و اوباش از موقعیت پیش‌آمده استفاده کرده و اموال مردم را غارت نمودند و در بعضی از شهرها مامورین دولتی از ترس خشم مردم در هنگام بمبارانها و بعد از آن از حضور در ملاء عام و جلوی چشم مردم خشمگین خودداری ورزیده و در سوراخهای خود خزیدند. ما بار دیگر ضمن محکوم کردن بمباران مناطق مسکونی به هر بهانه و از سوی هر طرف مردم مبارز ایران را دعوت میکنیم که هر چه وسیعتر به جنبش ضد جنگ پیوسته و صدای اعتراض خود را به هر شکل ممکن بر علیه جنگ ویرانگر و خانمانسوز بلند کنند و اجازه ندهند که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بیش از این برای حفظ منافع اربابان امپریالیستش آنانرا قربانی جنگ امپریالیستی نماید. واقعیت ۷ ساله جنگ کنونی بروشنی نشان داده است که تنها راه پایان دادن به این جنگ امپریالیستی برای مردم ما نابودی رژیم مزدور جمهوری اسلامی وقطع نفوذ امپریالیستها در ایران است.

ما در زیر در میان گزارشاتی که در رابطه با بمباران شهرها به دستمان رسیده مبادرت به درج چند گزارش کوتاه مینمائیم.

الف- شهر کرمانشاه در جریان بمبارانهای اخیر:

بدنبال بمباران شهر کرمانشاه، مردم این شهر به روستاها و مراکز اطراف شهر و یا به شهرهای دیگر بخصوص سنندج روی آوردند. رژیم مزدور خمینی با استقرار نیروهای سرکوبگرش

←

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال اول
شماره ۷ – بهمن ۶۵

اخبار...

در نقاط خروجی شهر، کوشید از خارج شدن مردم بیدفاع که تنها راه نجات خود را خروج از شهر میدانستند جلوگیری کند؛ اما علیرغم تمامی این تمهیدات، با خروج بخشی از اهالی، شهر حالت عادی خود را از دست داد و اغلب ادارات و موسسات دولتی نیز تعطیل شدند.

رژیم از ترس گسترش مبارزات ضد جنگ توده‌های بجان آمده، اجازه تشییع و تدفین قربانیان بمبارانها و کشته شدگان در جبهه را به خانواده‌های آنان نمیدهد، اخیرا نیز گروهی از مردم جنگزده این شهر که بر اثر بمبارانهای وحشیانه مجبور به ترک شهر شده‌اند در مقابل بنیاد امور جنگزدگان تهران دست به اعتراض زدند و شعارهایی علیه رژیم و جنگ ارتجاعی سردادند. مزدوران جمهوری اسلامی در ابتدا سعی کردند که با سخنرانی و وعده وعیدهای توخالی مردم را فریب داده و به این اعتراض خاتمه دهند اما هنگامیکه بر اثر آگاهی و مقاومت مردم این حیله آنان کارساز نیفتاد، با فراخواندن مزدوران کمیته‌چی بزور اسلحه و تهدید به دستگیری موفق شدند اعتراض کنندگان را متفرق سازند.

ب – گزارشی از سنندج :

شهر سنندج در شرایطی آماج هواپیماهای عراقی قرار گرفت که عده زیادی از مردم کرمانشاه به این شهر پناه برده، و مورد حمایت اهالی مبارز و قهرمان شهر سنندج قرارگرفته بودند.

ساعت ۴/۵ روز یکشنبه ۲۸ دیماه، محلات مختلفی از شهر سنندج بوسیله هواپیماهای عراق وحشیانه بمباران گردید. در این حمله هوائی محلات چهارباغ و فیض‌آباد، خیابان ادب و خیابان ژاندارمری بمباران شدند که موجب کشته و مجروح شدن عده زیادی از اهالی گردید و خانه و کاشانه بسیاری از مردم ویران گشت. در پی بمباران شهر، مردم از همه جا بسوی محلات بمباران شده روی آوردند و اقدام به خارج نمودن کشته‌ها و زخمیها از زیر آوار و ویرانیها و دفن کردن کشته‌شدگان نمودند، در تمام اقدامات فوق، مردم خود پیشقدم بوده و حتی گاها اجازه دخالت به مزدوران رژیم را نمیدادند. مردم ستمدیده سنندج که در ادامه جنگ امپریالیستی ایران و عراق، بارها مورد هجوم هواپیماهای عراقی قرار گرفته‌اند، اینبار نیز با خشم و نفرت بر علیه رژیم مزدور خمینی و جنگ امپریالیستی دست به اعتراض زده و با شعارهای خود نفرتشان را نسبت به جنگ و رژیم آشکار ساختند. این اعتراضات در محله‌ٔ پیر محمد و در مقابل بیمارستانها صورت پذیرفت. مزدوران رژیم برای کنترل توده‌ها و از ترس گسترش این اعتراضات تعداد زیادی از نیروهای سرکوبگر را در مقابل بیمارستانها مستقر ساختند. در جریان این اعتراضات در محله پیر محمد ۳ تن از پاسداران مزدور مستقر در شهربانی توسط توده‌های مردم به هلاکت رسیدند و یکی از ماشینهای مزدوران رژیم که با چند سرنشین از آن محل عبور میکرد مورد حمله مردم خشمگین قرار گرفت و واژگون گشت، اما سرنشینان آن توانستند جان سالم بدر برده و از چنگ مردم بگریزند. در چند نقطه شهر نیز دانش‌آموزان بر علیه رژیم و جنگ تظاهراتی بر پا کردند. در خیابان ۱۷ شهریور در جریان تظاهرات وقتی مزدوران سرکوبگر با مقاومت دانش‌آموزان و مردم مواجه گشتند، بدون آنکه بتوانند کاری انجام دهند، مجبور به ترک آن محل گردیدند.

اکنون شهر سنندج تقریبا بحالت تعطیل کامل درآمده است و بجز چند مغازه نانوایی، بقیه مغازه‌ها و ادارات و موسسات دولتی و مدارس و غیره تعطیل شده، مردم سنندج نیز مانند اهالی بقیه شهرهای بمباران شده در این هوای سرد زمستان مجبور به ترک شهر شده‌اند و به روستاها و کنار جاده‌ها و شرکتهای ساختمانی نیمه‌تمام مجاور شهر پناه برده و در آنها اقامت نموده‌اند.

←

از صفحه ۲۶

در سنگر بود سیادتی

خانها و سردارها را دید و نفرت ورزید
سرمایه‌داران را دید و کینه اندوخت
و سبیلش هنوز سایه نینداخته بود
که فریاد زد مرگ بر امپریالیسم
و با رژیم خونخوار درآویخت سیادتی

■■■

چون شهاب به قلب دشمن میزد
و چون گوزنی چالاک از دید میگریخت
هنگامیکه هنوز دو دا سلحه‌اش در هوای
سحر تاب میخورد
آتش تندر بود سیادتی

■■■

در کوی زیبا، در شهباز
دوشادوش همسر رزمنده‌اش جنگید
و چون در سنگر نشست
همسرش را شهید یافت سیادتی

■■■

در پمپ بنزین شهباز جنگید
و مسلسل ماشینهای کشتی را غربال کرد
در خیابان فرصت فریاد زد "زنده باد خلق"
و در گلوله‌های جاسوسان آتش گشود.
با نگ ملی زنجان را محاصره کرد
و در قیام بهمن تفنگش در انبوه تفنگهای
خلق به گردش درآمد
به مرکز گشتی های پلیس یورش برد
فرمانده یورش بود سیادتی

■■■

آنگاه در میدان ارک سنگر گرفت
و در رگبار گلوله‌ها چرخید و در خون نشست
سیادتی
شهید بیست و دوم بهمن
اولین فدائی شهید بر دروازه‌های قیام
شهیدی که خونش چون پرچمی سرخ
روی دریای مشت گره‌خورده کارگران در
اهتزاز است

■■■

۲۹ بهمن سال ۵۲ رفقا خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان پس از آنکه بیدادگاههای شاه را به صحنه محکومیت رژیم وابسته تبدیل کردند دد منشانه به جوخه‌های اعدام سپرده شدند

یادشان گرامی و راهشان رهرو باد

اخبار...

خشم و نفرت توده‌های شهر از رژیم مزدور خمینی و جنگ امپریالیستی به حدی است که مزدوران رژیم جرئت ظاهر شدن در نقاط تجمع توده‌ها و برخی محلات شهر را ندارند. در بعضی نقاط که مزدوران رژیم برای آرام ساختن توده‌ها به توزیع نفت پرداختند با اعتراض وسیع مردم مبارز و پرشور شهر روبرو گشتند و یا زمانیکه میخواستند اجساد قربانیان را با بولدوزر در گودالهایی که درقبرستان شهر کنده بودند بریزند با اعتراض شدید مردم نسبت به این اقدام کثیف مواجه گشتند و اهالی، مزدوران را مجبور به ترک قبرستان نمودند.

جمهوری اسلامی آمار کشته‌شدگان این بمبارانهای وحشیانه را درسنندج ۲۳۵ نفر و مجروحین را ۲۵۵ نفر ذکر کرده اما طبق اخباری که تاکنون به دست ما رسیده حداقل تاکنون ۲۵۰۰ نفر از اهالی بیدفاع شهر سنندج قربانی جنگ ویرانگر امپریالیستی گشته‌اند.

در جریان این بمبارانها تاکنون دوبار اهالی شهر بر علیه جنگ تظاهرات کرده و حداقل ۸ مزدور رژیم را بهلاکت رسانده‌اند.

تبریز
در بمبارانهای اخیر:

در هفته‌های اخیر شهر تبریز در اثر بمبارانهای پی درپی چهره خاصی بخود گرفته است. بوی مرگ و خون در تمامی شهر پیچیده و دیگر از آن جنب وجوش همیشگی خبری نیست. بعضی از نقاط شهر به ویرانه‌ای تبدیل گشته و پیر و جوان سیاهپوش و عزادارند. حتی کودکان نیز بوی مرگ و خون را احساس میکنند و اینرا در فریادهای دلخراش خود بوضوح تمام نشان میدهند چراکه صدای آژیر و انفجار خمپاره‌ها لبخند زندگی را از لبانشان محو ساخته است. در جریان بمبارانهای اخیر محدوده پالایشگاه و کارخانه تراکتورسازی و نیروگاه برق که قرار بود بزودی شروع بکار کند شدیدا آسیب دیدند و عده‌ای از کارگران و کارکنان آنها نیز جزء قربانیان این جنگ لعنتی میباشند. خیابان شهناز و چهارراه سیروس که از پرررفت و آمد ترین مراکز شهر میباشد، وحشیانه بمباران شده‌اند بطوریکه تا چند روز جمع‌آوری اجساد طول کشید و تاکنون تنها از چهارراه سیروس و اطراف آن ۷۵۰ جسد شناخته شده و به خانواده‌هایشان تحویل گردیده است.

در یک سالن کنفرانس که تعداد زیادی از پزشکان و کادرهای درمانی در آن جلسه گذاشته بودند بر اثر بمباران حدود ۱۵۰ نفر کشته ومجروح شده‌اند.

این ارقام وحشتناک بروشنی علت وحشت و ترس حاکم بر تمامی شهر را آشکار میسازد چراکه با هر صدای آژیر خطری مردم احساس میکنند که ناقوس مرگ نواخته میشود و لحظه وداع با عزیزان فرا رسیده است. بهمین دلیل با صدای هر آژیر خطری مردم به تکاپو میافتند تا جان خود و عزیزانشان را به هر قیمتی که شده نجات دهند و از آنجا که از پناهگاه خبری نیست بخشی از مردم، شهر را تخلیه کرده‌اند و به شهرهای دیگر و یا به روستاها پناه برده‌اند و آنهایی که چنین امکانی را نداشته‌اند در این سرمای زمستان به اطراف شهر و زیر پلها پناه برده و در نتیجه جاده‌های تبریز به تهران، سلماس و مهاباد، منزلگاه انبوهی از اهالی زحمتکش شهری گشته و خانواده‌هایی نیز از سر لاعلاجی به زیرزمینهایی که خود نیز بخوبی میدانند که در مقابل بمبهای هوشمند پناهگاهی نیست پناه میبرند. درمیان مردمی که به شهرهای دیگر رفته‌اند عده‌ای نیز به شهر میانه رفته‌بودند تا از بمبارانهای وحشیانه در امان باشند اما انگار که مردم هر کجا بروند مرگ نیز بدنبالشان روان است چراکه با بمباران میانه عده‌ای از اهالی تبریز نیز قربانی این جنایت وحشیانه گشتند. ازدحام مردم برای خروج از شهر باعث افزایش شدید کرایه وسایل نقلیه عمومی گردیده است بویژه که بنزین نیز کوپنی شده و بقیمت گرانی در بازار آزاد خرید و فروش میشود در نتیجه کرایه هر نفر از تبریز به مراغه به بیش از ۵۰۰ تومان رسیده است.

موج انفجارها شیشه بسیاری از منازل را شکسته است و مردمی که صبحها از شهر خارج میشوند و سرمای بیابان را تحمل میکنند زمانیکه شبها برای استراحت به منزل بازمیگردند با نبودن شیشه و سرمای شدید با مشکلات زیادی مواجه میشوند و البته این تنها مشکل نیست چراکه بعضی از خانواده‌ها در بازگشت به منازل خود دیگر وسائل قابل توجهی در خانه خود نخواهند داشت چراکه اراذل و اوباش که عده‌ای از آنها با پاسداران مزدور

"۱ - ما برای خلق کرد حق تعیین سرنوشت و حق جدائی قائلیم.

۲ - برای تحقق حق تعیین سرنوشت و حق جدائی برای خلق کرد شرایط دمکراتیک جهت بیان اراده آزاد توده‌های خلق کرد لازم است.

۳ - برای ایجاد شرایط دمکراتیک مطمئن جهت تجلی اراده خلق کرد در تعیین سرنوشت خود، درهم‌شکستن قدرت دیکتاتوری امپریالیستی و مناسبات اجتماعی وابسته نه تنها درکردستان بلکه در سراسر ایران لازم است.

۴ - برای درهم‌شکستن دیکتاتوری امپریالیستی و برانداختن مناسبات اجتماعی وابسته، همانطور که خلق کرد بیش از ۴ سال است با تجربه خود آنرا درک میکند، تنها راه یک جنگ توده‌ای طولانی است.

۵ - به نسبت آنکه سرزمین کردستان از وجود نیروهای سرکوبگر امپریالیستی پاک میشود، باید با برانداختن مناسبات کهن و برقراری قدرت توده‌ای بر اساس روابط دمکراتیک نوین، نطفه‌های حکومت خودمختار آینده کردستان را بصورت دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان کردستان ریخت."

(از: موضع ما درقبال مسئله ملی در ایران بطورکلی ودرکردستان بطور مشخص)

اخبار ...

نیز در ارتباط میباشند از شرایط پیش‌آمده استفاده کرده و اموال مردم را بسرقت میبرند.

در جریان بمباران‌ها، مغازه‌ها تعطیل شده و بازار از جنب و جوش میافتد و در نتیجه تهیه مایحتاج اولیه مورد نیاز مردم به سختی امکانپذیر میگردد. قیمتها شدیدا بالا رفته و بعضی از اجناس کمیاب میشود و در نتیجه بار جدیدی بردوش زحمتکشان افزوده میشود. اهالی شهر نه تنها باید با مرگ ونیستی دست به‌گریبان باشند بلکه باید با گرانی وگرسنگی و آوارگی نیز مقابله نمایند.

از آنجا که وحشت از بمباران‌ها و تاثیرات موجهای انفجاری تعادل روانی عده‌ای را از بین برده است این مسئله نیز به مشکلات بعضی از خانواده‌ها افزوده گشته و پرستاری از این نوع بیماران در این شرایط آوارگی و دربدری به مشکلی بزرگ تبدیل گردیده است.

این مصائب نفرت و انزجار مردم را از جنگ صد چندان نموده و اهالی شهر با تمام وجود خشم و نفرت خود را از رژیم و جنگ امپریالیستی نشان میدهند.

اینها تصویر کوچکی از زندگی فلاکتبار، در شرایط بمباران و "جنگ شهرها" در کشور ماست، شهرهائی که آتش جنگ خانمانسوز و امپریالیستی ایران و عراق بر تمام جوانب حیات اجتماعی آن سایه افکنده و شاید بتوان گفت که زبان خود توده‌های زحمتکش، واقعیت و ابعاد آنرا از هر نوشته و گزارشی بهتر بیان میکنند.

نمونه زیر گویای روحیه این مردم است. روحیه مرگباری که توسط یک ایرانی و در قسمتی از نامه‌ای که برای دوستانش نوشته، اینچنین تصویر شده است:

" و اینک با فرا رسیدن شب، گسترش تاریکی در عرصه خوف و وحشت برای مردم فرا میرسد و شب بهمراه خود بوی مرگ را به ارمغان میاورد. وحشت نه از مرگ بلکه از چگونه مردن؟ و چرا مردن؟

در این یکنواختی زندگی، بمباران و مرگ و کشتار برای مردم بعنوان یک تنوع درآمده است و اما چه تنوع رجزآوری که زندگی را از حالت یکنواختی به قهقرای بدبختی سوق میدهد. آری در اینجا مرگ را بشکلی فجیع به توده‌ها تحمیل میکنند و مرگ هر لحظه ممکن است بعنوان میهمانی ناخوانده آنهم در شبانگاه ظلمت میهمان تو شود و یا بهتر بگوئیم تو را میهمان کند و چه مرگی؟!!"

اخبار ایران

★ - رژیم مزدور خمینی برای تامین هزینه‌های جنگ امپریالیستی و ویرانگر از کیسه مردم از هیچ کوشش و تلاشی در سرکیسه کردن توده‌ها فروگذاری نمیکند و هر روز به راه و شیوه جدیدی توسل میجوید. درهمین رابطه علاوه بر اخاذیهای گوناگون و متنوع و منجمله جریمه‌های ساختمانی، اخیرا حیله جدیدی را بخدمت گرفته است که طی آن و در رابطه با احداث واحدهای مسکونی، عوارض تازه‌ای بنام عوارض پذیره، از مردم اخذ میکند.

★ - براثر تداوم جنگ امپریالیستی و تاثیرات مخرب آن میزان تولید پالایشگاههای کشور به حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است. درحالیکه فرآورده‌های نفتی و سوختی مورد نیاز مردم، بیش از یک میلیون بشکه در روز میباشد.

★ - بدنبال وقوع زلزله در نواحی بندرلنگه و ممسنی، چندین روستا آسیب دیده و مردم این مناطق درفصل سرما، بدون سرپناه مانده‌اند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که همه چیز را در خدمت جنگ قرار داده است و بیش از $\frac{2}{3}$ بودجه کشور را به جنگ ارتجاعی اختصاص داده، تاکنون هیچگونه کمکی به توده‌های محروم و زلزله‌زده ننموده است.

★ - صدها تن از خانواده‌های زندانیان سیاسی، در اعتراض به شکنجه و فشارهای وارده بر فرزندانشان در مقابل دادستانی رژیم جمهوری اسلامی دست به اعتراض زدند. این اعتراض که چند ساعت بطول انجامید، در روز ۶۵/۱۰/۲۵ صورت گرفت. بدنبال این تجمع اعتراضی و حمایت مردم از آن، مزدوران رژیم وحشت زده شده و از ترس گسترش این مبارزات سریعا به مقابله با آن برخاستند. در ابتدا مزدوران رژیم کوشیدند تا از طریق مزدوری بنام انصاری، خانواده‌های زندانیان را بفریبند. ولی هنگامیکه با اعتراض و افشاگری خانواده‌های مبارز زندانیان سیاسی مواجه شدند، چندین اتوبوس مملو از پاسداران را روانه محل مذکور نمودند. این مزدوران با یورش به خانواده‌ها و به منظور ایجاد رعب ووحشت، تعدادی از خانواده‌های معترض را دستگیر کرده و چشم بسته به زندان اوین بردند. بعدا تعدادی از این خانواده‌ها آزاد شدند. از سرنوشت بقیه دستگیرشدگان اطلاعی در دست نیست.

با ما مکاتبه کنید

خوانندگان مبارز "پیام فدائی"

برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به‌شما تکیه داریم. نظرات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکوشید با مکاتبه با نشریه رابطه هرچه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به‌توده‌ها و به مجموعه هوادارانش متکی باشد.

اخبار...

★ ـ بدنبال اعتراض و مقاومت قهرمانانهٔ زندانیان سیاسی درزندان اوین، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، شکنجه و سرکوب زندانیان سیاسی را تشدید نموده است. واخیرا لاجوردی جنایتکار مجددا اما بطور غیر رسمی در زندان اوین مشغول به انجام وظیفه جلادیش گردیده است.

★ ـ جبهه‌های جنگ امپریالیستی اکنون شاهد اعتراض و مقاومت دانش‌آموزان گردیده ودانش‌آموزان خواستار آنند که در جبهه‌های مرگ و نیستی قربانی نشوند و به کلاسهای درس و زندگی خود بازگردند. در این میان رژیم نیز به آنان اعلام کرده که در صورتی که برگ تسویه حساب نداشته باشند، به مدارس راه داده نخواهند شد. در گردان امام حسین که اکثریت تشکیل دهندگان آن دانش‌آموزان هستند، در خواست برگه تسویه حساب بعد وسیعی یافته و مزدوران رژیم مجبور شدند برای مقابله با این وضعیت، به محللین قول مرخصی بدهند. اما دانش‌آموزان ضمن سر دادن شعار: "ما مرخصی نمیخواهیم، یا مرگ یا تسویه" دست به اعتراض زدند. ازسوی دیگر بنا به گفته جلال نوریه، مدیر کل آموزش و پرورش مازندران، درحال حاضر با دایر شدن مجتمعهای آموزشی در خطوط مقدم جبهه، طبق آخرین آمار ۵ هزار دانش‌آموز در این مجتمعها در حال تحصیل هستند.

★ ـ تلاشهای رژیم مزدور خمینی جهت اعزام اجباری توده‌ها به جبهه‌های جنگ امپریالیستی ایران و عراق همچنان با شیوه‌ها و ترفندهای گوناگون ادامه دارد و اخیرا بنیاد امور مهاجرین جنگی وقیحانه اعلام کرده است که کلیه آوارگان و مهاجرین جنگی برای اعزام به جبهه‌ها آمادگی کرده‌اند!! همچنین مسئولین آموزش و پرورش استان تهران در سمینار رؤسای ستاد جنگ آموزش و پرورش اعلام کرده‌اند که دانش‌آموزان پسر دبیرستانها و مدارس راهنمائی تهران و حومه در روزهای ۱۲ تا ۲۲ بهمن به جبهه‌ها اعزام میشوند و یا اینکه رژیم بار دیگر دست به فراخوان مجدد مشمولین سالهای ۴۸ تا ۴۶ زده و به کلیه مراکز و ارگانهای بسیج اعلام نموده که تا ۱۵ بهمن اقدام به ثبت نام اجباری جوانان نمایند. درهمین رابطه، رژیم کارکنان و کارمندان ادارات و مراکز خدمات اجتماعی و درمانی از جمله شرکت مخابرات، شرکت نفت، بیمارستانها، مطبها و دانشگاه را تحت فشار قرار داده تا روانه جبهه‌های جنگ ارتجاعی وضدخلقی گردند.

★ ـ از طرف سازمان برنامه و بودجه رژیم فاش شده است که بخش خدمات بیش از پیش متورم شده و نزدیک به ۱۰۰۰ میلیارد تومان نقدینگی در این بخش، در دست سرمایه‌داراتی وجود دارد که با احتکار و دلال بازی عمل میکنند. در شرایط رشد روزافزون فقر و تنگدستی وبیکاری توده‌های ستمدیده این آمار بروشنی فاصله عظیم فقرا و اغنیا را در جمهوری اسلامی آشکار میسازد.

★ ـ روستائیان بخش آسارای کرج که فاقد برق هستند و درسرمای زمستان نیز هیچگونه سوختی از دولت دریافت نداشته‌اند، شدیدا تحت مضیقه قرار دارند و روستائیان این بخش میگویند که از اوایل مهرماه تاکنون تنها یک شماره کوپن نفت به میزان ۴۰ لیتر در منطقه داده شده که حتی کفاف سوخت یک سماور را طی اینمدت نمیکند.

★ ـ اخاذی از توده‌ها به بهانه‌های مختلف همچنان ادامه دارد، اخیرا از کارگران کارخانه دندی زنجان مبلغ ۲۴۰ هزار ریال، ازکارگران وکارکنان کارخانه چرم گیلان بیش از ۵۰۰ هزار ریال و از کارخانه سیمان لوشال حدود ۵۸۰ هزار ریال، رژیم خمینی به بهانه کمک به سیلزدگان و یا جبهه‌های جنگ اخذ نموده است.

★ ـ میرحسین موسوی اعلام کرده است که ۶۵٪ درآمدهای دولتی در ۹ ماه اول سالجاری از طریق مالیات بدست آمده است. این در حالی است که به گفته همین مزدور درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۵۶، فقط ۱۰٪ بوده است. این آمار بخوبی نشانگر شدت فشارهای مالیاتی را بر گرده توده‌های رنج کشیدهٔ میهنمان میباشد.

★ ـ اخیرا انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف تهران ازدانشجویان خواسته است که کلاسهای ترم آینده را معوق گذاشته و روانهٔ جبهه‌ها شوند. همچنین به دانشجویان دختر دانشگاه آزاد ابلاغ شده است که فرط ادامه تحصیل گذرانه‌ن سه ماه در جبهه‌ها میباشد. در رابطه با سیاست سربازگیری رژیم، شهرداریها نیز موظف شده‌اند که سهمیه‌ای احباری جهت اعزام به جبهه‌ها تعیین کنند. آموزش وپرورش کلیه استانهای کشور نیز موظفند سهمیه اجباری تعیین‌شده که فقط از تهران ۱۴۵۰۰ دانش‌آموز میباشد را روانه جبهه‌های مقدم جنگ امپریالیستی نمایند.

★ ـ کمبود و جیره‌بندی مواد سوختی و از جمله نفت و گازوئیل، به وسیله‌ای برای تشدید فشار به کارگران تبدیل شده است. برای نمونه درشرکت "ایران پلاسکو" بعلت جیره‌بندی گازوئیل توسط مدیر عامل ضد خلقی، هوای سالن کار کارگران فوق العاده سرد شده و نه تنها بخاریها، که هواکشهای سالنها نیز ازکار افتاده است و کارگران زحمتکش این شرکت در یک هوای آلوده و غیربهداشتی و سرد به کار توانفرسا مشغولند و در نتیجه در معرض انواع بیماریهای خطرناک قرار دارند.

★ ـ در تهران علیرغم شدت سرما، در بسیاری از مواقع برق نیست واکثر

←

کار باشیخ، حریفان به مدارانشود
نشود یکسره، تایکسره رسوا نشود

عارف قزوینی
شاعر و ترانه سرای آزاده

اخبار...

مردم زحمتکش برای کرم کردن خانه‌هایشان مجبورند هر لیتر نفت را در بازار سیاهی که در کنترل دولتمردان ضد خلقی جمهوری اسلامی است به قیمت هر لیتر هفت تومان بخرند.

★ - با بمباران مداوم و پی درپی قم، مردم این شهر مجبور به ترک آن شده و اکثرا به سمت تهران میآیند. در نتیجه کرایه ماشینهای قم - تهران که در شرایط عادی معمولا حدود ۲۵ تومان بود، به ۵۰۰ تومان برای هر نفر رسیده است.

سردشت :

★ - یورشها و فشارو تضییقات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای تحقق سیاست ارتجاعی تسلیح اجباری درکردستان همچنان ادامه دارد. اخیرا در ناحیه سردشت مزدوران رژیم به روستاهای "گل کند"، "کانی زرد" و "ورده" یورش بردند و از مردم خواستند که با اسلحه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برعلیه جنبش و پیشمرگان خود مسلح شوند. این مزدوران ضمن تهدید و ارعاب، ۵ نفر از روستای "گل کند"، ۳۰ نفر از روستای "کانی زرد" و ۷ نفر از روستای "ورده" را بزور مسلح نمودند تا باصطلاح به حفاظت و نگهبانی از روستاها بپردازند. اما این مزدوران غافل از آنند که خلق کرد همچنان که تاکنون نشان داده است هرگز اسلحه رژیم ضد خلقی را بدست نگرفته تا آنرا بسمت فرزندان دلاورش نشانه رود و اینگونه تلاشهای مذبوحانه رژیم جمهوری اسلامی خللی در امر پشتیبانی خلق کرد از فرزندان پیشمرگش ایجاد نخواهد کرد. در یورش دیگری که مزدوران به منطقه "باسک کولوسه" سردشت نمودند، تعدادی از جوانان این روستاها را دستگیر و روانه پادگانها نمودند که تعدادی از جوانان دستگیر شده در اولین فرصت موفق به فرار از پادگانها شده و به روستاهای خود بازگشتند. همچنین مزدوران رژیم در منطقه آلان سردشت به تبلیغات فریبکارانه‌ای دست زدند، مبنی بر اینکه هر کس خود را برای سربازی معرفی نماید، در منطقه خودش خواهد ماند و روانه جبهه‌ها نخواهد گردید و با این حیله مزدوران رژیم توانستند تعدادی از جوانان روستای بزوه را فریب داده و بخدمت سربازی بکشانند.

★ - در تاریخ ۶۵/۱۰/۲۵ مقر جاشها و پاسداران درروستای "آلواتان" سردشت، بعلت واژگون شدن بخاری دچار آتش‌سوزی شد. شدت آتش‌سوزی بحدی بود که ۴ قبضه کلاشینکوف و یک قبضه ژ-۳، ۲ صندوق فشنگ کلاشینکوف، ۲ صندوق مین ضد نفر و ۲ صندوق نارنجک دستی این مزدوران طعمه حریق گشته و منفجر گردید. ساختمان مقر این مزدوران در اثر این آتش‌سوزی و انفجار بکلی منهدم گشت.

★ - درحالیکه کمبود ابتدائی‌ترین مایحتاج زندگی در سراسر ایران و بخصوص در کردستان بیداد میکند، رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، مدت ۶ ماه است که از توزیع برنج در سردشت خودداری کرده است. مردم فقیر و محروم این شهر، علیرغم داشتن کوپنهای مخصوص برنج، هنوز در اینمدت رنگ سهمیه برنج را بخود ندیده‌اند.

★ - درروستای "برده‌سور" سردشت، بین دوگروه از مزدوران محلی رژیم، درگیری رخ داد که منجر به کشته شدن ۲ نفر گردید. این درگیری هنگامی آغاز میشود که جاشها و پاسداران مستقر در پایگاه "نالوس" به منظور آزار و اذیت مردم به روستای فوق یورش میبرند و اموال برخی از روستائیان را به بهانه همکاری با پیشمرگان غارت و مصادره مینمایند، اما بر سر تقسیم اموال غارت شده، با یکدیگر درگیر میشوند.

★ - در تاریخ ۱۴ بهمن ماه ساعت ۱۰ صبح رژیم وابسته بامپریالیسم جمهوری اسلامی، از پایگاه جاسوسان روستای "سونی" راخمپاره باران نمود که در نتیجه یکی از اهالی روستای "کیوه‌رو" بنام رسول بشدت زخمی گردید.

★ - با تشدید سربازگیری وتسلیح اجباری جمهوری اسلامی، در روستاهای سردشت، بسیاری از جوانان روستاهای "احمدبربو"، "برده‌سور" و "بوبانه" تن به این سیاست ارتجاعی نداده و با فرار از دست مزدوران رژیم، حاضر به برداشتن اسلحه رژیم بر علیه خلق کرد و یا قربانی شدن در میدانهای جنگ امپریالیستی ایران و عراق نشده‌اند.

سنندج :

★ - اخیرا مزدوران رژیم در یکی از میادین شهر سنندج، چند نفر را به اتهام دزدی در ملاء عام شلاق زدند. تا باصطلاح "حدشرعی" را در مورد آنان اجرا کرده باشند.

★ - مزدوران رژیم چندی پیش با یورش به روستای "گرجو" در "چم شار" سنندج، از اهالی خواستند که مسلح شده و در سپاه مهدی به جبهه‌های مرگ و نیستی بروند. اما اهالی روستا مقاومت نموده و تک تک اقدام بخروج از تجمع آبادی و مزدوران رژیم که در روستا بوجود آورده بودند، نموده و مزدوران را بحال خود رها میکنند. اما چند روز بعد بار دیگر سرکوبگران جمهوری اسلامی به آن روستا مراجعه کرده و اینبار چهل نفر را برای سربازی میخواهند که اینبار مردم بطور یکپارچه ضمن دادن شعارهایی علیه جنگ امپریالیستی، این تلاش مزدوران جمهوری اسلامی را نیز عقیم میگذارند.

سقز :

★ - بعد از بمباران شهر سقز توسط هواپیماهای عراقی که منجر به کشته و مجروح شدن دهها تن وویرانی فراوان گردید، مردم در حالیکه، آواره روستاها و کوهها و نقاط اطراف شهر شده‌اند اما همچنان با روحیه‌ای

←

زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی می‌جنگد!

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال اول
شماره ۷ - بهمن ۶۵

اخبار...

مبارزه‌جویانه بر علیه رژیم و جنگ دست به اعتراض میزنند. برخی از اهالی تهیدست که بعلت عدم امکانات نتوانسته‌اند جای امنی برای خود پیدا نمایند، بالاجبار شبها به‌منازل خود برمیگردند. کمبود مواد سوختی و مایحتاج اولیه همچنان بیداد میکند. شهر کماکان بحالت تعطیل درآمده، اما برخی از ادارات تحت فشار نیروهای سرکوبگر رژیم باز شده‌اند، ولی مدارس همچنان تعطیل است. مزدوران رژیم از ترس تجمع و اعتراض مردم بیمارستانهای شهر را به محاصره درآورده‌اند اما همچنان جرئت ظاهر شدن در سطح شهر را ندارند و بیشتر اوقات به حالت آماده‌باش در مراکز نظامی و مقرهایشان بسر میبرند. فرماندار شهر و آخوندهای خودفروش و مرتجع در میان اهالی به تبلیغات و عوامفریبی مشغولند تا اعتراضات توده‌های مردم را کاهش دهند.

★ - اخیرا رژیم مزدور خمینی تعدادی از زندانیان سیاسی شهر سقز را تیرباران نموده است. این زندانیان پس از تحمل شکنجه‌های وحشیانه از آنجا که به آرمانهای خلق خویش خیانت نکرده و مقاومت و پایداری خلقهای قهرمان ایران را در مقابل جمهوری اسلامی بنمایش گذاشته بودند؛ اینچنین وحشیانه به میدانهای تیر برده شدند. اما جمهوری اسلامی باید بداند که خلقهای ما، دیر یا زود انتقام این فرزندان مبارز و دلیر خود را از این مزدوران خواهند گرفت.

مهاباد :

★ - مدتی است که در مهاباد نیز مانند بسیاری از نقاط دیگر میهنمان نان جیره‌بندی شده است و سهمیه هر خانواده ۱۰ عدد نان تعیین گردیده که برای بدست آوردن آن مردم باید ساعتها در صفهای طویل نانوائیها بایستند و اگر خانواده‌ای به نان بیشتری نیاز داشته باشد - که چنین نیزهست زیرا غذای اصلی اغلب مردم ایران را نان تشکیل میدهد - با هزار و یک مشکل مواجه میشود و تهیه آن آسان نخواهد بود. بعلاوه رژیم، کمبریت مورد نیاز خانواده‌ها را نیز سهمیه‌بندی کرده است و سهمیه هر خانواده را برای سه ماه یک قوطی کمبریت بزرگ که شامل ۲۶۰۰ عدد چوب کبریت میباشد مقرر نموده است که در صورت موجود بودن آن، به قیمت هر عدد ۲۰ تومان به اهالی فروخته میشود.

★ - اخیرا جاشها و پاسداران مزدور رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با یورشهای متعدد به روستاهای مناطق "شاروبران" و "گشورک یک" مهاباد به آزار و اذیت و سرکوبی توده‌ها پرداختند. مزدوران رژیم در این یورشها و سرکوبها، همکاری توده‌ها با پیشمرگان را بهانهٔ اعمال ضد خلقی خود قرار دادند. در روستای "گزدی باقوب" در "شاروبران" چند جوان را دستگیر کرده و پس از شکنجه‌های بسیار یکی از آنان را به اتهام اینکه پیشمرگه بوده است تیرباران نمودند. همچنین این مزدوران چند تن از اهالی روستای "اوزنتاش" در "گشورک یک" را دستگیر کردند و وقتی مزدوران در روستای "قالوه‌زندان" درصدد دستگیری دو تن از اهالی برآمدند، با مقاومت و اعتراض زنان روستا مواجه شدند و پس از زدوخورد با زنان مبارز روستا، ضمن مجروح شدن یک پاسدار مزدور، با آزاد کردن دو تن دستگیرشده جبونانه مجبور به ترک روستا گشتند.

★ - با بمباران روستاهای "قزل قوپی"، "فره‌قشلاق" و "کاپیس" واقع در منطقه "شاروبران" مهاباد بوسیله عراق، نوجوان ۱۳ ساله‌ای در روستای "کاپیس" بشهادت رسید و خسارات مالی فراوانی به اهالی محروم و زحمتکش روستاهای فوق وارد آمد.

★ - براساس گزارشات رسیده، رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با ایجاد اکیپهای شکار انسان تاکنون حدود ۲۰ هزار نفر از جوانان و اهالی زحمتکش منطقه مهاباد را برای قربانی دستگیر و روانه پادگانها نموده است.

★ - اخیرا رژیم مزدور خمینی، شبها در مهاباد حکومت نظامی شدیدی را اعمال میکند و هر کسی قصد تردد در ساعات شب را داشته باشد، بوسیله مزدوران رژیم دستگیر میگردد.

۶ - طبق اخباری که از شهر مهاباد رسیده، اجناس مورد نیاز مردم کم و بشدت نایاب گشته و قیمتها آنقدر بالا رفته که مردم توانایی تهیه مایحتاج اولیه خود را ندارند. هم‌کنون در شهر مهاباد قیمت روغن کیلوئی ۱۵۰ تومان، برنج ۱۰۰ تومان، قند ۸۵ تومان و شکر کیلوئی ۷۵ تومان، خودکار بیک هر عدد ۲۵ تومان، بنزین لیتری ۵۰ تومان میباشد.

★ - رژیم مزدور که برای شکار جوانان به هر وسیله‌ای متوسل میشود اخیرا در مهاباد با مسلح کردن اراذل و اوباش شهر دست به ایجاد اکیپهای شکار جوانان زده است برای نمونه گروه رحیم مراد که در هشت کیلومتری شهر مهاباد پایگاهی برای دستگیری جوانان ایجاد نموده و به اشکال گوناگون برای شکار جوانان دام میگستراند.

نقده :

★ - در پی کمبود شدید مواد سوختی بویژه در سرمای طاقت فرسای زمستان اهالی شهر نقده برای تهیه مواد سوختی مورد نیاز خود در مضیقه شدیدی قرار گرفته‌اند. در نتیجه تاکنون نیمی از درختان میوه این شهر که سالیانه بخشی از مخارج زندگی اهالی را تامین میکرد قطع گردیده است تا بجای نفت و گاز وشیل که کمیاب گردیده استفاده گردد.

بانه :

★ - مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، مجددا اهالی روستاهای اطراف بانه و منجمله بخش "قلعه‌رشه" را تحت فشار قرار داده‌اند تا فرزندان مشمول خود را معرفی کنند. این مزدوران همچنین از طریق شوراهای اسلامی دست‌ساز خود اهالی را تحت

←

اخبار...

فشار قرار داده تا مشمولین را معرفی نمایند. اما با تمام این اقدامات، توده‌های مردم و جوانان در مقابل سیاست سربازگیری اجباری رژیم مقاومت میورزند.

★ - مزدوران رژیم اخیرا توده‌های زحمتکش روستاهای بانه را تحت فشار گذارده‌اند تا هر خانواده ماهانه مبلغ ۱۰۰ تومان جهت کمک به جبهه‌های جنگ ارتجاعی بپردازند. رژیم در این رابطه از آخوندهای خودفروش نیز استفاده میکند، اما مردم مبارز روستاهای بانه متحد و یکپارچه در برابر اینگونه اخاذیها، مقاومت میورزند.

بوکان:

★ - کمبود نفت و گازوئیل مردم بوکان را دچار مشکلات و مضیقه‌های فراوانی نموده است و بسیاری را واداشته است که برای رفع نیازهای سوختی خانواده ناچارا به قطع درختان میوه و باغات اطراف شهر و روستا روی آورند. ولی مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به سوء استفاده از همین وضع مشغولند. در این رابطه آنان تمامی شاخه‌های درختان خیابانهای شهر بوکان را قطع کرده و آنرا با قیمت گزاف به اهالی فروختند. اهالی برای بدست آوردن این هیزمها باید علاوه بر پرداخت قیمت گزاف، کوپن هم داشته باشند و مدتی نیز در صف طولانی هیزم بسربرند.

★ - اخیرا مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، حدود ۱۵۰ تن از اهالی منطقه بوکان را به اتهام همکاری با پیشمرگان دستگیر و روانه شکنجه‌گاهها مینمایند. این موج دستگیریها، علاوه بر آنکه درماندگی رژیم مزدورخمینی را در مقابله با جنبش خلق کرد آشکار میسازد، موجب خشم و نفرت اهالی مبارز بوکان و مناطق اطراف نیز گشته است. مردم مبارز بوکان، به اشکال گوناگون همدردی و حمایت خود را از دستگیر شدگان ابراز داشته‌اند.

پیرانشهر:

★ مدتی است که ایادی رژیم مزدور خمینی فشار و اذیت و آزار برای سربازگیری در پیرانشهر و روستاهای اطراف را شدت بخشیده‌اند. مزدوران جاش و پاسدار علاوه بر ایجاد پستهای بازرسی در مناطق ورودی و خروجی شهر و گشت زنی در خیابانها بارها به روستاها حمله‌ور شده‌اند تا جوانان مشمول را دستگیر و روانه جبهه‌ها سازند، اما جوانان مشمول مقاومت کرده و به کمک اهالی، مخفی میشوند و در صورتیکه برخی از آنان دستگیر شوند در اولین فرصت از چنگ آنان گریخته و یا از مراکز آموزش نظامی فرار میکنند. میزان فرار آنها به حدی است که مزدوران رژیم قادر به مقابله با آن نیستند و هرگونه تلاش و نیرنگ آنان در این جهت نیز اثری ندارد.

ربط:

★ به بهانه حضور پیشمرگان خلق کرد در یک مراسم عروسی در روستای "سرنه" جاشهای خودفروخته به این مراسم یورش برده و قصد داشتند با تفتیش منازل و اذیت و آزار مردم، مراسم را بهم بزنند. که با مقاومت اهالی و اعتراض آنها مواجه گشته و مجبور به بازگشت به پایگاههای سرکوب و جنایت خود گشتند.

اخبار جهان

★ - روزنامه اکسپرس چاپ فرانسه فاش ساخته است که یک شرکت فرانسوی با اطلاع شارل هرنو وزیر دفاع دولت وقت و فرانسوا میتران رئیس جمهور بمدت ۲ سال به رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، اسلحه میفروخته و ارزش این تجهیزات را ۷۰ میلیون لیره استرلینگ ذکر کرده است. کمپانی فرانسوی "لوشه‌ر" محموله‌های بزرگ حاوی گلوله‌های توپ را که ظاهرا و رسما به مقصد پرتغال، برزیل، تایلند و یوگسلاوی بارگیری میشده را به ایران تحویل داده است که یکی از اقلام فاش شده آن ۴۵۰ هزار گلوله توپ میباشد. علیرغم آنکه هر روز خریدهای پنهانی و گوناگون تسلیحاتی و لوازم جنگی مورد نیاز جمهوری اسلامی، از امپریالیستها رو میشود، رژیم مزدور خمینی با ادعای مسخره نه شرقی، نه غربی، به خیال خام خود سعی در فریب توده‌ها دارد و امپریالیستها نیز با تمام سودهای کلانی که از فروش تسلیحات و تداوم جنگ ایران و عراق بجیب میزنند، ادعای مضحک "بیطرفی" در این جنگ را تکرار میکنند. افشای این خبر بخصوص تبلیغات ریاکارانه جمهوری اسلامی و فرانسه را هرچه بیشتر آشکار میسازد.

★ - بدنبال اعتصاب ۲۲ هزار نفره اتحادیه فولادکاران کارخانه‌های فولادسازی امریکا که طولانی‌ترین اعتصاب توصیف شده است، کارگران راه‌آهن لانکاپفن نیز علیه شرکت راه‌آهن دست به اعتصاب زدند.

★ - در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت راجیو گاندی، بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تن از کارگران هندوستان دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زده‌اند. این اعتصاب به درخواست رهبران اتحادیه‌های کارگری انجام گرفت که معادن ذغال سنگ، بنادر، بانکها، شرکتهای بیمه و کارکنان برخی از پروازهای داخلی هواپیمائی را دربرگرفته است.

★ - ۱۵ هزار تن از کارکنان تلفن و ارتباطات انگلستان در اعتراض به اخراجهای کارگری و برای افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار، دست به اعتصاب زدند و بخشی از خطوط تلفنی انگلستان را مختل نمودند. اما دولت تاچر به درخواستهای اعتصابیون جواب رد داد. و بدنبال این اقدام دولت تاچر، هزاران نفر دیگر از کارکنان سایر بخشها، به نشانه همبستگی با کارکنان تلفن، دست از کار کشیدند. با طولانی شدن و گسترش اعتصابات در این بخش، مدیریت انحصار بزرگ بریتیش پریکوم پیشنهادهای جزئی به اعتصابیون داد که اعتصابیون این پیشنهادات را رد نمودند.

★ - بدنبال مرگ یک دانشجو، که در زیر شکنجه و بدست پلیس مزدور کره جنوبی روی داد وزیر کشور و رئیس پلیس این کشور، به منظور انحراف افکار و احساسات توده‌ها و ترس از گسترش مبارزات آنان از مقامهای خود استعفاء دادند.

★ - صدها تن از ساکنان اردوگاه فلسطینی واقع در حومه نابلس، در اعتراض به خشونتهای پلیس اسرائیل، دست به تظاهرات زدند که باز هم با یورش نیروهای سرکوبگر و پلیس مزدور اسرائیل روبرو گشتند. این مزدوران

←

اخبار...

سعی داشتند با تیراندازی تظاهرات را پراکنده سازند. در دانشگاه "النجاح" نیز تظاهرات مشابهی صورت گرفت که پلیس اشغالگر اسرائیل، تظاهرکنندگان را وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار داد.

★ - تعداد ۱۰ هزار نفر از دهقانان و کشاورزان فیلیپین در برابر کاخ ریاست جمهوری آن کشور دست به تظاهرات زدند. دهقانان فیلیپین خواستار انجام اصلاحات ارضی و تقسیم زمینهای مارکوس، دیکتاتور سابق و مزدور امریکا و اطرافیانش بودند. دولت مزدور آکینو، بمنظور مقابله و سرکوب دهقانان، تفنگداران دریائی را فرا میخواند و با گشودن آتش به روی دهقانان و کشاورزان، ۱۲ تن را کشته و بیش از ۱۰۰ تن را مجروح میسازد. این واقعه بار دیگر چهره کثیف مزدوران تازه بقدرت رسیده امپریالیسم را نشان میدهد که در هر حال چه با رنگ و لعاب با اصطلاح دمکراتیک و چه غیر آن، وظیفه‌ای جز سرکوب مبارزات توده‌ها و خدمت به اربابان ندارند.

★ - بدنبال بحران عمیق اقتصادی که امپریالیسم امریکا را فراگرفته، این دولت جهت رفع کمبودهای مالی و تامین کسری موازنه پرداختهایش، ارزش دلار را بازهم کاهش داده است. این کاهش در ژاپن و آلمان غربی تاثیرات شدیدی بجای گذاشته است. در همین رابطه وزیر دارائی دولت امپریالیستی ژاپن گفت که افزایش نرخ "ین" به ضرر اقتصاد ژاپن است و ژاپن در نظر دارد که امریکا و کشورهای دیگر را برای انجام اقداماتی به منظور تثبیت ارزش دلار تحت فشار بگذارد.

★ - ریگان، رئیس جمهور امریکا، در بیانیه‌ای ضمن با اصطلاح محکوم کردن جنگ ایران و عراق و گسترش آن، به ایران هشدار داد تا به گفتگوهای صلح تن دردهد. بدین ترتیب بار دیگر امپریالیسم امریکا کوشید تا ریاکارانه دستهای خونین خود در این جنگ را مخفی سازد. کوشش ریگان برای بیطرف جلوه دادن امریکا آنهم در شرایطی که امریکا بمثابه یکی از تامین کنندگان اصلی سلاح برای جمهوری اسلامی شناخته شده است، تلاش مذبوحانه‌ای بیش نبوده و نیست.

★ - در ادامه کشمکش و شدت یابی تضادهای جناحهای مختلف هیئت حاکمه امریکا، بازهم از زبان وزیر امور خارجه امریکا فاش گردید که پس از با اصطلاح دستور قطع فروش تسلیحات به جمهوری اسلامی، در ماه گذشته نمایندگان ایران و امریکا بار دیگر در لندن دیدار و مذاکره داشته‌اند. در همین رابطه سخنگوی کمیته ویژه سنای امریکا گفته است که درباره گزارشات وزارت امور خارجه مبنی بر دیدار نمایندگان امریکا و جمهوری اسلامی، دست به تحقیق خواهد زد. درهمان حال روزنامه دیلی تلگراف مینویسد: در همان روزی که ریگان در پیام رادیوئی اش تاکید میکرده تلاشهای برقراری رابطه با با اصطلاح میانه‌روهای رژیم قطع شده است، درهمان روز یعنی ۶ دسامبر، یک ملاقات بین نمایندگان امریکا و رژیم جمهوری اسلامی در لندن صورت گرفته است.

★ - در پی افشاگری جناحهای مختلف امپریالیسم امریکا بر علیه یکدیگر، سخنگوی وزارت دفاع امریکا اعتراف نمود که تعداد ۲ هزار موشک ضد تانک تاو به رژیم مزدور خمینی فروخته است. این سخنگو افزود که مسئول فروش این وزارتخانه قیمت این موشکها را اشتباها ۲/۵ میلیون دلار کمتر از قیمت واقعی محاسبه نموده است.

★ - چند هزار تن از توده‌های ستمدیده شیلی در پایتخت آن کشور بر علیه پینوشه، دیکتاتور مزدور امپریالیسم دست به تظاهرات زدند. آنان با سردادن شعارهایی، خواستار کناره‌گیری فوری پینوشه جلاد و اعاده دمکراسی در کشور شدند. پلیس مزدور شیلی به مقابله با این تظاهرات پرداخت.

★ - هزاران تن از کارگران چاپخانه گروه امپریالیستی نشریات "نیوز اینترنشنال" که منجمله روزنامه‌های "تایمز" و "ساندی تایمز" را در اختیار دارد، بمناسبت سالروز اخراج ۵۰۰۰ تن از همکاران کارگرشان دست به تظاهرات زدند. پلیس مزدور انگلستان در حمایت از انحصارات امپریالیستی صنعت چاپ دست به سرکوب خشونت آمیز کارگران مبارز زد. کارگران مبارز نیز با به آتش کشیدن یک کامیون و پرتاب کوکتل و با چوب و سنگ به مقابله برخاستند. در این جریان ۶۲ نفر از کارگران دستگیر و حدود ۱۵۰ پلیس زخمی گردیدند.

★ - بنا به گزارش اطلاعاتی سنای امریکا، که درباره ماجرای ایران - کنترا منتشر شده، گفته شده است که از "رادیوی صدای امریکا" - بخش فارسی - به منظور ارسال پیام برای سردمداران جمهوری اسلامی استفاده میشده است.

★ - درپی سخنان جرج شولتز که گفته بود: "بعد از تماس ۶ هفته پیش نمایندگان امریکا و جمهوری اسلامی که در ماه دسامبر در فرانکفورت به عمل آمده است، او دستور قطع تماسها را داده". هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با سی.بی.اس، این سخنان را دروغ خواند و گفت: "آقای شولتز شخصی به نام "دن بار" را فرستاده بود که با ماموران خرید ها، با همان دلایلها مذاکره کند و طرحی هم آورده بود". اما از سوی دیگر بنا به گزارش نیویورک تایمز هاشمی رفسنجانی تاریخ آخرین ملاقات را سه هفته قبل از مصاحبه‌اش ذکر نموده است! از سوی دیگر هفته‌نامه "آبزرور"، در مقاله‌ای پیرامون این ملاقاتها نوشته است که در یکی از این دیدارها آخوند کروبی نایب رئیس مجلس ضد خلقی نیز شرکت داشته است.

★ - کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد طی گزارشی بار دیگر بر بدرفتاری و شکنجه‌های گسترده و اعدام زندانیان سیاسی در رژیم مزدور خمینی تاکید کرده است. همچنین در این گزارش آمده است که رژیم جمهوری اسلامی، هیچگونه عقیده مخالفی را که حتی به مقدار کمی از خط رسمی حکومتی منحرف باشد نیز تحمل نمیکند. رسوائی رژیم مزدور خمینی در اعمال سرکوبها و ایجاد خفقان بحدی است که با تمام کوششهای محافل امپریالیستی، اینگونه مجامع نیز قادر به مخفی ساختن آن نیستند.

★ - روزنامه الاهرام چاپ مصر فاش ساخت که رژیم خمینی به سودان پیشنهاد کرده است در ازای عدم شرکتش در کنفرانس سران اسلامی در کویت، نفت مجانی دریافت نماید. اما دولت سودان این پیشنهاد را رد کرده است. این اقدام اوج دناءت و پستی رژیمی را میرساند که به قیمت محرومیت توده‌های مردم در مصرف مواد سوختی

اخبار ...

در این سرمای طاقت فرسا، در راه اهدافشان اینگونه مواد سوختی مورد نیاز مردم را بدل وبخشش میکنند.

★ ـ یک سخنگوی پلیس دانمارک اعلام کرد که: پلیس ۶ تن خاویار ایرانی به ارزش یک میلیون وچهارصد هزار دلار را در مرز این کشور با آلمانغربی که در زیر بار هندوانه مخفی شده بود کشف کرده است. بعد از تحقیقات پلیس دانمارک، مقامات جمهوری اسلامی میگویند که این خاویار بایستی به ایران بازگردانده شود. پلیس دانمارک اعلام داشته که پرونده این ماجرا باید در دادگاههای دانمارک رسیدگی شود. اما بدلیل طولانی شدن تحقیقات پلیس این خاویارها را به‌حراج گذاشته است. با توجه به اینکه سران دزد و فاسد جمهوری اسلامی خود از بزرگترین قاچاقچیان خاویار درجهان هستند، از ترس کشیده‌شدن به‌دادگاههای دانمارک و افشای چهره کثیفشان در نزد افکار عمومی فعلا دنبال ماجرا را نگرفته و اینک پلیس دانمارک نیزکه طبیعتا باید بداند این قاچاق کار سران رژیم میباشد، از جیب خلقهای زحمتکش ایران دست به حراج آنها زده است. لازم به توضیح است که اخیرا طی جلسه کارشناسان شیلات مازندران که در تاریخ ۸ بهمن ماه در بابلسر برگزار گردید فاش شد که سالانه حدود ۳۰۰ تن خاویار بصورت قاچاق صادر میشود. حال آنکه میزان مدور خاویار توسط شیلات و بطور قانونی سالانه فقط حدود ۲۰۰ تن است. همین اعتراف مزدوران شیلات مهر تائید دیگری است بر قاچاقچی گری سران دزد و فاسد جمهوری اسلامی.

★ ـ یک هفته‌نامه انزیشی فاش ساخت که یکی از بزرگترین کارخانجات آن کشور به رژیم وابسته به‌امپریالیسم جمهوری اسلامی، اسلحه فروخته است. این هفته‌نامه ازقول یک ناخدای کشتی افزود که کشتی حامل سلاحها را که ظاهرا به مقصد لیبی بارگیری شده‌بود، در بندرعباس تخلیه نموده‌است.

★ ـ بنا به‌گزارش وزارت تجارت بین المللی و صنعت ژاپن، ایران در سال گذشته ۴۴۶۷۸ دستگاه وانت یا کامیون و ۴۸ دستگاه اتومبیل سواری از ژاپن خریده است و همچنین شرکت اتومبیل سازی تویوتای ژاپن اعلام کرد که ایران در سالجاری ۹ هزار دستگاه وانت از این شرکت خریداری نموده است. این اخبار فقط گوشه‌ای از نوع و حجم خریدهای رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از انحصارات امپریالیستی را نشان میدهد که طبعا در جهت شعله‌ور ساختن جنگ ارتجاعی ایران وعراق و پرکردن جیب اربابان به‌آن اقدام شده‌است.

★ ـ فلسطینیان ساکن "رام الله"، "نابلس" و "بلاته" مجددا در کرانه باختری رود اردن، تظاهرات گسترده‌ای در اعتراض به خشونتهای پلیس مزدور اسرائیل بر پا کردند و ماشین وزیر دفاع اسرائیل را که در حال بازرسی از منطقه بوده است زیر باران سنگ قرار داده‌اند. این تظاهرات باز هم با تیراندازی و ضرب وشتم مردم توسط پلیس مواجه گشت. همچنین هزاران تن از ساکنان اردوگاه "جبلیه" واقع در نوار غزه به تظاهرات پرداخته وشعار خروج قوای اشغالگر را سر دادند که در اثر تیراندازی پلیس، یک جوان ۱۷ ساله زخمی و دهها تن بازداشت گردیدند.

★ ـ روزنامه واشنگتن پست فاش ساخته است که آمریکا چندین نوبت اطلاعات نظامی مربوط به عراق را به رژیم مزدور خمینی داده است. قبلا نیز اعلام شده بود، امریکا به‌دولت عراق اطلاعات نظامی مربوط به ایران را میداده است. بعلاوه روزنامه کریستین ساینس مانیتور نیز گفته است اطلاعات نظامی پیرامون مواضع عراق در جبهه‌ها و غیره، توسط سرهنگ اولیور نورث در اختیار منوچهر قربانی فر ـ دوست میرحسین موسوی ـ قرار میگرفته. این افشاگریها بخوبی نشان میدهند که چگونه امپریالیستها و بویژه امپریالیسم امریکا به طرق گوناگون و منجمله با دادن اطلاعات نظامی درکنترل وهدایت جنگ میکوشند.

★ ـ نزدیک به ۴۰۰ تن آواره ایرانی، در مقابل دفتر نمایندگی کمیسیون پناهندگان سازمان ملل در کراچی، به مدت نامعلومی متحصن شده‌اند. این هموطنان آواره خواستار رسیدگی به وضعیت نابسامان ونامشخص خود میباشند. رژیم مزدور پاکستان با توجه به روابطی که با جمهوری اسلامی دارد آنان را بعنوان پناهنده به رسمیت نمیشناسد. کمیسیون سازمان ملل نیز به‌وضع آنان رسیدگی نمیکند. این وضعیت شامل حال بیش از ۶ هزار تن از هموطنان آواره ماست که با تحمل بدبختیها و مشکلات زیاد از جهنم دیکتاتوری و اختناق رژیم مزدور خمینی گریخته و اکنون در پاکستان سرگردان میباشند.

از صفحه ۴۱

روز شمار بهمن ماه

ـ ۱۳۶۰/۱۱/۱۹ شهادت مجاهد خلق موسی خیابانی وهمرزمانش

ـ ۵۷/۱۱/۲۱ میتینگ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت رستاخیز سیاهکل ـ درگیری بین هواداران انقلابی و نیروهای کارد جاویدان شاه وآغاز قیام خونین و قهرمانانه خلق وشرکت سازمان چریکهای فدائی خلق درقیام

ـ ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ قیام شکوهمند جلیقهای ایران برعلیه سلطه امپریالیسم و سگهای زنجیریش

ـ ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ شهادت چریکهای فدائی خلق رفقا: بابک سیلابی (باغان عشرت آباد) خسروپناهی (کلانتری ۶ تهران) وقاسم سیادتی عضو کمیته مرکزی سازمان (مرکز رادیو) درطی شرکت درقیام قهرمانانه خلق

ـ بیست دوبهمن (۱۰ ژانویه) تولد بوتولت برشت

ـ ۱۳۵۷/۱۱/۲۶ شهادت محمدحسین کریمی از رهبران کومه‌له

ـ ۱۳۵۲/۱۱/۲۹ شهادت رفقا خسرو گلسرخی و کرامت‌الله دانشیان

ـ ۱۳۵۶/۱۱/۲۹ قیام مردم تبریز برعلیه رژیم وابسته به‌امپریالیسم شاه

ـ ۱۳۵۸/۱۱/۲۹ شهادت رهبران شورای دهقانی ترکمن صحرا، شیر محمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق محمدواحدی وحسین جرجانی و پیدا شدن پیکرهای شکنجه شده آنان دربین میندشت وچمن بید (جنگل گلستان) درمسیرگنبد بجنورد

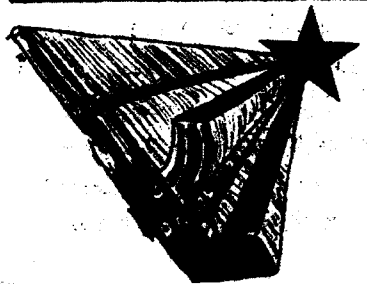

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال اول
شماره ۷ - بهمن ۶۵

شهدای بهمن ماه
چریکهای فدائی خلق ایران

" هزاران هزار شهید ، جان خودرا درراه منافع خلق قهرمانانه فداکرده‌اند ،بگذاردرفش آنها رابرافرازیم و دررا هی که‌با خون آنها سرخ شده است ، به‌پیش رویم ! "
(مائوتسه‌دون)

رفقا :

پوران یداللهی	۵۱/۱۱/۲۳
بهروز عبدی	۵۱/۱۱/۲۳
ابراهیم پوررضائی خلیق	۵۲/۱۱/۱
یوسف زرکار	۵۲/۱۱/۱۷
سعید پایان	۵۳/۱۱/۱
فتحعلی پناهیان	۵۴/۱۱/
فاطمه اقدرنیا	۵۴/۱۱/۶
مجید پیرزاده‌جهرمی	۵۴/۱۱/۶
جعفر محتشمی	۵۴/۱۱/۶
مسعود پرورش	۵۴/۱۱/۶
مصطفی دقیق همدانی	۵۴/۱۱/۶
کاووس رهگذر	۵۴/۱۱/۱۷
حمیدرضا هزارخانی	۵۴/۱۱/
حمید مومنی	۵۴/۱۱/۱۸
محمدعلی خسروی اردبیلی (داداشی)	۵۴/۱۱/
انوشه فضیلت‌کلام	۵۵/۱۱/۶
کیومرث‌سنجری	۵۵/۱۱/۹
حسن جان فرجودی	۵۵/۱۱/
حسین چوخاچی	۵۵/۱۱/۱۳
جعفر پشامی	۵۵/۱۱/
فردوس‌آقاابراهیمیان	۵۵/۱۱/
محمد کاسه‌چی	۵۵/۱۱/
محسن نوربخش	۵۵/۱۱/
قاسم سیادتی	۵۷/۱۱/۲۲
مهدی اقتدارمنش	۵۷/۱۱/۲۲
بابک سیلابی	۵۷/۱۱/۲۲
خسرو پناهی	۵۷/۱۱/۲۲
محمدجواد عرفانیان	۵۷/۱۱/۲۲

در سالروز دو روز بزرگ تاریخی باید از اولین شهید سازمان مجاهدین خلق ایران احمد رضائی که درسال ۵۰ درنبردی رویاروی با مزدوران رژیم وابسته‌به‌امپریالیسم شاه بشهادت رسید و مجاهدین گرانقدر موسی خیابانی و اشرف ربیعی و جمعی دیگر از شهدای مجاهدکه‌در ۱۹بهمن ۶۰ بشهادت رسیدند یاد کرده و خاطرهٔ جانبازیهایشان را گرامی بداریم .

روز شمار بهمن ماه

- ۱۳۰۲/۱۱/۱ (۲۱ ژانویه ۱۹۲۴)درگذشت آموزگار کبیرپرولتاریا لنین
- ۱۳۱۲/۱۱/۱ درگذشت شاعرملی ومردمی عارف قزوینی
- ۱۳۴۰/۱۱/۱ حمله چتربازان شاه مزدور به‌دانشجویان مبارزدانشگاه تهران
- ۱۳۲۴/۱۱/۲ تشکیل جمهوری خودمختار کردستان
- ۱۳۵۷/۱۱/۸ کشتارمردم‌تهران توسط بختیارنوکربی اختیار
- ۱۳۵۰/۱۱/۱۱ شهادت احمدرضائی اولین شهیدسازمان مجاهدین خلق‌ایران
- ۱۳۱۸/۱۱/۱۴ شهادت‌دکتر تقی ارانی بوسیله مزدوران رضاشاه‌جنایتکار
- ۱۳۲۷/۱۱/۱۵ تیراندازی ناصرفخر آرائی بسوی شاه خائن
- ۱۳۵۴/۱۱/۱۸ شهادت حمیدمومنی از رفقای ارزنده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
- ۱۳۵۷/۱۱/۱۸ پایان ماموریت ژنرال هوبزر امریکائی درایران
- ۱۳۵۸/۱۱/۱۸ دستگیری رهبران شوراهای دهقانی ترکمن صحرا توسط پاسداران ضدخلقی درزمانیکه بهمراه هیئت مذاکره کنندهٔ رژیم‌روانه‌منازل خود بودند
- ۱۳۴۹/۱۱/۱۹ رستاخیز سیاهکل وآغاز جنبش مسلحانهٔ درایران
- ۱۳۵۸/۱۱/۱۹ تحمیل جنگ دوم به‌خلق ترکمن توسط رژیم وابسته‌به امپریالیسم جمهوری اسلامی وسرکوب بیرحمانه ستادمرکزی شوراهای ترکمن صحرا وروستائیان بیدفاع بوسیله ارتش مزدور

بقیه در صفحه ۴۰

پیام فدایی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال اول
شماره ۷ ـ بهمن ۶۵

سازشکاران و مضحکه تسخیر سفارت امریکا

خیمه‌شب‌بازی تسخیر سفارت امریکا و در نتیجه گروگانگیری کارکنان این سفارت بمدت ۴۴۴ روز در تهران که منجر به "بحران روابط" امریکا با جمهوری اسلامی گردید، مباحث "قطع رابطه" رسمی امریکا با جمهوری اسلامی و یا اصطلاح "محاصره اقتصادی" ایران از سوی امریکا گشت. امری که دغلبکاران جمهوری اسلامی همان زمان در چهارچوب بزرگترین مکاری سیاسی خود مردم را به "جشن" گرفتن به این خاطر فراخواندند. حال باردیگر و این بار پس از گذشت ۷ سال در مسئله مربوط به افشای روابط با اصطلاح پنهانی امریکا با جمهوری اسلامی مطرح شده است.

مضحکه اشغال سفارت از همان آغاز با هیاهوهای فراوان از جانب طرفین این ماجرا همراه بود و بالاخره نیز با روی کار آمدن ریگان از جمهوریخواهان بر راس قدرت و بلافاصله بعد از ترک کاخ سفید از سوی کارتر رئیس جمهور قبلی امریکا پایان گرفت.

این ۴۴۴ روز اوج مبارزات" ضد امپریالیستی "رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، اوج وقاحت و چشم‌دریدگی سردمداران مزدور جمهوری اسلامی و ضمنا اوج حقارت و حماقت سازمانهای با اصطلاح پیشرو و پیشاهنگی بود که "به‌به" و "چه‌چه" کنان بدنبال این مضحکه براه افتادند و با یاری به جمهوری اسلامی در فریب توده‌ها برای این عمل "ضد امپریالیستی" و "قاطع" رژیم مزدور هورا کشیدند، روزه سیاسی گرفتند و به حفاظت از ساختمان جاسوسخانه پرداختند.

برای نمونه با اصطلاح "فدائیان خلق" در آنزمانیکه هنوز به "اکثریت" و "اقلیت" تبدیل نشده بودند وقیحانه در این زمینه نوشتند: "وظیفه کارگران و نمایندگان سیاسی آنهاست که از این مبارزه ضد امپریالیستی حمایت کنند. زمانیکه چنین حمایتی نمیشود بطور طبیعی کارگران با آگاه را متهم به امریکائی بودن میکنند." [کار شماره ۳۷ مقاله اگر تومیم و آنارشیسم...]

و یا سازمان مجاهدین خلق در

بقیه در صفحه ۱۴

گرامی باد ۲۱ ری بندان سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان

خلق رزمنده کرد!
پیشمرگان قهرمان!

دوم بهمن ماه (۲۱ ری بندان) سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان، یادآور جلوه‌ای از سابقه درخشان مبارزاتی شما میباشد. مبارزاتی که با جانفشانیها و قهرمانیهای توده‌های ستمدیده کردستان در آن شرایط مشخص تاریخی، در اعلام جمهوری خودمختار توسط صدرقاضی محمد و یارانش تبلور یافت. همانطور که میدانید، این ثمره مبارزات توده‌ها بیش از مدت محدود ۱۱ ماه دوام نیاورد و با یورش ارتش امپریالیستی توسط شاه مزدور درهم شکسته شد، و علیرغم استقامت قهرمانانه قاضی محمد و برخی از یارانش که تا بنشار خون خود پیام‌آور آرمان مبارزه بر علیه ستم ملی گشتند، آن جنبش در

بقیه در صفحه ۱۵

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید

با کمکهای مالی خود چریکهای فدایی خلق ایران را یاری رسانید

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران با نشانی‌های زیر مکاتبه کنید:

انگلستان
BM BOX 5051
LONDON
WC1N 3XX
ENGLAND

فرانسه
F.S
B.P-181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

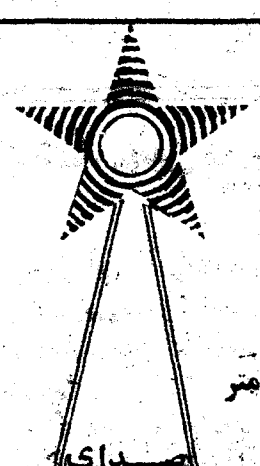

ساعات پخش
۶/۵ بعد از ظهر و
۱۲ ظهر روز بعد

امواج کوتاه
ردیف‌های ۴۱ و ۷۵ متر

صدای
چریکهای فدایی خلق ایران

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق رهبری طبقه کارگر!